



بِسْمِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ





حوزه علمیه مسجد حجت بن الحسن

... الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا (فرقان/۵)

فصل نامه دلیل

سال ۱، شماره ۱؛ تابستان ۱۴۰۴

مقام معظم رهبری دامنه العالی:

هدف پژوهش دو چیز است: یکی رسیدن به مرجعیت علمی و حضور در جمع سرآمدان علم و فناوری، دوم حلّ مسائل کنونی و آینده‌ی کشور.

(۱۳۹۷/۰۳/۲۰)

فصل نامه دلیل

سال ۱، شماره ۱؛ تابستان ۱۴۰۴

مدیر مسئول: حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی مطلبی فشارکی

دبیر: میثم خوش خبر

هیئت تحریریه: بهمن درویشی

علی رضا بادرستانی

احمد رضا مطلبی

محسن رابعی

عباس فیض نسب

صفحه آرا: اسماء وصال طلب راوری

با تشکر از همکاری متولی مسجد حجت بن الحسن علیه السلام حاج آقای صانعی و هیئت امناء

نشانی:

تهران، سهرودی شمالی، خیابان شهید قندی، قندی یکم، حوزه مسجد حجت بن الحسن

فصلنامه اول

فهرست مطالب

- ۷ سرمقاله: نقش علمای دین در ترویج فقه و فرهنگ قرآن و عترت
حجت الاسلام و المسلمین محمد علی مطلبی فشارکی
- ۹ مسجد تراز اسلامی: کانون تبلیغ و تحول در جامعه انقلابی
میثم خوش خبر
- ۲۹ نقد معجزات در فلسفه هیوم: هم‌پوشانی عقل و دین
محسن رباعی
- ۴۹ زمینه‌های ازدواج موفق از دیدگاه اسلام
محمد درویشی
- ۶۷ کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام: راهی به سوی رزق حلال
سید علی خدیور
- ۹۹ بررسی مسئله‌ی شفاعت در ادیان الهی و آسمانی
علیرضا بادرستانی



سرمقاله: نقش علمای دین در ترویج فقه و فرهنگ قرآن و عترت

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی مطلبی فشارکی

نون والقلم

یکی از مهم ترین ابزار رساندن فرهنگ دینی قلم است در طول تاریخ بزرگان فرهنگ به وسیله قلم توانستند همه اهداف خود را به نسل های آینده منتقل کنند در ترویج فرهنگ قرآن و احادیث اهل بیت (ع) دانشمندان دینی به وسیله قلم نشر دین نموده و کارهای بسیار مهمی را برای نسل های آینده به یادگار گذاردند

نشریه دلیل به پیروی از همین سنت حسنه تصمیم دارد اهداف نشر فرهنگ دین را به وسیله دانشمندان به منصفه ظهور برساند و نسل فعلی و آینده را به وسیله قلم هدایت نماید از همه خوانندگان درخواست می نمایم که ما را در بهتر شدن این هدف یاری نمایید و با دیدگاه نقادانه خود ما را کمک نمایند.

آری علما و دانشمندان دینی در همه زمینه ها فرهنگ قرآنی زحمات زیادی کشیدند تا آنچه به دست آوردند از پرتو نورانی قرآن و عترت برای آیندگان به ارمغان گذارند. ما هم وظیفه دینی و علمی خود می دانیم اولاً؛ پاسداشت خوبی از تراث علمای اسلام مخصوصاً علمای شیعه بنماییم و ضمن درست استفاده کردن از آنها به بهترین وجه به آیندگان تحویل دهیم و با سربلندی این پرچم علمی شیعه را در اهتزاز نگه داریم و نگذاریم با دسیسه های دشمن دین و انقلاب اسلامی در بوته فراموشی قرار گیرد.

به همین جهت حفظ تراس امامیه از وظایف اصلی حوزه‌های علمیه و نویسندگان و بزرگان دین است الحمدلله در طول تاریخ این امر مسلم علما توجه لازم داشته‌اند ولی کافی نیست تلاش بزرگان دین را در حفظ تراس امامیه قابل تقدیر است ولی به این معنی نیست که کافی باشد این فصلنامه هدفش استفاده کردن از افکار طلاب جوان و تلاش آنها در حفظ و نگهداری و تبیین درست اعم از فقه و اصول و کلام و تفسیر سایر علوم می‌باشد.



مسجد تراز اسلامی: کانون تبلیغ و تحول در جامعه انقلابی

میشم خوش خبر^۱

چکیده

روش تبلیغ در مسجد تراز موضوع حال حاضر می باشد. و هدف از انجام این تحقیق بررسی تاریخ مسجد و سیر تحولی آن در قرن اخیر توسط انقلاب اسلامی و شناساندن مسجدی تراز که در آن به تبلیغ اهتمام دارد و روش های تبلیغ موثر در آن و سوق دادن جامعه به مفاهیم اهل بیت علیهم السلام، بررسی جایگاه مسجد در دین اسلام و قبل اسلام، آگاهی به نظرات بزرگان دین نسبت به مسجد و تبلیغ در آن است.

در جامعه امروزی ما همانند دیگر جوامع از ویژگی ها و کارکردهای حقیقی مسجد در صدر اسلام فاصله گرفته ایم و برای رسیدن به الگوی مسجد تراز اسلامی نیاز است این فاصله ها کم شود و دغدغه و سوال در این تحقیق این است که روش تبلیغ در مسجد و تأثیر آن در جامعه انقلابی اسلامی چگونه است؟ مسجد تراز چیست و چه شاخص هایی دارد؟ مسجد در طول تاریخ چطور بوده و چه تغییراتی کرده؟ تأثیر انقلاب در مسجد و مسجد در انقلاب چگونه بوده؟

برای انجام این تحقیق از روش کتابخانه ای و مطالعه کتب در زمینه ی موضوع مدنظر و مقالات نیز استفاده شده است و دستاورد تحقیق حال حاضر این است که ما به این مساله

۱. استاد حوزه حجت بن الحسن علیه السلام

رسیدیم که مسجد کانون عبادت، فعالیت های سیاسی، کانون فعالیت های اجتماعی، کانون فعالیت های اقتصادی، مرکز دادخواهی و قضاوت، کانون تربیت و آموزش و غیره می باشد و فقط به نماز خواندن و عبادت کردن در آن اختصاص ندارد و این امر در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحقق یافت و نیاز است که ما مردم این حرکت را نیز بعد از انقلاب ادامه دهیم تا به نقش حقیقی مسجد تراز اسلامی دست یابیم.

کلید واژه: مسجد، تراز، تبلیغ، دین، اسلام.

مقدمه

با حمد و ستایش خداوند تبارک و تعالی و سلام و صلوات خاص پروردگار بر پیامبر رحمت و خاندان پاک و مطهرش علیه السلام به ویژه قطب عالم امکان حضرت صاحب الزمان علیه السلام، که چراغ هدایت، کشتی نجات و محبتشان شرط قبولی طاعات و اطاعتشان وسیله قرب الهی است. مسجد سنگر اسلام است این جمله از امام راحل نشان دهنده ی جایگاه ویژه و کلیدی مسجد در تعالیم اسلامی است و یکی از مهم ترین و جالب ترین بخش های تعالیم اسلامی، بخش مربوط به مسجد است انسان ها از سال ها پیش حتی قبل از اسلام از خاصیت نیایش گاه و معبد آگاهی داشتند و به طور طبیعی و غریزی آداب نیایش را رعایت می کردند و حتی سائرادیان (یهود، نصارا و...) نیایش را دوست داشته و دارند ولی باید متذکر شد که عده ای از مردم نسبت به مسجد بی توجه بوده و گروهی نیز افراط کردند.

مسجد دارای ابعاد گسترده ای مثل مسائل عبادی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی، آموزشی و... است و دارای اهمیت بسیاری می باشد. در این تحقیق ابتداء مسجد را تبیین نموده و در مرحله ی دوم وصف تراز را مورد بررسی قرار می دهیم.

طبق فقه شیعه مسجد نشانه ایمان انسان ها است، و مسجد از اموری است که انسان ها به طور فطری به آن تمایل دارند و بیشتر با ساخت آن و شرکت در مراسم عبادی، سیاسی،

اجتماعی، تربیتی، آموزشی جلوه‌گر می‌شود. اگرچه در هر جامعه‌ای انسان‌های بی‌مبالاتی هم هستند که مسجد را جدی نمی‌گیرند و آداب آن را رعایت نمی‌کنند، بنابراین اگر مسجد وجود نداشت و یا اگر وجود داشت، آداب آن رعایت نمی‌شد چه مشکلی پیش می‌آمد؟ در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که رشد جمعیت بالایی دارند اگر مسجد را جدی نگیرند این مساله می‌تواند حتی در جایی که تأثیرات اولیه آن چندان جدی نبوده است به یک فاجعه تبدیل و در جوامع اسلامی، دین مقدس اسلام به این امر توجه بسیار نشان داده و قوانین فقهی و اخلاقی وضع نموده است و مسجد را نشانه ایمان مردم می‌داند.

هدف و انگیزه پژوهشگر این است که ادله فقهی و اخلاقی مسجد تراز اسلامی را مورد بررسی قرار دهد تا زمینه‌های آشنائی جامعه با مبانی فقهی و نظرات اسلام در باره مسجد تراز اسلامی فراهم گردد و مردم با احکام آن آشنا گردند خصوصاً اینکه عده‌ای نسبت به احکام مسجد بی‌تقید بوده و گروهی در اثر افراط و زیاده‌روی احکام مسجد را به صورت غیر صحیح اجرا می‌کنند و تبلیغ اسلام ناب محمدی باید با روشی مناسب و در خور انجام گیرد.

۱. مسجد در لغت و اصطلاح

۱-۱. مسجد در لغت

مسجد در لغت به معنای جایی است که در آن سجده می‌شود و به هر جایی که در آن عبادت می‌شود، مسجد می‌گویند. مسجد در لغت، اسم مکان از فعل (سجد، یسجد) به معنای «جایگاه سجده و محل عبادت و در فارسی مزگت، هم گفته شده است»^۱. برخی گفته‌اند: مَسْجِد به کسر جیم نامی است برای محلّ عبادت، خواه در آن محلّ سجده شود یا نشود.^۲

۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۲۵۱.

۲. خوری، سعید، اقرب الموارد، ج ۱، ص ۴۹۵.

راغب در مفردات می گوید: «المسجد موضع الصلاه اعتباراً بالسَّجود».^۱

ابن فارس می نویسد: السَّيْنُ وَالْجَيْمُ وَالْدَّالُّ، أَصْلٌ وَاحِدٌ مُطَّرِدٌ يَدُلُّ عَلَى تَطَامُنٍ وَذُلٍّ، يُقَالُ: سَجَدَ، إِذَا تَطَامَنَ وَكُلُّ مَا ذَلَّ فَقَدْ سَجَدَ.

سین و جیم و دال، دارای یک معنای اصلی و فراگیر است که بر فروتنی و خاکساری دلالت می کند. وقتی گفته می شود: «سَجَدَ» که شخص، فروتنی کرده باشد و هر آنچه خاکساری کند، سجده کرده است.^۲

در کتاب تهذیب اللغه آمده است: مَسْجَدٌ - به فتح جیم - به معنای محراب - و به کسر آن - جایگاه نمازهای جماعت است و جمع مسجد، مساجد است.^۳

۱-۲. مسجد در اصطلاح

مسجد در اصطلاح شرع، جایی است که برای اقامه نماز برای همه مسلمانان وقف شده است؛ پس اگر به برخی از مسلمانان اختصاص داشته باشد، مسجد نخواهد بود.^۴

در کتاب مفتاح الکرامه آمده است: مسجد، حقیقت شرعیّه است در مکانی که بر عموم نمازگزاران برای نماز وقف شده باشد نه این که به برخی اختصاص یابد.^۵

۱. اصفهانی راغب، مفردات، ص ۲۷۱.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۳ ص ۱۳۳.

۳. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، ج ۱۰، ص ۵۷۰.

۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱۴، ۶۹.

۵. حسینی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲. تراز در لغت و اصطلاح

۲-۱. تراز در لغت

تراز در لغت فارسی به معنای زیبا و نیکوکننده، و سجاful جامه و تراز آستین، و گریبان و جامه گلدوزی شده و زینتی است.^۱

۲-۲. تراز در اصطلاح

تراز در اصطلاح به معنای نگه‌دارنده و سازمان‌دهنده بوده و علامت رسمی دولت‌های اسلامی بنا به مصالح سیاسی، مالی، بومی، محلی و مذهبی و از نشانه‌های عمده خلافت است.^۲

۳. تبلیغ در لغت و اصطلاح

۳-۱. تبلیغ در لغت

در فرهنگ لغت، تبلیغ به مفهوم رسانیدن آمده است: پیغام یا خبر، پیام یا مطلبی را به اطلاع مردم رسانیدن است.^۳

۳-۲. تبلیغ در اصطلاح

تبلیغ عبارت است از «رساندن پیام به دیگری، از طریق برقراری ارتباط به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار او و بر سه عنصر اصلی «پیام دهنده»، «پیام گیرنده» و «پیام» مبتنی است. نکته قابل ذکر اینکه در تبلیغ، تنها پیام رسانی منظور نیست بلکه «اقناع و

۱. ده خدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ص ۳۹۸.

۲. شهیدی پاک، محمدرضا، تاریخ تشکیلات در اسلام، ص ۱۰۲.

۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۹۹.

ترغیب» مخاطب نیز نهفته است. برخی در این باره گفته‌اند: «کلیه اقدامات مؤثر در عقیده، تصور و تصمیم‌گیری فرد فرد انسان‌ها یا گروهی از انسان‌ها را می‌توان تبلیغ گفت.^۱

۴. دین در لغت و اصطلاح

۴-۱. دین در لغت

دین در اصطلاح تعریف‌های متفاوتی دارد یکی از آواژه دین در فرهنگ لغات، مترادف با کلماتی چون: حکم و قضا، رسم و عادت، شریعت و مذهب، همبستگی و غیر آن آمده است.^۲

در کاربردهای قرآنی نیز به معانی زیادی از جمله: جزا، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی آمده است.^۳

۴-۲. دین در اصطلاح

دین تعاریف این است که آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: دین مجموعه عقاید اخلاق قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها می‌باشد.^۴

۵. اسلام در لغت و اصطلاح

۵-۱. اسلام در لغت

واژه اسلام مصدر باب افعال از ماده «س-ل-م» به معنای صحت و عافیت و دوری از هرگونه

۱. رهبر، محمدتقی، ره توشه مبلغ، ص ۴۱

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه دهخدا ص ۵۷۲-۵۷۴.

۳. اصفهانی، راغب، المفردات، ص ۱۷۵.

۴. جوادی آملی، مبانی تعلیم و تربیت، ص ۹۳.

عیب و نقص و فساد و در باب افعال به معانی زیر است: انقیاد، اطاعت کلی و بی قید و شرط و تسلیم محض بودن است.^۱

۵-۲. اسلام در اصطلاح

اسلام در اصطلاح عبارت است از: اقرار به هر طاعتی که حکم ظاهر است و به جا آوردن آن. پس هر گاه شخصی به هر طاعتی در ظاهر اقرار کند - اگر چه در دل، بدان معتقد نباشد، سزاوار نام و معنای اسلام است و بایسته دوستی ظاهری است. [پذیرفتن] گواهی او جایز است، اثر می برد و هر حق و وظیفه ای را که مسلمانان دارند، او نیز دارد. این است وصف [و معنای] اسلام. فرق میان مسلمان و مؤمن، این است که مسلمان ایمان دارد که باید از آنچه در ظاهر بدان اعتراف دارد، در باطن نیز فرمان بردار باشد.

پس هر گاه در ظاهر چنین باشد، مسلمان است و هر گاه در ظاهر و باطن، از سر خضوع و به قصد تقرب به خدا و آگاهانه فرمان بردار باشد، مؤمن است بنا بر این، ممکن است بنده فقط مسلمان باشد و مؤمن نباشد؛ اما اگر مؤمن باشد، حتماً مسلمان نیز هست.^۲

۶. نقش مساجد در پیروزی انقلاب

۶-۱. شروع انقلاب از مساجد

مساجد نهضت را درست کرده است. قدرت اسلام است که از حلقوم روحانیت بیرون می آید. اینها را نشکنید. خدایا، تو می دانی که من برای اینکه معمم هستم از روحانیت طرفداری نمی کنم. برای اینکه می دانم این قشرند، این قشرند که می توانند ملت را نجات بدهند؛ این

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۶، ص ۳۴۵ / مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۱۹۱ - ۱۹۲.

۲. ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث فارسی، ص ۷۳.

قشرند که مردم آنها را می‌خواهند. این مساجد است که این بساط را درست کرد. این مساجد است که نهضت را درست کرد.^۱

مقام معظم رهبری دامت‌السلامه نیز می‌فرماید: انقلاب از خانه‌ی مذهب یعنی مسجد شروع شد؛ انقلاب از خانه‌ی مذهب یعنی مسجد و مدرسه‌ی دینی آغاز شد؛ انقلاب از اینجا شروع شد: از مسجد و دین و تقوا. انقلاب از مساجد شروع شد.^۲

ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: مساجد از جمله عواملی است که در پیروزی انقلاب نقش تعیین‌کننده داشت؛ شعائر اسلامی و مساجد و نمازهای جمعه و عزاداری‌ها، از جمله عواملی است که در پیروزی انقلاب و تداوم آن، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.^۳

۶-۲. اقبال مردم به مساجد، زمینه‌ساز پیروزی

بسیج عمومی در نهضت که منجر به پیروزی شد، از سنگرهای الهی مساجد انجام می‌شد؛ ملت مبارز رمز پیروزی را یافته است، و با هوشیاری دریافته که بسیج عمومی از سنگرهای الهی مساجد و منابر و محافل دینی گردید.^۴

اقبال مردم به مساجد و تبدیل آن به مرکزی برای آگاهی و افشای اسرار طاغوت، یکی از علل پیروزی است؛ یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی و یا لاقلاً سهولت این پیروزی این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد. در دوره‌ی مشروطیت هم همین‌طور بوده است؛ در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین‌طور بود؛ در زمان انقلاب هم که این مسئله، به حدّ اعلی رسید.^۵

۱. همان، ج ۸، ص ۶۰.

۲. khamenei.ir، بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان اعزامی به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان ۱۳۷۲/۱۱/۱۷.

۳. khamenei.ir، پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی ۱۳۶۸/۰۴/۲۳.

۴. خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۹، ص: ۲۶.

۵. khamenei.ir، دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵/۱۰/۱۹.

۷. تأثیر مسجد بر انقلاب اسلامی

۷-۱. برکات عظیم مساجد برای حرکت انقلاب

مساجد از جمله عواملی است که در تداوم انقلاب نقش تعیین‌کننده داشته است؛ شعائر اسلامی و مساجد و نمازهای جمعه و عزاداری‌ها، از جمله عواملی است که در پیروزی انقلاب و تداوم آن، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.^۱

هیچ یک نباید خود را از برکات عظیمی که مسجد تراز اسلامی به نظام و مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم؛ هیچ یک از ما نباید... خود را از برکات عظیمی که مسجد تراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم.^۲

مساجد را آباد کنید؛ زیرا به حرکت انقلابی و بزرگ شما برکت خواهد داد؛ علاوه بر نماز جمعه، مردم نمازهای دیگر را هم در مساجد اجتماع کنند و بخوانند. مساجد را آباد کنید. اینها به حرکت انقلابی و بزرگ شما برکت خواهد داد.^۳

اگر مسجد قوی باشد، ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید؛ آن روز باید ترس داشته باشید که به مساجد پشت کنید؛ اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید. ترس از امریکا و شوروی و اینها نداشته باشید. آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام. پشت کنید به مساجد.^۴

۷-۲. مساجد، پایگاه حرکت مردم در جهت دین

امروز جوان‌های فراوانی در مساجد کشور تلاش دینی می‌کنند و از معنویت آن الهام می‌گیرند؛ وقتی روزهای اعتکاف ماه رجب فرا رسید، مسجد دانشگاه تهران جزو شلوغ‌ترین مراکز

۱. khamenei.ir، پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی ۱۳۶۸/۰۴/۲۳.

۲. khamenei.ir، پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۹/۰۷/۲۰.

۳. khamenei.ir، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۱۱/۱۹.

۴. خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱.

اعتکاف[شد]... من خبر دارم که در رشت هم مساجد و مجامعی وجود دارد که قبله امید جوانان است؛ به آن جا می روند و استفاده معنوی می برند.^۱

امروز جوان های فراوانی در این کشور هستند که بدون اینکه من و شما بدانیم و از آن ها خواسته باشیم، بدون اینکه یک ریال کمک مالی به آن ها بکنیم و یا یک آفرین به آنها بگوییم، در گوشه و کنار، در مساجد، در پایگاه های مقاومت، در مجموعه دانشگاه های کشور، در دانشگاه های تهران، در بخش های مختلف کارگری و غیره تلاش دینی می کنند و از همان معنویتی که وجود دارد، الهام می گیرند.^۲

در همه مراحل تاریخ پُر افتخار انقلاب، مساجد پایگاه دین داری و حرکت مردم در جهت دین بوده است؛ مسئله مهمی که به نظرم می رسد عرض بکنم، مسئله پایگاه های اسلامی یعنی مساجد و مجالس تبلیغ است. در همه مراحل این تاریخ پُر افتخار [انقلاب اسلامی]، مساجد همیشه پایگاه دین داری و حرکت مردم در جهت دین بوده است.^۳

۸. نقش انقلاب در ارتقا جایگاه مسجد

۸-۱. آبادانی مساجد، هدف انقلاب

ما برای خدا انقلاب کردیم؛ انقلاب کردیم تا مسجد درست کنیم؛ ما انقلاب کردیم مسجد درست کنیم. ما برای خدا انقلاب کردیم. شما، ملت ما انقلاب کرده است و از زبان ملت است که «جمهوری اسلامی». جمهوری اسلامی باید همه چیزش اسلامی باشد.^۴

هر چه قدرت اسلام و احکام الهی بیشتر باشد، مساجد آن آبادتر است؛ هر چه قدرت اسلام پیش مردم زیادتر باشد، مسجدها بهتر می شود و منبرها بهتر. یعنی اجتماع مسجد

۱. khamenei.ir، بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت ۱۳۸۰/۰۲/۱۲.

۲. khamenei.ir، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۷۹/۱۱/۲۷.

۳. khamenei.ir، سخنرانی در دیدار با جمعی از روحانیون، نقاط مختلف کشور در آستانه ماه مبارک رمضان ۱۳۷۰/۱۲/۱۴.

۴. خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۴.

برای خداست و هر چه قدرت الهی، ... قدرت احکام الهی در یک منطقه‌ای بیشتر باشد، مساجد آبادتر است.^۱

از اوّل انقلاب تا امروز، مساجد بهتر و مسجدسازی بیشتر شده است؛ از اوّل انقلاب تا امروز، مردم در جهات دینی خیلی پیشرفت کرده‌اند. هر پدیده‌ای را نگاه کنید، می‌بینید که این طور است. مساجد بهتر شده است؛ ماه رمضان‌ها و مجالس روضه‌خوانی بهتر شده است؛ شوق مردم به عتبات مقدّسه و صدقات جاریه بیشتر شده است؛ وجوهات برّیه و کمک به کارهای نیک، مسجدسازی، مدرسه سازی و ظواهر دینی بهتر شده است.^۲

۲-۸. رشد کمی و کیفی حضور مردم در مساجد

به برکت انقلاب در این سال‌های اخیر، حضور در مساجد زیاد شده و کیفیت پیدا کرده است؛ گرد آمدن بیش از پیش مردم و به ویژه جوانان در بسیاری از مساجد، ... نشانه‌ها و شاخص‌هایی هست که هرگاه و هر جا دیده می‌شوند می‌توان گفت: حق نماز، گزارده شده است. بحمدالله به برکت انقلاب در این سال‌های اخیر، این معنا زیاد شده و کیفیت پیدا کرده است. همه شنیدید که امسال در ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب، در بسیاری از مساجد سراسر کشور، جوانان ما، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مأنوس شدند. بعد از آن هم با گریه و اشک و آه، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند، تا برای سال آینده آماده شوند.^۳

مساجد با حضور نسل جوان پاک نهاد و روحانیون، کانون آمیختگی دنیا و آخرتند؛ دل‌های ما برای مسجد می‌تپد و از شوق و احساس مسئولیت، لبریز می‌گردد. امروز در میان مساجد ما کم نیستند آنهایی که می‌توانند نمایی از این تصویر زیبا و شوق انگیز [یعنی

۱. همان، ج ۹، ص ۴۷۸.

۲. khamenei.ir، بیانات در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵/۱۰/۱۹.

۳. khamenei.ir، بیانات در دیدار علما، طلاب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵/۱۰/۱۹.

مظهر آمیختگی دنیا و آخرت] را به نمایش درآوردند. حضور نسل جوان پاک نهاد ما و حضور روحانیون و معلمان آگاه و دلسوز، مسجدهایی را به درستی، کانون ذکر و عبادت و اندیشه و معرفت ساخته و یادهای عزیز و گرانبها را در دل های ما برانگیخته است.^۱

جوانان ما در شب های قدر از همه انواع سلاقی گوناگون مردم به مساجد می روند؛ در مساجد تهران و شهرستان ها و در همه عبادتگاه های کشور، جوانان ما در شب های قدر از همه انواع سلاقی گوناگون مردم، با هر هیئت و قیافه و ریختی، با هر احساس و گرایشی، این شب ها دل خودشان را برداشتند و به مساجد آمدند و با خدای خود راز و نیاز کردند. این صفای جوانی، این نورانیت دل های جوان، این میل به قرب الهی و توجه و تکلم با خدای متعال در میان جوانان ما، یک نعمت بسیار بزرگ است و بحمدالله این نعمت هست و روز به روز هم بیشتر شده است.^۲

۹. مسجد و دشمن شناسی در انقلاب

۹-۱. ترس و کینه دشمنان از مساجد

دشمنان اسلام در نقاط مختلف جهان، به مساجد با بغض و کینه ای عمیق می نگرند؛ در نقاط مختلف جهان، دشمنان اسلام به مساجد... با بغض و کینه ای عمیق می نگرند و تا آن جا که بتوانند، با وجود و حضور و فعالیت آنها ستیزه می کنند. هم اکنون مسجدالاقصی، قبله دوم مسلمین - که بحمدالله پایگاه بیداری و مبارزه نیز شده است مورد جسارت صهیونیست های پلید قرار گرفته، و در فرانسه و هند نیز مسجد در معرض اهانت و تخریب واقع شده است.^۳

مخالفان و ایادی دشمنان از مسجد می ترسند؛ اینها از مساجد می ترسند. اینها بیخ گوش

۱. khamenei.ir، پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۹/۰۷/۲۰.

۲. khamenei.ir، خطبه های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۵/۰۸/۰۲.

۳. khamenei.ir، گرامیداشت هفته بسیج ۱۳۶۸/۰۹/۰۲.

شما می‌گویید که این آخوند، که از او کاری نمی‌آید، مسجد می‌روید چه کنید؟ خودمان می‌رویم فلان جا نماز می‌خوانیم. نماز نمی‌خواهند بخوانند، می‌خواهند نماز را بشکنند. نماز می‌خوانند؛ با این نمازهایی که در مسجدها می‌روند و نمی‌گذارند که مسلمان‌ها نماز درست خودشان را بخوانند؟ با این نمازها می‌خواهند نماز را بشکنند.^۱

دشمن از مساجد پراز معتکفان می‌لرزد، زیرا یکی از ابعاد عظمت انقلاب اسلامی است؛ قشرهای مختلف مردم، چگونه مظاهر مذهب را، دین را و تعبد را بزرگ می‌شمارند! اینها را دشمن هم دید. دشمن هم اعتکاف دانشجویان در مسجد دانشگاه را دید؛ مساجد پراز معتکفان را که اکثر آنها جوانان بودند، دید. دشمن از اینها می‌لرزد. همه اینها ابعاد مختلف عظمت این انقلاب، عظمت آن پیام و عظمت آن امام است.^۲

۹-۲. تلاش برای نابودی مساجد جهان اسلام

صهیونیست‌ها می‌خواهند قضیه فلسطین و قدس شریف و مسئله مسجدالاقصی به دست فراموشی سپرده شود؛ نگذارید قضیه فلسطین و قدس شریف و مسئله مسجدالاقصی به دست فراموشی سپرده بشود؛ آنها این را می‌خواهند. آنها می‌خواهند دنیای اسلام از قضیه فلسطین غفلت کند... در غفلت دنیای اسلام، در غفلت آحاد مردم و ملت‌های مسلمان، رژیم صهیونیستی به دنبال تصرف قدس شریف است، به دنبال تصرف مسجدالاقصی است. تکفیری‌ها به عنوان عامل دشمنان اسلام، مساجد اهل سنت را هم به نفع رژیم صهیونیستی منفجر می‌کنند؛ امروز شما می‌بینید «تکفیر»، یک عاملی برای دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی است؛ نه فقط شیعه، [بلکه] اهل سنت را هم تکفیر می‌کنند؛ اهل سنت را هم، مسجدشان را، نمازشان را منفجر می‌کنند به نفع رژیم صهیونیستی، برای اینکه مردم را و مسلمان‌ها را به هم مشغول کنند تا غافل بشوند از مسئله مهم فلسطین و از حضور دشمن در دل دنیای اسلام غفلت کنند؛ هدف، اینها است. جریان تکفیر توانست

۱. خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۵۰۲.

۲. khamenei.ir، بیانات در دیدار کارگران و معلمان در آستانه روز کارگر و روز معلم ۱۳۷۷/۰۲/۰۹.

حرکت بیداری اسلامی را منحرف کند... خطّ مقدّم مبارزات در این منطقه مرزهای فلسطین اشغالی بود. جریان تکفیر آمد این خطّ مقدّم را تبدیل کرد به خیابان های بغداد و مسجد جامع سوریه و دمشق و خیابان های پاکستان و شهرهای مختلف سوریه، و اینها شد خطّ مقدّم مبارزه!... جریان تکفیر جهت این مبارزه را تغییر داد و آورد داخل خانه، داخل شهرهای ما، داخل ممالک اسلامی. در داخل مسجد جامع دمشق انفجار به وجود می آورند... در مسجد دمشق یک عالم بزرگ مسلمان را به قتل می رساند.^۱

دست هایی در کار است که شیعیان را به تعرض به مساجد اهل سنت وادار کند؛ از هرگونه عملی که به تعارض و دشمنی برادران مسلمان می انجامد جداً پرهیز کنند. یقیناً دست هایی در کار است که شیعیان را به تعرض به مساجد و مکان های مورد احترام اهل سنت وادار کند. هرگونه اقدامی در این جهت کمک به مقاصد دشمنان اسلام و دشمنان ملت های مسلمان و شرعاً حرام است.^۲

۱. khamenei.ir، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در «کنگره ی جهانی جریانهای افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» ۱۳۹۳/۰۹/۰۴.

۲. khamenei.ir، پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت هتک حرمت حرم مطهر حضرات عسکریین (ع) ۱۳۸۴/۱۲/۰۳.

نتیجه‌گیری

با توجه به تحقیق انجام شده به این نتیجه می‌رسیم که مسجد از مهم‌ترین نهادهای جامعه اسلامی با کارکردی جامع و چند منظوره به شمار می‌آید و همواره در طول تاریخ اسلام نقش بنیادین و محوری در شکل‌گیری تمدن اسلامی و پیشرفت جامعه ایفا نموده است. در صدر اسلام اولین اقدام پیامبر ﷺ برای پایه‌گذاری بنای حکومت اسلامی در مدینه، احداث مسجد بود. ساختن مسجد به دلیل نقش تعیین‌کننده مسجد در حاکمیت ارزش‌های دینی، روایات اسلامی، تأکید فراوانی در گسترش فرهنگ ساختن مسجد در جامعه اسلامی دارند و توصیه می‌کنند که مسلمانان، به هر اندازه که می‌توانند، با ساختن مسجد در هر جایی که مورد نیاز باشد، در شهر و روستا و جاده‌های ارتباطی، به گسترش این فرهنگ، کمک کنند.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، مساجد نیز همانند دوران صدر اسلام جایگاه واقعی خود را بازشناختند، به‌طوری که نیروهای فعال در مساجد به‌طور مستقیم در متن انقلاب شرکت جستند، به‌گونه‌ای که از آن پس مساجد نقش پایگاه ارتباطی مردم را به عهده داشتند؛ و در شرایط حساسی که نهضت اسلامی فاقد هرگونه تشکیلات منطبق با معیارهای اسلامی بود مساجد توانستند این نارسایی مهم را جبران کرده و به انسجام نیروهای مردمی پردازند. علاوه بر این بسیاری از برنامه‌های انقلاب مانند رفاندوم، شوراهای محلی، کانون‌های بسیج و دیگر ضرورت‌های زمان در مساجد انجام می‌گرفت.

فردی که می‌خواهد هدایت و مدیریت مسجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه توحید را به عنوان امام جماعت به عهده گیرد، باید از جهت‌های مختلف، دارای شرایط و ویژگی‌هایی خاصی باشد و به‌طور دائم در به دست آوردن و ارتقای این ویژگی‌ها در خود تلاش نماید.

و همچنین باید دانست که مسجد، محل تجلی مجموعه‌ای از هنرهایی است که مصداق مسلم هنر شهودی است. در مساجد نه تنها دین با هنر ملاقات می‌کند بلکه مهم‌ترین نمود هنر اسلامی، معماری مساجد و ویژگی‌های بارز آن است. معماری مسجد به‌گونه‌ای مسیر

تحولات و تغییرات ایجاد شده در شیوه زندگی جوامع مسلمان را نشان می دهد و نمایانگر عمق برداشت های فرهیختگان و سازندگان هر زمان از جوهره ذهنیت و ایمان جامعه مسلمان معاصر آن است. بنای مسجد زمانی معنا می یابد که انسان مسلمان در آن پانهاد و قدم به قدم فضاهای آن را طی می کند تا به فضای غایی آن برسد و در زیر سقفی مدور که نمادی از آسمان است رو در روی محراب بایستد. و اینها همه مقدمه اند، تا وی در این فضای مهیا شده برای عبادتش، آغازگر راز و نیازی شود که خود آداب و مراحل منظم دارد. تمام نظم تجریدی هنر متعالی اسلامی، بازتابی است از محتوای عارفانه ای که بر پایه ایدئولوژی اسلام بنا شده است. به یقین نمی توان، مسائل عقلانی و انتزاعی را از ابعاد احساسی و عاطفی آن جدا دانست. تا این احساس برانگیخته نشود و وجدان و فطرت انسانی احیا نگردد ایمان، ریشه ندوانیده است. بنابراین می توان مسجد را از آن حیث، جایگاه تجلی هنر و معماری اسلامی قلمداد کرد که هنرهای گوناگون، بر روی هم فضا و مکان خاصی را پدید می آورند، فضا و مکانی که برای ایجاد رابطه میان خدا و خلق او مناسب باشد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، ابوالفتح، غررالحکم، چاپ سوم، نشر دارالحدیث، قم ۱۳۸۳ ه. ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم،
۴. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، نشر دارالقلم، دمشق، ۱۴۱۶ ق.
۵. امیری تهرانی زاده، سید محمدرضا، بیش درآمدی بر مفهوم اقتصاد اسلامی، کیهان فرهنگی سال ۱۳۷۲ ه. ش.
۶. القزوینی الرازی، ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، الناشر: دار الفکر، بیروت، ۱۳۹۹ ه. ق
۷. اسلامی فر، جعفر، آداب سخن و سخنوری، چاپ دوم، مشخصات نشر: نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۸ ه. ش.
۸. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، چاپ اول، مشخصات نشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ ه. ق
۹. بیستونی، محمد، لغت شناسی مفاهیم قرآن، چاپ اول، انتشارات بیان، قم، ۱۳۸۳ ه. ش.
۱۰. بیرانوند، محمد، منشور اجرایی فعالیت های فرهنگی در مسجد با رویکرد کادرسازی، انتشارات اقیانوس معرفت، تهران، ۱۳۹۱ ه. ش
۱۱. برومند، عباس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی، چاپ دوم، مشخصات نشر: ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحی، فتوح البلدان، چاپ دوم، مشخصات نشر: نشر نقره، تهران، ۱۳۶۷ ه. ش.
۱۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ اول، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۴۲ ه. ش.
۱۴. جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، چاپ دوم، مشخصات نشر: نشر مشعر، تهران، ۱۳۷۹ ه. ش.

۱۵. حبیبی، رضا (پژوهشگر اندیشه اسلامی معاصر)، مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه جوادی آملی، حکمت اسراء پاییز ۱۳۹۴ هـ ش
۱۶. جعفرزاده. محمد حسن، مسجد تراز اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری، مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، قم، ۱۳۹۴ هـ ش
۱۷. حرّانی، ابن شعبه، حسن ابن علی، تحف العقول، ترجمه جنتی، چاپ اول، موسسه امیر کبیر، تهران ۱۳۸۲ هـ ش.
۱۸. حسینی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه، چاپ سوم، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، سال چاپ: ۱۳۹۱ هـ ش.
۱۹. خمینی، روح الله، صحیفه امام، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۶۸ هـ ش.
۲۰. خطیب بغدادی، أحمد بن علی، تاریخ بغداد، دار الکتب العلمیه بیروت - لبنان، بی تا.
۲۱. خوری، سعید، اقرب الموارد، چاپ اول، ناشر: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه، قم، سال چاپ: ۱۳۷۷ هـ ش.
۲۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، انتشارات چاپ افشن گلشن، تهران، سال ۱۳۴۱ هـ ش.
۲۳. رهبر، محمد تقی، ره توشه مبلّغ، چاپ اول، ناشر: انتشارات مشعر، تهران، سال ۱۳۸۴ هـ ش
۲۴. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ سوم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، قم، ۱۳۸۶ هـ ش.
۲۵. ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی، ترجمه: حمید رضا شیخی، چاپ اول، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۹۰ هـ ش
۲۶. رضی، نهج البلاغه، چاپ دوم، ناشر: انتشارات صدرا، مکان: قم، چاپ ۱۳۷۳ هـ ش.
۲۷. سیّاح، احمد، فرهنگ جامع نوین، چاپ اول، انتشارات اسلامی تهران، ۱۳۸۳، هـ ش.
۲۸. شهیدی پاک، محمدرضا، تاریخ تشکیلات در اسلام، مشخصات نشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۲ هـ ش.

۲۹. شیرازی، مکارم، تفسیر نمونه، چاپ اول، دار الکتب الاسلامیه، تهران، سال چاپ: ۱۳۷۴ هـ ش.
۳۰. صدوق، محمد بن علی، من لایحضر الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، چاپ اول، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۷ هـ ش.
۳۱. عاملی، شیخ حرّ، وسائل الشیعه، ترجمه علی افراسیابی نهاوندی، چاپ اول، انتشارات نهاوندی، قم، ۱۳۸۰ هـ ش.
۳۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ اول، ناشر: نشرامیرکبیر، قم، سال چاپ: ۱۳۸۱ هـ ش.
۳۳. عباسی حسینی، ابراهیم، مقاله «مروری بر جامعه شناسی مسجد» مجله مشکوه، ش ۱۶، پاییز ۱۳۶۶ هـ ش.
۳۴. عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ج ۶، ص ۲۲.
۳۵. قنادان، منصور، جامعه شناسی مفاهیم کلیدی، چاپ دوازدهم، ناشر: آوای نور، تهران، سال چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش.
۳۶. قرائتی، محسن، کتاب مهارت معلمی، چاپ اول، مشخصات نشر: موسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۹۶ هـ ش.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم محمد باقر کمره‌ای، چاپ اول، انتشارات مکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ هـ ش.
۳۸. طوسی، محسن، تفسیر نمادهای دینی، چاپ اول، مشخصات نشر: دفتر عقل، قم، ۱۳۸۶ هـ ش.
۳۹. مرکز رسیدگی به امور مساجد، کتاب، مسجد و خانواده، انتشارات دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، قم، سال ۱۳۹۳ هـ ش.
۴۰. موحدی نژاد، محمد، آموزه‌هایی از قرآن و حدیث درباره تبلیغ، مشخصات نشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ هـ ش.
۴۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، چاپ بیستم، ناشر: انتشارات صدرا، قم، سال چاپ: ۱۳۹۵ هـ ش.

۴۲. مطهری، مرتضی، کتاب اندیشه های تربیتی، چاپ ششم، ناشر: انتشارات صدرا، قم، سال چاپ: ۱۳۹۱ ه. ش.
۴۳. مطهری، مرتضی، ده گفتار، چاپ نوزدهم، ناشر: انتشارات صدرا، قم، سال چاپ: ۱۳۹۶ ه. ش.
۴۴. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ اول، ناشر: نشر زرین، تهران، سال چاپ: ۱۳۸۶ ه. ش.
۴۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ اول، موسسه دارالکتاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۴ ه. ش.
۴۶. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، سال چاپ: ۱۳۶۸ ه. ش.
۴۷. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، چاپ اول، ناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، ۱۴۱۹ ه. ق.
۴۸. ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، چاپ اول، ناشر: مکتبة الفقیه، مکان: قم، ۱۴۱۰ ه. ق.
۴۹. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، چاپ اول، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، سال ۱۴۱۱ ه. ق.
۵۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ویراستار: محمود قوچانی، چاپ ششم، ناشر: دارالکتب اسلامی، قم، سال چاپ: ۱۳۹۲ ه. ش.
۵۱. khamenei.ir / سایت اطلاع رسانی مقام معظم رهبری.



نقد معجزات در فلسفه هیوم: هم پوشانی عقل و دین

محسن رابعی^۱

چکیده

معجزات همواره موضوعی چالش برانگیز در فلسفه دین بوده اند. دیوید هیوم به عنوان یکی از متفکران برجسته، نقدهای مهمی بر این پدیده ها ارائه داده است. او با استناد به اصول تجربی و عقلانی، معجزات را به عنوان ادعاهای غیرقابل پذیرش معرفی کرده است. این مقاله به روش توصیفی و کتابخانه ای به بررسی این نکته می پردازد که آیا می توان معجزات را به طور کامل از منظر عقلانی نادیده گرفت و از طریق نقد استدلال های هیوم و بررسی هم پوشانی عقل و دین، تلاش می شود نشان داده شود که معجزات می توانند به عنوان پدیده هایی عقلانی و معنادار در تجربه انسانی در نظر گرفته شوند. این بررسی به درک عمیق تر از معجزات و همچنین رابطه پویا بین عقل و دین کمک می کند.

کلید واژه: معجزه، فلسفه، هیوم، عقل، دین، کلام.

۱. طلبه پایه هفتم حوزه علمیه حجت بن الحسن (علیه السلام)

مقدمه

موضوع: هدف از خلقت انسان بیهوده نبوده است. خداوند متعال انسان را برای رسیدن به کمال نهایی و سعادت ابدی آفرید و برای تحقق این هدف ارزشمند او را از راه درونی (فطرت) و بیرونی (پیامبران) هدایت می‌کند و برای از بین بردن شک و تردید وی درباره انبیاء به دست ایشان کارهایی خارق عادت و معجزه انجام می‌دهد.

معجزه امری است خارق العاده که از جانب خداوند و به دست پیامبر صورت می‌پذیرد، درحالی‌که با ادعای پیامبری و تحدی همراه است و با مدعای پیامبر مطابقت دارد و قابل تعلیم و تعلم نیست و دیگران، از انجام آن ناتوان‌اند.

بیان مسئله: معجزات همواره یکی از مباحث بحث‌برانگیز در فلسفه دین و الهیات بوده‌اند. در حالی که بسیاری از باورمندان به دین، معجزات را نشانه‌ای از قدرت و حکمت الهی می‌دانند، برخی از فیلسوفان، به ویژه دیوید هیوم، به نقد این ادعاها پرداخته و آن‌ها را غیرقابل پذیرش می‌شمارند.

دیوید هیوم^۱، به عنوان یکی از برجسته‌ترین متفکران عصر روشنگری، به دلیل دیدگاه‌های تجربی و انتقادی خود درباره معجزات شناخته شده است. او معجزات را به عنوان ادعاهایی غیرقابل پذیرش معرفی می‌کند و استدلال می‌کند معجزه نقضی بر قانون طبیعت است.

روش پژوهش: روش تحقیق در این مقاله به صورت مطالعات کتابخانه‌ای طراحی شده است. این رویکرد به ما این امکان را می‌دهد که به منابع معتبر و موجود در زمینه فلسفه دین، به ویژه نقدهای دیوید هیوم بر معجزات و بررسی هم‌پوشانی عقل و دین دسترسی پیدا کنیم.

۱. دیوید هیوم (David Hume) فیلسوف اسکاتلندی و نماینده مکتب تجربه‌گرایی، در قرن هجدهم (۱۷۱۱-۱۷۷۶) زندگی می‌کرد. او با رد هرگونه معرفت غیرتجربی، تنها به دریافت‌هایی اعتبار می‌بخشید که بتوان آن‌ها را از طریق ادراک حسی یا استدلال علی به اثبات رساند. به همین دلیل، هیوم با بسیاری از معارف دینی که غیرتجربی بودند، مخالفت کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره زندگی، آثار و افکار او، می‌توانید به کتاب تاریخ فلسفه جلد پنجم کاپلستون، ۱۳۷۵، ص ۲۷۶-۴۰۷ و نیز دین و فلسفه «تاریخ تمدن، عصر ولتر و ویل دورانت ۱۳۸۴، ۱۵۹-۱۸۱ مراجعه کنید.

پیشینه پژوهش: در چند دهه گذشته، موضوع معجزات و نقدهای فلسفی مرتبط با آن، به ویژه نظریات دیوید هیوم، توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران حوزه فلسفه دین و الهیات را به خود جلب کرده است. پیشینه پژوهش در این زمینه شامل بررسی‌های متعددی است که به تحلیل معجزات از جنبه‌های مختلف می‌پردازند.

در این راستا، پژوهش قاسم خانجانی تحت عنوان ”ردّ نظریه هیوم در باره معجزات از نگاه فلسفه و تاریخ“ در نشریه جاویدان خرد سال ۱۴۰۱ شماره ۴۲ به نقد این نظریه می‌پردازد. خانجانی با استفاده از روش توصیفی - کتابخانه‌ای، دلایلی را ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد نظریه هیوم قابل پذیرش نیست. او به شواهدی از جمله خاطرات و محفوظات گذشته، گواهی شاهدان عینی، گزارش‌ها و نقل قول‌های تاریخی، آثار فیزیکی به جا مانده و برخی قوانین علمی اشاره می‌کند. همچنین، خانجانی بر اهمیت تواتر اخبار معجزات و استناد به این اخبار تأکید می‌کند و بر این باور است که این دلایل می‌توانند به رد نظریه هیوم کمک کنند.

همچنین در مقاله دیگری با عنوان ”توانایی انسان کامل بر اعجاز و پاسخ به نقدهای فخر رازی و هیوم درباره اعتبار آن“ نوشته سید حسین موسوی راد و سید جابر موسوی راد چاپ شده در مجله انسان پژوهی دینی شماره ۴۳ سال ۱۳۹۹ در بخشی از آن به نقد هیوم پرداخته است.

در مقاله دیگری از حسین نصر الهی با عنوان ”بازخوانی تعریف هیوم از معجزه ضمن خوانشی جدید از قوانین طبیعت“ به بررسی تعریف هیوم از معجزه پرداخته و تلاش کرده است تا این مفهوم را در قالبی جدید و با توجه به قوانین طبیعی تحلیل کند. با وجود این تحقیقات ارزشمند، هنوز نیاز به پژوهش‌های بیشتری است.

هدف این مقاله، بررسی و اثبات اعجاز از طریق تجرید عقلی به جای تجربه حسی است. در این راستا، ما قصد داریم با استناد به قرآن و سنت، هماهنگی اعجاز با قانون علت و معلول را به اثبات برسانیم. این موضوع نه تنها به تبیین مفهومی اعجاز کمک می‌کند، بلکه به درک عمیق‌تری از رابطه بین امور فوق طبیعی و قوانین طبیعی می‌انجامد.

اهداف پژوهش: این پژوهش اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱. تبیین عقلانی اعجاز: با استفاده از تجرید عقلی، تلاش می‌شود تا نشان دهیم که اعجاز می‌تواند در چارچوبی عقلانی و منطقی تبیین شود و به این ترتیب، اعجاز به عنوان یک واقعیت نه تنها از جنبه‌های مذهبی بلکه از منظر فلسفی نیز قابل فهم خواهد بود.
۲. استناد به منابع دینی: با استفاده از قرآن و سنت، مقاله ما به تأسیس یک مبنای مستحکم دینی برای اعجاز می‌پردازد.
۳. تقویت هم پوشانی بین علم و دین: با اثبات هماهنگی اعجاز با قانون علت و معلول، این مقاله به دنبال ایجاد یک پل بین علم و دین است و نشان می‌دهد که می‌توان به نحو مؤثری از هر دو حوزه بهره‌برداری کرد.

۱. نقد معجزات در فلسفه هیوم

۱-۱. تبیین استدلال‌های هیوم

دیوید هیوم در کتاب “تحقیق درباره فهم انسانی” استدلالی را درباره گزارش‌های معجزه مطرح می‌کند که به صورت زیر قابل بیان است:

هیوم معجزه را به عنوان نقض قوانین طبیعی تعریف می‌کند و بر اساس این تعریف، این پرسش را مطرح می‌کند: آیا می‌توان به اخبار معجزه اعتماد کرد و پذیرفت که یک قانون طبیعی نقض شده است؟ او این سوال را از طریق بررسی تعارض میان شواهد پاسخ می‌دهد.

هیوم توضیح می‌دهد که اعتقاد ما به قوانین طبیعی ناشی از مشاهدات مکرر و یکنواختی است که بین دو پدیده وجود دارد، به طوری که یکی علت و دیگری معلول محسوب می‌شود. تجربیات گذشته ما درباره این روابط آن قدر ثابت و یکنواخت بوده‌اند که به ما اطمینان می‌دهند که در آینده نیز اگر یکی از این دو پدیده رخ دهد، دیگری نیز باید به دنبال آن بیاید.

به عنوان مثال، تجربه ما نشان می‌دهد که هرگاه فردی بمیرد، بازگشت به حیات امکان‌پذیر نیست. این رابطه بین مرگ و عدم بازگشت به زندگی به قدری ثابت است که ما آن را به عنوان یک قانون طبیعی می‌پذیریم. اما گزارش‌های معجزه ادعا می‌کنند که در یک مورد خاص، این قانون نقض شده و فردی پس از مرگ به زندگی بازگشته است.

اکنون هیوم از ما می‌خواهد که تصمیم بگیریم کدام یک از این دو را باید بپذیریم: آیا باید به تجربیات گذشته‌مان که وقوع معجزات را رد می‌کند اعتماد کنیم یا به اخبار معجزه که ادعا می‌کنند قانون طبیعی نقض شده است؟ برای انتخاب میان این دو، باید بررسی کنیم که کدام یک از این دو پشتوانه قوی‌تری دارد.

پشتوانه قوانین طبیعی بر اساس تجربیات یکنواخت و بدون استثنا شکل گرفته است. اما پشتوانه اخبار معجزه چیست؟ به طور کلی، ما اخبار را به این دلیل می‌پذیریم که در گذشته مشاهده کرده‌ایم که اگر خبرها از افرادی قابل اعتماد و بدون انگیزه دروغگویی باشد، معمولاً صحیح و مطابق با واقعیت هستند. با این حال، ما همچنین در تجربیات خود مواردی را دیده‌ایم که اخبار نادرست بوده‌اند. بنابراین، اعتماد ما به درستی یک خبر هرگز به اندازه اعتمادی که به درستی قوانین طبیعی داریم، قوی نیست.

در نتیجه، هیوم نتیجه می‌گیرد که روش منطقی و خردمندانه در انتخاب بین قوانین طبیعی و اخبار معجزه، ترجیح دادن دلیل قوی‌تر بر دلیل ضعیف‌تر است. در این مورد، شواهد و دلایل حمایت‌کننده از قوانین طبیعی قوی‌تر از شواهد اخبار معجزه هستند. بنابراین، عقل و خرد اقتضا می‌کند که وقوع معجزه را انکار کنیم و قوانین طبیعی را بر صحت اخبار معجزه ترجیح دهیم.

یکی از شارحان آثار هیوم استدلال او را به شکل زیر تغییر داده است:

۱. دلیل ضعیف‌تر هیچ‌گاه نمی‌تواند دلیل قوی‌تر را رد کند.
۲. انسان خردمند باورهای خود را بر اساس دلایل متناسب با آن‌ها تنظیم می‌کند.

۳. برخی از حوادث به طور مداوم و یکنواخت رخ می دهند و به تجربیات ما تبدیل می شوند، مانند واقعیت مرگ تمامی انسان ها. این تجربیات یکنواخت به ما این امکان را می دهند که برخی امور را به عنوان واقعیت های مسلم بپذیریم که به آنها "قوانین طبیعت" می گوئیم و تجربیات ثابت، این قوانین را تأیید می کنند.

۴. برخی دیگر از حوادث به صورت یکنواخت و دائمی رخ نمی دهند و وقوع این امور به صورت احتمالاتی است که از احتمال قوی تا ضعیف متغیر است.

۵. درستی اخبار و شهادت های انسانی بر اساس تجربیات ما معمولاً به صورت احتمالی است و این احتمال به ندرت به حدی می رسد که به دلیلی قطعی برای وقوع آنچه گزارش شده تبدیل شود.

۶. اما در برخی موارد، احتمال درستی شهادت های انسانی ضعیف است؛ مثلاً زمانی که شهادت ها با یکدیگر در تضاد هستند، تعداد آنها کم است، یا از افرادی مشکوک نقل می شوند، یا ناقلان نسبت به موضوع شهادت تعصب دارند، یا وقتی که راویان با تردید و اضطراب نقل می کنند، یا با اصرار و شدت بیش از حد مطلب خود را بیان می کنند.

با توجه به مقدمات سوم و چهارم، می توان نتیجه گرفت که وقتی خبر معجزه با تجربه های یکنواخت در تضاد قرار می گیرد، در واقع یک احتمال ضعیف (که همان احتمال درستی خبر است) با یک یقین (که در اینجا به معنای اطمینان قوی ناشی از احتمال بسیار ضعیف صدق نقیض یک گزاره است) در تعارض است. بر اساس مقدمات اول و دوم، یک فرد منطقی و خردمند باید یقین را برگزیند.

در مورد هر معجزه ای این نکته صادق است که در برابر آن یک قانون طبیعت وجود دارد، وگرنه آن واقعه شایسته عنوان معجزه نمی بود. تجربه های یکنواختی که قانون طبیعت را تأیید می کنند، به قوت یک دلیل کامل می رسند. بنابراین، ماهیت هر واقعه معجزه آسا ایجاب می کند که در برابر آن یک دلیل قوی و قاطع وجود داشته باشد که این دلیل باید غلبه ناپذیر

باشد، مگر اینکه با دلیلی قوی‌تر رد شود. اما هیچ‌یک از اخبار معجزه به آن حد از قوت نمی‌رسند که بتوانند بر دلایل قوانین طبیعی غلبه کنند.^۱

در نهایت، استدلال دیوید هیوم درباره معجزات به ما نشان می‌دهد که چگونه باید بین گزارش‌های معجزه و قوانین طبیعی انتخاب کنیم. هیوم با تأکید بر تجربیات یکنواخت و ثابت ما از قوانین طبیعی، نشان می‌دهد که این تجربیات به ما اطمینان می‌دهند که وقوع معجزات به عنوان نقض این قوانین، به طرز معناداری بعید است. در حالی که اخبار معجزه ممکن است از منابع مختلفی ناشی شوند، این اخبار به دلیل عدم یکنواختی و احتمال ضعیف درستی آنها، نمی‌توانند بر شواهد قوی و ثابت قوانین طبیعی غلبه کنند.

نتیجه‌گیری اصلی هیوم این است که عقل و خرد اقتضا می‌کند که ما به قوانین طبیعی به عنوان مبنای قوی‌تری برای فهم واقعیت‌ها اعتماد کنیم و اخبار معجزه را با احتیاط و تردید بررسی کنیم. این رویکرد نه تنها به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از جهان اطراف خود داشته باشیم، بلکه ما را از پذیرش بی‌ملاحظه ادعاهای غیرمستند و نادرست محافظت می‌کند. در نهایت، این استدلال هیوم به ما یادآوری می‌کند که در مواجهه با ادعاهای خارق‌العاده، باید همیشه به شواهد و تجربیات معتبر و قابل اعتماد تکیه کنیم.

۲. بررسی و نقد دیدگاه هیوم

۲-۱. هم‌پوشانی عقل و دین

هیوم معجزات را به عنوان نقض قوانین طبیعت تلقی کرده و معتقدین به معجزه را افرادی می‌داند که اعتقاداتشان با اصول طبیعی سازگار نیست. او پیشنهاد می‌کند که باید بار دیگر میان اعتقاد به معجزه، که به نظر او ناقض اصل علیت و عقل است، و انکار معجزه، که با

۱. ر.ک: گسکین، ج. س. آ. (۱۳۶۷). فلسفه دین هیوم. لندن: انتشارات مک‌میلن

Gaskin, J. C. A. (۱۹۸۸). Hume's philosophy of religion. London: Macmillan Press.

اصل علیت و عقل همخوانی دارد، انتخاب کرد. به عبارت دیگر، او بر این باور است که دلیل انکار معجزه قوی تر است.

هیوم در این راستا میان دین و عقل تفکیک قائل شده و پذیرش عقل را از پذیرش دین (و به ویژه ایمان به معجزات) شایسته تر می داند. از نظر او، اعتقاد به معجزات به نوعی به چالش کشیدن عقل و منطق است و بنابراین اولویت باید به عقل داده شود. این دیدگاه او به معنای تردید در اعتبار تجربیات مذهبی و معجزات است و از این رو، او به دنبال تبیین جدی تری از رابطه میان دین و عقل است.

در نقد دیدگاه هیوم نخست باید دانست مسئله علیت و معلولیت از اصول بنیادی و ضروریات عقل است که همچنین در وحی الهی نیز تأیید شده است. قرآن کریم به وضوح بر اصل علیت صحنه گذاشته و تمامی موجودات جهان را به عنوان مخلوقات نیازمند به علت و خالق، یعنی خداوند سبحان معرفی می کند. به عنوان مثال، در آیه **اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ** (خدا آفریننده هر چیز است / زمر ۶۲) به صراحت بر نقش خالقیت خداوند تأکید شده است.

همچنین، قرآن جهان را به عنوان یک سلسله از علل و معلول ها معرفی می کند که علت نهایی همه چیز، خدای سبحان است: **إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ** (من بر خدا که پروردگار من و شماست توکل کرده ام، که زمام اختیار هر جنبنده ای به دست اوست و البته پروردگار من (در کار بندگان) به راه راست است / هود ۵۶) این آیات نشان دهنده تغییرناپذیری سنت های الهی در آفرینش هستند: **فَلَنْ نَحْدِلَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ نَحْدِلَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا** (و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییرپذیر نخواهی یافت. / فاطر ۴۳)

قرآن همچنین اصل خلقت و نیکویی و زیبایی را به خدا نسبت می دهد: **الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ** (آن خدایی که هر چیز را به نیکوترین وجه خلقت کرد / سجده ۷) و در آیه دیگری می فرماید: **قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى** (گفت: پروردگار ما کسی است که به

هر موجودی، آفرینش [ویژه] او را [آن گونه که سزاوارش بود] به وی عطا کرده، سپس هدایت نمود. / طه ۵۰) در پاسخ به فرعون که از موسی می‌پرسد قَالَ فَنَنْبَأُكَ يَا مُوسَى (فرعون گفت: ای موسی! پروردگار شما دو نفر کیست؟ / طه ۴۳) موسی پاسخ می‌دهد که پروردگار ما آن کسی است که خلقت نیکو و کامل را به هر چیزی داده و سپس آن را به مقصود هدایت فرموده است.

این آیات نقشه‌راهی برای بینش قرآنی ترسیم می‌کنند که تنها با نظام علی و معلولی قابل تطبیق است. در مسائل جزئی نیز، قرآن به استناد همین قوانین کلی، بر مسئله مرگ و حیات افراد و نظم حاکم بر آن تأکید می‌کند: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید / آل عمران ۱۸۵) وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (و هر قومی را دوره‌ای و اجل معینی است که چون اجلشان فرا رسد لحظه‌ای پس و پیش نخواهند شد. / اعراف ۳۴) این آیات نشان می‌دهند که هر انسانی و هر امتی به سرنوشت خود دچار می‌شود و زمانی که نوبت انتقال هر یک فرا برسد، دیگر تخلف‌پذیر نیست و نه به تأخیر می‌افتد و نه زودتر از موعدش انجام می‌گیرد.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲۳ سوره بقره، به طور مفصل در رابطه با اعجاز قرآن بحث می‌کند. ایشان در این بخش تأکید می‌کنند که قرآن قانون علیت عامه را قبول دارد:

«قرآن نیز این حکم فطری را قبول کرده و بحث‌هایی که درباره موضوعات مختلف مانند مرگ و حیات، رزق و روزی حوادث آسمانی و زمینی نموده است بر همین اساس استوار می‌باشد یعنی برای آنها عللی ذکر نموده است چیزی که هست از نظر توحیدی همه حوادث را بالاخره منتهی بذات پاک خداوند عالم می‌داند بنا بر این قرآن قانون علیت عمومی را تصدیق کرده است به این معنی که هر زمان با جمیع شرائط لازمه موجود گردد و مانعی هم در میان نباشد معلول و مسبب آن باذن خدای عالم وجود پیدا می‌کند و همچنین هرگاه مسببی موجود شود از وجود سببش حکایت می‌کند.^۱

بنابراین نقد دیدگاه هیوم در مورد معجزات و اصل علیت و معلولیت نیازمند درک عمیق تری از این دو مفهوم بنیادی است. همان گونه که ذکر شد مسئله علیت و معلولیت از اصول بنیادی و ضروریات عقل به شمار می آید. این اصل، به عنوان یک قاعده کلی در فهم و تبیین پدیده های طبیعی و اجتماعی، در تمام سطوح تفکر انسانی نقش اساسی ایفا می کند.

علاوه بر این، این اصل نه تنها در فلسفه بلکه در وحی الهی نیز تأیید شده است. قرآن کریم به وضوح بر وجود علیت و مخلوقیت تأکید می کند و هر موجودی را به عنوان پدیده ای نیازمند به علت معرفی می نماید. این نکته نشان می دهد که جهان به طور طبیعی به گونه ای منظم و هدفمند خلق شده است و این نظم، خود تجلی حکمت و قدرت الهی است.

در ادامه، به بررسی نقدهای وارد بر دیدگاه هیوم خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که چگونه آموزه های دینی و اصول عقلانی می توانند در تضاد با ادعاهای او قرار گیرند.

۲-۲. معجزات و اصل علیت: تبیین عدم نقض

پیش از بررسی و نقد دیدگاه هیوم؛ ابتدا باید دانست در توجیه امکان رخ دادن حادثه هایی بر خلاف جریانات طبیعی سه نظریه وجود دارد.

۱. نظریه اول: این نظریه بیان می کند که هیچ یک از خواص و ویژگی هایی که در موجودات مشاهده می شوند، نمی توانند ذاتی آن موجودات باشند. زیرا تمام این خواص به حرکت و تحولی که در اشیاء وجود دارد، مربوط می شوند. اگر فرض کنیم که حرکت جزو ذات موجودات نیست، هرچند که همواره با موجودات همراه است، در این صورت این مسئله که چیزی بتواند ذاتی چیز دیگری باشد، به طور قطع منتفی خواهد شد. برای توضیح این نظر، باید گفت که جهانی که در تمام ابعاد خود در حرکت و تحول است و تمام اجزاء آن به طور کامل با یکدیگر پیوستگی دارند، نمی تواند موجودی را نشان دهد که به طور مستقل از عوامل و حرکات موجود باشد، به طوری که بتوان ویژگی هایی را به عنوان ذاتیات برای آن در نظر گرفت.

دوام نسبی برخی از خواص در بعضی از اجسام ما را به اشتباه می‌اندازد تا گمان کنیم که آن‌ها ذاتیات همان موجودات هستند. در واقع، ما با مجموعه‌ای از مواد و اشکال سروکار داریم که تحت شرایط معینی، خواصی را در درون خود برای مدتی حفظ می‌کنند، اما تغییرات و دگرگونی‌ها به سرعت بر این خواص تأثیر می‌گذارند و آن خاصیت درونی را که به نظر ذاتی می‌رسید، به چالش می‌کشند.

به عنوان مثال، الکترون‌ها و پروتون‌ها هنگامی که درون جسم قرار دارند و از تغییرات محفوظ‌اند، ما به آن‌ها به عنوان ذاتی ساختمان اتم نگاه می‌کنیم. اما وقتی آن‌ها را در دسته‌هایی از الکترون‌ها در خارج از جسم مشاهده می‌کنیم، می‌فهمیم که خود الکترون‌ها که نمودهای خاصی دارند، تحت تأثیر خواص معینی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، چیزی که تحت شرایط خاص، درونی و ذاتی به نظر می‌رسید، در شرایط و دگرگونی‌های دیگر به عنوان نمودهای ظاهری ظهور می‌کند.

از این اصل می‌توان نتیجه گرفت که در هیچ‌یک از موجودات در صحنه گسترده ماده، اموری به عنوان ذاتیات وجود ندارد. البته، نمی‌توان انکار کرد که به دلیل دوام و ثبات برخی از خواص در موجودات، می‌توان آن‌ها را در مقابل سایر خواص زودگذر، به عنوان ذاتیات نامید. به طور خلاصه، این نظریه بیان می‌کند که هیچ موجودی نمی‌تواند از ذات خود خاصیتی داشته باشد که آن خاصیت در جریان‌های طبیعی حتمی الوقوع بوده و از پیوستگی آن خاصیت با موجود فرضی قابل اجتناب نباشد. بنابراین، معنای یک قانون در طبیعت و جریان موجودات، مانند جریان فوتون‌های نور، به صورت تدریجی است و چنین نیست که موجوداتی به طور مستقل و پی‌درپی با یک سری ذاتیات در جریان باشند.

۲. نظریه دوم: این نظریه معتقد است که موجودات جهان هستی دارای خواص ذاتی و غیرذاتی هستند و امور ذاتی قابل دگرگونی و تحول نمی‌باشند. به عبارت دیگر، تمام اشیاء برای خود ویژگی‌های ذاتی دارند که نمی‌توانند از آن‌ها تخلف کنند. این نظریه در فلسفه کلاسیک حمایت‌کنندگان زیادی دارد.

۳. نظریه سوم: این نظریه بیان می‌کند که مفاهیمی از این قبیل که فلان چیز خاصیت

ذاتی غیرقابل تجزیه فلان موجود است یا خاصیت غیرذاتی آن چیست، و همچنین وجود رابطه علیت میان این دو، جز عادات ذهنی ما که از حواس خود بهره‌برداری می‌کنند، نیستند. این نظریه همان دیدگاه هیوم است.^۱

پنداشت هیوم از وقوع معجزات و امور خارق‌العاده، پدیده‌هایی است که ناقض اصل علیت هستند و اعتقاد به اعجاز با قبول عمومیت اصل علیت سازگاری ندارد. این پندار سبب شده است که ایشان منکر وقوع معجزات گردند.

در رد پندار فوق، می‌توان گفت آنچه واضح است این است که معجزات نمی‌توانند تنها از طریق علل طبیعی و عادی که در جهان وجود دارند، به وقوع پیوندند؛ زیرا در این صورت، این امور دیگر نمی‌توانند خارق‌العاده تلقی شوند. اما این بدان معنا نیست که معجزه بدون علت است. ممکن است معجزات ناشی از علل خاصی باشند که برای ما ناشناخته‌اند و در حیطه فهم و تجربه ما نمی‌گنجند. به عنوان مثال، شفا یافتن یک بیمار که به نظر ما غیرقابل درمان است یا جاری شدن آب از میان سنگ‌های سخت، ممکن است علل ویژه‌ای داشته باشند که ما از آن‌ها بی‌خبر هستیم. خداوند سبحان این امور را به منظور اثبات حقانیت پیامبران و اتمام حجت بر مردم، از طریق این علل ناشناخته به وجود می‌آورد. بنابراین، می‌توان گفت که وقوع معجزات قانون علیت، که یک قانون عقلانی و غیرقابل انکار است، را نقض نمی‌کند؛ بلکه تنها به معنای خروج از روال عادی و شناخته‌شده طبیعت است، در حالی که همچنان در چارچوب اصل علیت قرار دارد.

به عبارت دیگر معجزات پیامبران و اولیای الهی در قرآن همگی از امور ممکن و غیرمحال عقلی به شمار می‌روند. به عنوان مثال، تبدیل چوب به مار توسط موسی کلیم محال نیست، زیرا عناصر مادی مانند چوب، سنگ، خاک و گیاه در طبیعت به تدریج می‌توانند به مار تبدیل شوند. هر مار و عقبی بخشی از آب و خاک زمین هستند و چوب در فرایند پوسیدگی به خاک تبدیل می‌شود و سپس به مواد غذایی گیاهان تبدیل می‌گردد. اگر این گیاه توسط

۱. جعفری، محمد تقی، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمد مولوی، ج ۱ ص ۳۸۵-۳۸۷

ماری خورده شود، همین مواد در آینده و پس از تولید مثل به ماری دیگر تبدیل می‌شود. این روند، راه عادی و تدریجی تبدیل ذرات چوب به مار است.

اما در معجزه، این روند متعارف و عادی دنبال نمی‌شود؛ بلکه از طریق راهی غیرعادی و خارق‌العاده، که همچنان مبتنی بر علت و معلول است، چوب به مار تبدیل می‌شود. آورنده معجزه از علل پنهانی که از آن‌ها آگاهی دارد، به سرعت چوب را به مار تبدیل می‌کند، در حالی که انسان‌های عادی نمی‌توانند این کار را انجام دهند و از آن علل مخفی نیز بی‌خبر هستند.

معجزات دیگر مانند ناقه صالح، طوفان نوح و سایر معجزات انبیای الهی و اولیای خدا نیز ممکن‌الوجود هستند و محال عقلی به شمار نمی‌روند؛ اما به‌طور طبیعی، زمان زیادی برای به وجود آمدن آن‌ها نیاز است. در حالی که در معجزه، این پدیده‌ها در مدت زمان بسیار کوتاهی واقع می‌شوند. بنابراین، می‌توان گفت که معجزه اولاً خرق عادت است و نه نقض قانون علیت، و ثانیاً خرق قالبی است و نه خرق ضروری. این خرق عادت بخشی از سنت‌های ضروری خداوند است که تغییر نمی‌پذیرد.

«در نقد دیدگاه هیوم، آیت‌الله جوادی آملی به این نکته اشاره می‌کند که: "اگر مقصود از قوانین طبیعت در نزد دیوید هیوم که معجزه را نقض قوانین طبیعت می‌انگارد، قوانین علی واقعی باشد که قوانین ضروری‌اند، تعریف آنان از معجزه نادرست است. زیرا با چنین تعریفی معجزه از منظر مباحث نبوت عام امری ممتنع خواهد بود که با دلیل ضرورت معجزه ناسازگار است."^۱ این تحلیل به ما کمک می‌کند تا ببینیم که چگونه تعریف هیوم از معجزات می‌تواند با مباحث الهیاتی و فلسفی در تضاد باشد.

همچنین، علامه جعفری در بررسی جریانات طبیعی و نمودهای آن، به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند: «آنچه که در جریان طبیعت بر خلاف نمودار می‌گردد، فقط از نظر روبنای طبیعت است. جریانات روبنای طبیعی که ضرورت‌های ذاتی را تضمین نمی‌کنند، نمی‌توانند زیر

بنای نموده‌های طبیعت را منفی بسازند.» به عبارت دیگر، ما در این جهان طبیعت با هزاران نمود و قانون روبرو هستیم. این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که این پهنه طبیعت برای خود قوانین و جریاناتی دارد که می‌تواند منبع انتزاع علوم و صنایع باشد. با این حال، باید تأکید کنیم که این روبناها از یک زیربنا سرچشمه می‌گیرند که گاهی آن را به عنوان پشت پرده معرفی می‌کنیم. تمام جریانات بر پرده طبیعت، ارتباطی عمیق با جریانات پشت پرده دارند، همان‌طور که نموده‌های سطحی شخصیت (روان) انسانی با سطح عمیق «شخصیت» در ارتباط است^۱.

پس می‌توان گفت: در حالی که هیوم بر این باور است که تجربیات حسی و مشاهدات ظاهری به عنوان مبنای شناخت ما از واقعیت‌ها کافی است، علامه جعفری تأکید می‌کند که باید فراتر از نموده‌های سطحی طبیعت نگرست و به جستجوی زیرساخت‌ها و ضرورت‌های ذاتی پرداخت که واقعیت‌های عمیق‌تر را شکل می‌دهند؛ این امر نشان می‌دهد که شناخت کامل از حقیقت نیازمند درک روابط پیچیده و عمیق‌تر میان اجزاء و قوانین طبیعی است.

علامه جعفری برای آشکار شدن مطلب فوق، مثال‌های لطیفی ارائه می‌دهند:

اگر بگوییم آتش برای ابراهیم سرد و گوارا شد، به این معنا نیست که در جهان واقعیتی به‌طور قانونی مخالف واقعیت صورت گرفته است، بلکه مقصود این است که جریان بر پرده طبیعت به واسطه تماس روح بزرگ ابراهیم با پشت پرده توانسته است دگرگون شود؛ مانند اینکه لامپ برقی را با کلید روشن و خاموش کنیم. اگر کسی اطلاعی از کلید برق نداشته باشد، روشن و خاموش کردن برق برای او قابل درک نخواهد بود و به‌صورت یک نمود متناقض جلوه خواهد کرد.

همچنین، ایشان در تفسیر بیت زیر از مثنوی جناب مولانا می‌نویسد:

«این رسن‌های سبب‌ها در جهان، هان و هان، زین چرخ سرگردان مدان.»

اگر کسی همواره در ته چاهی زندگی کند و ببیند که دائماً سطلی از طناب به ته چاه

۱. جعفری، محمد تقی، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمد مولوی، ج ۱ ص ۳۸۷-۳۸۹

می‌رسد و آبی را پر می‌کند، سپس بالا برود، چنین شخصی اطلاعات خود را درباره سطل و طناب و فاصله‌هایی که سطل در آمدن به ته چاه می‌پیماید و مقدار آبی که در سطل مشاهده می‌کند، به عنوان امور ضروری و ذاتی تصور خواهد کرد و تفکر درباره امور مذکور برای او ممکن نخواهد بود.

وضع ما در جهان طبیعت مشابه به این شخص است که در چاه طبیعت نشسته و قوانین و جریاناتی را می‌بیند و برای آن‌ها علیت و خواص ذاتی غیرقابل تحول تثبیت می‌کند. اکنون، اگر کسی که در بالای چاه ایستاده، به وسیله چرخ، سطل و طناب را به ته چاه می‌فرستد، دست از کار بردارد یا سطل را از نیمه چاه برگرداند، این فرد چاه‌نشین خواهد گفت: «عجب تناقضی است! چطور ممکن است که طناب به چاه فرود نیاید؟ یا چطور ممکن است که سطل از نیمه چاه برگردد؟»

البته این شگفتی‌ها همه با مورد است، اما برای چاه‌نشین، نه برای کسی که در لب چاه ایستاده و از علل و هدف فرو رفتن سطل آویخته از رسن به چاه اطلاع کامل دارد.^۱

علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» می‌نویسد: اصل معجزات از اموری است که حتی جریان عادی طبیعت آن را انکار نمی‌کند... منتهی فرقی که میان معجزه و وضع عادی طبیعت وجود دارد اینست که اینگونه امور در طبیعت معلول اسباب مخصوصی است که در تحت شرائط زمانی و مکانی خاصی آنها را بوجود می‌آورند ولی در مورد معجزات آن نوع اسباب و شرائط دیده نمی‌شود.

در ادامه ایشان دو احتمال برای ایجاد اسباب مادی ارائه می‌دهند

یکی اینکه خدا بمحض اراده و بدون وساطت هیچ‌گونه سبب مادی آن موضوع را ایجاد می‌کند.

دوم اینکه از راه علل مادی که از نظر ما پنهان است و فقط خودش می‌داند بوجود می‌آورد. سپس می‌نویسد: با دقت و تأمل در جمله سوم آیه یعنی قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (و بر

هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است/ طلاق ۳) که در حکم علت برای جمله سابق است معلوم می‌شود که صحیح همان احتمال دوم است.

خلاصه اینکه جهان هستی یک سلسله روابط حقیقی و علل واقعی در میان هر چیز و وجودات سابق بر آن موجود است اما نه باین صورتی که ما از ظواهر آنها خیال می‌کنیم (لذا فرضیات علمی امروز قادر بتعلیل تمام حوادث نیستند) بلکه صورت واقعی آن علل و ارتباطات را خدا می‌داند و بس!^۱

در نهایت بر اساس مبانی فلسفه اسلامی درباره علیت، علل مادی و طبیعی هرگز نمی‌توانند به عنوان علت تامه یک پدیده در نظر گرفته شوند. در واقع، این علل تنها به عنوان علل اعدادی شناخته می‌شوند و هیچ‌یک به تنهایی قادر نیستند تمام ابعاد و جوانب یک پدیده را تبیین کنند. به عبارت دیگر، یک پدیده ممکن است تحت تأثیر چندین علت اعدادی قرار گیرد که می‌توانند به صورت جایگزین عمل کنند و یکدیگر را تکمیل نمایند. این نظریه به ما این فهم را می‌دهد که هر پدیده می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی باشد که ممکن است به طور همزمان یا در زمان‌های متفاوت به وقوع آن کمک کنند. این دیدگاه بیانگر پیچیدگی و تنوع علل در جهان است و به ما یادآوری می‌کند که نمی‌توان پدیده‌ها را تنها با یک دلیل ساده توضیح داد.^۲

۲-۳. عدم نیاز به بررسی صدق مُخبر: پذیرش معجزه و تأثیر گزارش‌ها

همان‌طور که گذشت هیوم معجزات را به عنوان نقض قوانین طبیعت تلقی کرده و برای ادعای خود استدلال می‌کند که قوانین طبیعت از قوت بیشتری برخوردارند. به نظر می‌رسد که او به انگیزه‌های مخبران در نقل معجزات اشاره می‌کند تا استدلال خود را تقویت و مویدی بر آن بیاورد.

۱. طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۹۲-۹۶.

۲. سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۲، ص ۴۲-۴۳/ مصباح، محمد تقی، راهنما شناسی، ص ۲۱۷-۲۲۵.

می‌توان گفت اگر معجزه به معنای نقض قوانین علی واقعی تعریف شود و درباره امتناع آن حکم صادر گردد، در این صورت نسبت به تمامی گزارش‌های معجزه، نیازی به بررسی صدق مخبری نخواهد بود، زیرا به کذب بودن این گزارش‌ها یقین دارد. به عبارت دیگر، حادثه‌ای که وقوع آن محال است، بحث درباره مخبر آن چه ارزشی دارد؟ به عنوان مثال، اگر کسی ادعا کند که من خدا را دیده‌ام، به دلیل محال بودن چنین عملی، دیگر مجال بحث درباره مخبر آن نخواهد بود. این تحلیل نشان می‌دهد که در صورت پذیرش مبنای هیوم، بررسی صحت گزارش‌های معجزه‌گونه عملاً بی‌ثمر خواهد بود، زیرا منطقاً نمی‌توان به وقوع آن‌ها اعتقاد داشت.

در نهایت همان‌گونه که آمد استدلال هیوم درباره معجزات پذیرفته نیست و دیگر مجالی هم برای بحث مخبری آن نخواهد ماند به عبارت دیگر موید و تکیه گاه ناقل اخبار زمانی کارایی دارد که استدلال و بنای اصلی پا برجا باشد اکنون که استدلال (بنای اصلی) فرو ریخته دیگر موید و تکیه گاهی نخواهد ماند و بحث از آن بی‌ثمر است.

نتیجه گیری

در این مقاله به نقد و بررسی دیدگاه دیوید هیوم درباره معجزات و هم پوشانی عقل و دین پرداخته شد. هیوم معجزات را به عنوان نقض قوانین طبیعی معرفی کرده و بر این باور است که تجربه های یکنواخت و قوانین طبیعی به عنوان مبنای قوی تری برای فهم واقعیت ها باید مورد توجه قرار گیرند. او با استناد به تجربیات انسانی، به ضعف شواهد و اخبار معجزات اشاره می کند و آن ها را غیر قابل پذیرش می شمارد.

با این حال، این مقاله نشان داد که نقد هیوم به معجزات به طور کامل جامع و قانع کننده نیست. معجزات، به عنوان پدیده هایی خارق العاده، می توانند در چارچوب عقلانی و منطقی قابل تبیین باشند و از این رو نمی توان آن ها را به طور کامل نادیده گرفت. آموزه های دینی و اصول عقلانی به وضوح نشان دهنده وجود علل پنهان و ناشناخته ای هستند که می توانند وقوع معجزات را تبیین کنند. این نکته نه تنها در قرآن کریم بلکه در تفاسیر و نظرات حکما و متفکران اسلامی نیز تأکید شده است.

نهایتاً، این مقاله به این نتیجه رسید که معجزات نه تنها نقض کننده قوانین علی و معلولی نیستند، بلکه به عنوان تجلی قدرت الهی و حکمت خداوند می توانند درک عمیق تری از رابطه بین عقل و دین فراهم کنند. همچنین، با توجه به پیچیدگی های جهان و تنوع علل، باید به شواهد و تجربیات معتبر توجه کرد و از پذیرش بی ملاحظه ادعاهای غیرمستند پرهیز کرد. به این ترتیب، می توان به یک دیدگاه جامع تر و متعادل تر در مورد معجزات و نقش آن ها در فهم دین و عقل دست یافت.

پیشنهادهای برای محققین آینده

۱. تحقیقات تطبیقی: بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مختلف درباره معجزات در فلسفه دین و الهیات می‌تواند به درک جامع‌تری از این موضوع کمک کند.
۲. تحلیل تاریخی: پژوهش در مورد معجزات در زمینه تاریخی و فرهنگی مختلف می‌تواند نشان دهد که چگونه باور به معجزات در جوامع مختلف شکل گرفته و تحول یافته است.
۳. مطالعات تجربی: جمع‌آوری داده‌های تجربی درباره تأثیر معجزات بر زندگی افراد و جوامع می‌تواند به تقویت یا تضعیف ادعاهای فلسفی موجود در این زمینه کمک کند.
۴. توسعه نظریه‌های جدید: ایجاد و توسعه نظریه‌های جدید درباره رابطه بین علم، دین و معجزات می‌تواند به غنای بحث‌های فلسفی و دینی افزوده و پل‌های جدیدی برای گفت‌وگو ایجاد کند.

منابع و مآخذ

۱. کاپلستون، فردریک. (سال انتشار). تاریخ فلسفه، جلد پنجم: فیلسوفان انگلیسی (از هابز تا هیوم) (ترجمه: امیر جلال الدین اعلم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش.
۲. دورانت، ویل و آریل. (۱۳۸۴). دین و فلسفه در تاریخ تمدن، عصر ولتر (ترجمه: سهیل آذری، ویرایش: حسن انوشه، چاپ دهم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. گسکین، ج. س. آ. (۱۳۶۷). فلسفه دین هیوم. لندن: انتشارات مک میلن. (Gaskin, J. C.). (A. (1988). Hume's philosophy of religion. London: Macmillan Press
۴. جعفری، محمد تقی. (۱۳۸۷). تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمد مولوی. تهران: انتشارات اسلامی.
۵. صادقی، حسن. درسنامه اعجاز قرآن در اندیشه و آثار آیت الله جوادی آملی. قم: نشر اسراء (چاپ ۴، ۱۴۰۲ ه. ش).
۶. طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان (ترجمه: ناصر مکارم شیرازی). تهران: نشر فرهنگی رجا و موسسه انتشارات امیر کبیر (۱۳۶۳).
۷. سعیدی مهر، محمد. آموزش کلام اسلامی. قم: نشر کتاب طه (چاپ ۲۷، ۱۳۹۸).
۸. مصباح، محمد تقی. راهنما شناسی. تهران: انتشارات موسسه امام خمینی (ع.ج).



زمینه های ازدواج موفق از دیدگاه اسلام

محمد درویشی^۱

چکیده

ازدواج موفق، یکی از مهم ترین ارکان، در زندگی هر فردی می باشد؛ که از طریق آن می تواند به سعادت و خوشبختی برسد. و یا این که ممکن است این ازدواج ناموفق بوده و با یک تصمیم اشتباه تمام زندگی خود را نابود سازد. به همین دلیل است که دانشمندان و اهل علم کتب، تحقیقات و راه های متعددی را در زمینه ی چگونگی انتخاب همسر و ازدواج موفق ارائه می کنند.

در ایجاد زمینه ی ازدواج موفق، موارد زیادی هست که باید به آن توجه کرد. اما اولین و مهم ترین گزینه، انتخاب همسر می باشد؛ که باید جوانان نسبت به این شاخصه دقت کافی داشته باشند. متأسفانه بعضی از جوانان در مقطع ازدواج تنها به احساسات خود توجه می کنند و واضح است که این احساسات نمی تواند برای یک ازدواج و زندگی موفق کافی باشد.

ملاک ازدواج موفق، می تواند موارد زیادی باشد. ولی سوال در ذهن ما، این است که آیا برای داشتن یک زندگی مشترک موفق و دلخواه، ملاک های اصلی، فقط مادیات می باشند؛ یا معنویات هم می توانند تأثیری داشته باشند؟

۱. طلبه پایه هشتم حوزه علمیه حجت بن الحسن علیه السلام

با توجه به اهمیتی که همسر در زندگی دارد، آثاری که بر آن مترتب است و نقشی که هر یک از زن و مرد در آن دارند، می بایست برای انتخاب همسر ملاک‌ها و دستورالعمل‌هایی وجود داشته باشد؛ تا افراد با توجه به آن ملاک‌ها، همسر مورد نظر خود را انتخاب نموده و سعادت دنیا و آخرت را به دست آورند.

کلید واژه: ازدواج، زوج، زوجه، نکاح، ازدواج موقت، ویژگی‌ها.

مقدمه

با حمد و ستایش خداوند تبارک و تعالی و سلام و صلوات خاص پروردگار، بر پیامبر رحمت و خاندان پاک و مطهرش علیهم‌السلام، به ویژه قطب عالم امکان، حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام، که چراغ هدایت، کشتی نجات، محبتشان شرط قبولی طاعات و اطاعتشان وسیله قرب الهی است. تشکیل خانواده از نظر اسلام، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا سنگ اول بنای حیات و جامعه است و هرگونه اقدام و رشد اجتماعی در سایه آن حاصل می‌شود.

خانواده عامل ثبات و سازش اجتماعی است؛ و سعادت جامعه تا حدود زیادی در گرو آن می‌باشد.

خانواده کانونی است که در آن ارزش‌های اخلاقی، باورهای دینی و معیارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و زمینه‌ی رشد عاطفی و تربیت اخلاقی و اجتماعی اعضای خانواده فراهم می‌گردد.

خانواده‌ها، به مثابه‌ی اصلی‌ترین پایگاه‌های رشد و شکوفایی شخصیت و پرورش مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان، اساسی‌ترین سهم را در سلامت و اعتلای جوامع بشری بر عهده دارند؛ و بخش بزرگی از شکل‌گیری شخصیت، تبلور رفتارهای اجتماعی و تعاملات بین فردی و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها حاصل چگونگی بازخوردها، بینش‌ها و تجارب آنان در زندگی خانوادگی است.

بنابراین از طریق ازدواج و تشکیل خانواده، همدلی و همدمی پدید آمده و انزواجویی و گریز از حیات، از میان می‌رود. بر اثر آن، سازندگی و خلاقیت پدید می‌آید و آدمی با تشکیل خانواده، به حقیقت وظیفه مهم و خطیر خود، که همان پیشرفت مدنیت و فرهنگ بشری است، نائل می‌شود. در این تحقیق به مولفه‌های ازدواج موفق با توجه به دین ناب محمدی خواهیم پرداخت و ملاک‌های انتخاب همسر را از دیدگاه آیات و روایات اسلامی، مورد بررسی قرار داده و در آخر به ارائه راهکار در این زمینه می‌پردازیم.

۱- عوامل و زمینه‌های ازدواج موفق از دیدگاه اسلام

یکی از مهم‌ترین ارکان در زندگی افراد، ازدواج است. هر فردی می‌تواند ازدواج موفق داشته باشد؛ که از طریق آن به سعادت و خوشبختی برسد. و یا این که ممکن است، این ازدواج ناموفق باشد و با یک تصمیم اشتباه تمام زندگی خود را نابود سازد. به همین دلیل است که دانشمندان و اهل علم کتب، تحقیقات و راه‌های متعددی را در این زمینه ارائه می‌کنند تا مردم بتوانند با استفاده از آنها ازدواج موفق و زندگی خوبی داشته باشند. در این تحقیق با توجه به کلام اهل بیت علیهم‌السلام و قرآن، به مواردی از این زمینه‌ها پرداخته شده است.

۱-۱. اختیار کردن همسر دیندار

همسر انسان باید متدین به دین اسلام و مکتب عزیز تشیع باشد، زیرا سبب موفقیت و نیک‌بختی زوجین می‌شود؛ و دین محوری آنان، نیروی محرکه‌ای در جهت حرکت به سوی شادکامی است.

اوامر و نواهی قرآن و احادیث معصومین، زن و شوهر متدین را در محدوده ایمان برای همدیگر حفظ می‌کند. پیشوایان دین نیز، زن با ایمان را به داماد دیندار پیشنهاد کرده اند؛ هم‌چنان که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

بعضی از افراد در انتخاب همسر معیارهایی را مدنظر دارند که بی پایه و اساس است؛ و توجهی به اصول دینی و اخلاقی ندارند. لذا فقط دنبال زیبایی، ثروت، سن و مواردی امثال آن می‌گردند؛ ولی نمی‌دانند که در کنار زیبایی، باید اخلاق و تدین باشد؛ وگرنه عواقب معیارهای غلط، ممکن است در درون زندگی تاثیر بدی بگذارد.

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدَّمَنِ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا خَضِرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السُّوءِ؛ بِبِرْهِيزٍ مِنْ خَضِرَاءِ دَمَنِ. سَوَّالٌ شَدَّ: خَضِرَاءُ دَمَنِ چيست؟ فرمود: زن زیبایی که در چمن زار و یا در گلستان بد، پرورش یافته باشد.»^۲

«مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِمَالِهَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِحِمْلِهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْرِهُ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ؛ كَسَى كَافِرٌ زَيْنًا بِهَاطِلٍ خَاطِرٍ أَمَّا الْغَنِيُّ فَخَيْرٌ وَأَزْوَاجُ الْغَنِيِّ كَالْأَعْيُنِ عَلَى مَا يُنْفِقُونَ»

«إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْءَ لِحِمَاهَا أَوْ لِمَالِهَا وَكُلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْمَالَ وَالْجَمَالَ؛ وَتَقِي مَرْدِي بَا زَنِي بِهِ خَاطِرَ زِيَايِي وَجَمَالَ أَوْ أَزْدَوَاجَ كَنْدِ وَ يَا بِهِ

٣. شيخ حر عاملي، وسايل الشيعه، ص ٢٣٦.

علت ثروتمندی و اموال زن با وی پیوند زوجیت ببندد به همان چیز از مال و جمال که دل بسته است، اکاله می‌شود؛ ولی اگر مرد به خاطر دین زن، با وی ازدواج کند، خداوند از فضل خودش به او ثروت و زیبایی زن را اعطاء خواهد نمود.^۱

و هم چنین پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ می‌فرماید:

«مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمًا فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَتَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ؛ پس از اسلام، هیچ نعمتی برای مرد بهتر از زن مسلمانی نیست که هرگاه به او بنگرد، مسرورش کند و هرگاه به او فرمان دهد، اطاعتش نماید و در غیاب او حافظ ناموس و مالش باشد.»^۲

و از طرف دیگر یک دختر برای انتخاب همسر نباید فقط به پول و ثروت او نگاه کند؛ زیرا ممکن است شخصی فقیر باشد، اما دارای اصالت خانوادگی و اخلاق و شخصی ثروتمند بوده ولی اخلاق در زندگی نداشته باشد.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«إِنْ خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيتَ دِينَهُ وَخُلُقَهُ فَرَّوْجُهُ وَلَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ؛ هنگامی که مردی از شما خواستگاری کرد که از دین و اخلاق او راضی بودید به ازدواج با او رضایت دهید. و مبادا فقر او، ترا از این رضایت باز دارد.»^۳

۱-۲. اختیار کردن همسری دارای خانواده با اصالت

هر کدام یک از زن یا مرد باید قبل از ازدواج نگاه کنند که خانواده همسر آینده او دارای چه ویژگی‌ها و اخلاقیاتی هستند و آیا اصالت خانوادگی دارند؟
دلیل این امر این است که در یک خانواده خوب و اصیل پدر و مادر تلاش می‌کنند که

۱. همان، ص ۲۳۸.

۲. شیخ محمد صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹، ح ۴۳۶۸.

۳. حسین نوری، مستدرک الوسائل ج ۱۴، ص ۱۸۸، ح ۱۶۴۶۸.

فرزند خوبی را تربیت کرده و الگویی نمونه را به جامعه تحویل دهند. و انتخاب همسری با اصالت تأثیر زیادی در تربیت صحیح فرزندان در خانواده دارد.

فیض کاشانی می‌فرماید: شایسته است زن از خانواده‌های اصیل و خیرخواه و مشهور به شایستگی انتخاب شود، چرا که فرزندان این گونه خانواده‌ها زحمت زیادی برای تربیت و مراقبت از فرزندان خود متحمل می‌شوند. و در آینده اینگونه دختران در امر تربیت و مراقبت فرزندان خود حساسیت‌ها و دقت‌های لازم را خواهند داشت.

به همین دلیل در فرهنگ دین، از ازدواج با زنانی که ظاهری زیبا دارند ولی در خانواده‌های غیراصیل و بی تربیت بزرگ شده‌اند پرهیز داده شده است.^۱

همسر خویش را با بینش و آگاهی کافی و تحقیقات کامل انتخاب کنید. هنگامی که او را فهمیم، خردمند و سازگار یافتید، با او پیمان ازدواج ببندید.^۲

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«از سبزه در زباله دان بپرهیزید. گفتند: سبزه در زباله دان چیست؟»

حضرت فرمود: «زن زیبا در خانواده بد.»^۳

حضرت محمد ﷺ در جایی دیگر می‌فرماید:

«أُنْظِرْ فِي أَيِّ نِصَابٍ حَدِيثُ تَصْعُ وَلَدَكَ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ نگاه کن فرزندت را در کدام

رَجم قرار می‌دهی؛ چرا که اصل و ریشه، تأثیرگذار است.»

۳-۱. اختیار کردن همسری با عقل و شعور مناسب

خداوند، عقل را سلطان بدن قرار داده است، و هر کس از عقل خود کمک بگیرد، پیروز می‌شود.

۱. مهدی نیلی پور، مدیریت خانواده، ج ۱ ص ۶۷ و ۶۸.

۲. مهدی نیلی پور، راه‌های رسیدن به موفقیت و خوشبختی ص ۱۴۵.

۳. قاسم احسانی کناری، چراغ راه زندگی ص ۴۳۶.

علاوه بر بلوغ طبیعی، وجود قوه تعقل، شرط مسئولیت اخلاقی است. بنابراین، افرادی که از سلامت عقلانی برخوردار نیستند و دچار کاستی‌هایی در قوه عاقله‌اند، مسئولیت اخلاقی ندارند.^۱

یکی دیگر از ویژگی‌های همسر نمونه خردمندی و اندیشه‌گرایی است. چنین همسری با مسائل گوناگون زندگی، خردمندانه برخورد می‌کند. او درباره مسائلی که احتیاج به تعقل و تفکر دارد به راحتی نمی‌گذرد، بلکه با نیروی سنجش مسائل گوناگون را سنجیده و با اندیشه نتیجه می‌گیرد؛ بدین جهت سرنوشت زندگی مشترک را خردمندانه رقم می‌زند.^۲

بنابراین؛ به مجرد این که افکار آمیخته با عشق و آرامش و اعتدال و اعتماد به دیگران را به ذهن راه می‌دهید، اهرم اقتدار و قدرت در اختیاران قرار می‌گیرد. باید همسر خردمند و دانا اختیار کنیم. زیرا همسر خردمند و دانا بر روی ما تأثیر مستقیم گذاشته و همین که مشاهده می‌کنیم کارهای او براساس خرد است، ما نیز از او پیروی می‌کنیم.^۳

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِيَّاكُمْ وَ تَزْوِجَ الْحُمْقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وَلَدَهَا ضِيَاعٌ؛ بهره‌زید از ازدواج با احمق! زیرا مصاحبت و زندگی با او بلاست و فرزندانش نیز تباه می‌شوند.»^۴

۴-۱. انتخاب همسر آگاه و فهمیده

هر اندازه آگاهی عروس و داماد از پیمان زناشویی بیشتر باشد، ازدواج مناسب تری قلمداد می‌گردد؛ زیرا آشنایی با مقوله ازدواج یکی از راه‌های رسیدن به موفقیت و خوشبختی می‌باشد.

چه بسا اگر دختر یا پسر حتی یک کتاب یا کلام و جمله‌ای از راه‌های سعادت و شادکامی

۱. احمد دیلمی، اخلاق اسلامی، ص ۴۷.

۲. محمدرضا رجائی، راز خوشبختی دختران و پسران، ص ۱۱۳.

۳. همان، ص: ۱۱۳.

۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۸۴، ح ۲۵۰۹۴.

را مطالعه کرده و آن را در زندگی فرا راه خویش قرار دهند، باعث حرکت خانواده به سوی ترقی، تکامل و نیک بختی شده است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اعْمَلُوا بِالْعِلْمِ تَسْعَدُوا؛ بر پایه علم، عمل کنید تا سعادتمند شوید.»^۱

بنابراین ما به وسیله علم، به اهداف بزرگی خواهیم رسید و سعادت دنیا و آخرت را از آن خویش خواهیم نمود. زیرا تعلیم و تعلم عبادت است و علاوه بر تأمین سعادت و خوشبختی دنیا، فضایل معنوی بی شماری را نیز در پی دارد.

دانش، به انسان دانایی و توانایی می دهد و دل پژمرده را جوان می کند و به این وسیله می توان بر مشکلات مسلط، و شکست ها را به پیروزی مبدل نمود. درباره نمود و اصل ازدواج نیز وضعیت به همین منوال است. و می توان با دانش ازدواج، بر مشکلات آن فائق آمد.^۲

۵-۱. ازدواج با همسر با حیا

بدون شک یکی از نشانه های عروس نمونه عقیف بودن اوست. او موجبات سعادت خانواده را فراهم می کند؛ و شوهر با آرامش خاطر به کارهای محوله می پردازد. و پس از چندی آنها از آرامش و آسایش وصف ناپذیری بهره مند شده و هرگز عذاب وجدان ندارند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«(زنان) هر چه بیشتر حجاب داشته باشند، محفوظ ترند.»^۳

لازم به یادآوری است که مرد نیز باید عقیف باشد، بنابراین دختر و پسر در چنین زندگی مشترکی سعادتمندند.

۱. مختار امینیان، مبانی اخلاق اسلامی، نشر: بوستان قم، چاپ دوم ص ۱۴۴

۲. محمد رضا رجائی، کتاب راز خوشبختی دختران و پسران، ص ۱۱۶.

۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۹۵.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«نشانه غیرت مرد عفت اوست.»^۱

بدون تردید مرد با غیرت خویش پاکدامنی پیشه می‌کند. او نه تنها دامن خود را به گناه آلوده نمی‌کند، بلکه با حیا همسر خویش را نیز از نامحرمان حفظ نموده، و از سویی آنان دوشادوش هم در زندگی زناشویی خویش در همه زمینه‌ها فرهنگ اخلاقی، تفاهم و توافق را سرلوحه قرار می‌دهند.^۲

۶-۱. هم کفو و یا هم تایی دختر و پسر

اسلام همتایی زن و شوهر را به دو بخش تقسیم می‌کند: اول: همتایی که باید در زن و شوهر رعایت شود. (واجب) دوم: همتایی که بهتر است در آنها رعایت گردد. (مستحب)

اما واجب آن به دو قسم تقسیم می‌شود: اول: از جهت جسمی. مثلاً: اگر مرد استعداد عمل زناشویی را دارد ولی زن به جهت مانع و یا مرضی که در بدن او هست نمی‌تواند خواسته مرد را عمل کند، باید قبل از عقد به مرد بگوید و گرنه این ازدواج صحیح نخواهد بود.

دوم: از نظر روحی: اگر مرد یا زن یکی کافر بوده، ولی دیگری مسلمان است، چون آنها از نظر روحی با هم (همسر) نیستند و «کفویت» ندارند نمی‌توانند ازدواج کنند.

و اما مستحب آن نیز، به دو گونه تقسیم می‌شود: اول از جهت جسمی، دوم از نظر روحی.

مثلاً: اگر مرد زیباست و زن زشت صورت و غیر وجیه و برخلاف آن، مثلاً: یکی از آنها کور یا کر و لال و دیگری سالم، اگر آنها با یکدیگر ازدواج کنند نمی‌توانند هماهنگی کاملی را در زندگی رعایت کنند.

دوم از نظر روحی: اگر یکی از آنها از خانواده شریف و دیگری از خانواده پست باشد،

۱. ابوالفتح آمدی، غررالحکم، ص ۲۳۴.

۲. مهدی نیلی پور، بهشت اخلاق، ج ۱ ص ۲۵۷.

باز چون طرز فکرشان با هم تطبیق نمی‌کند، و محیط تربیتشان با هم فرق می‌کند، پسندیده نیست که آنها با هم ازدواج کنند و یا اگر یکی تحصیل کرده (بخصوص زن) ولی دیگری جاهل و کاملاً نادان باشد اگر با هم ازدواج کنند (کفویت) را رعایت نکرده‌اند و نمی‌توانند راحت زندگی کنند و یا اگر یکی از نظر اخلاقیات کاملاً تزکیه شده ولی دیگری فاق باشد، چون «کفویت» را رعایت نکرده‌اند، درست نیست که این ازدواج را انجام دهند.

از آن روی، در دستورات اسلامی می‌بینیم که در خصوص بعضی از معصیت‌کاران، این کراهت تصریح شده؛ که از آن جمله، زن دادن به تارک الصلاه (بی‌نماز) است.

بنابراین، در ازدواج دائم که نود درصد آن به خاطر تشکیل خانواده است، حتماً باید «کفویت» و «همسری» رعایت شود تا زندگی زناشویی دوام پیدا کند و با سرعت از هم نپاشد. موارد همتایی و تناسب دختر و پسر عبارتند از:

- ۱- همتایی دینی و ایمانی: یعنی عروس و داماد از نظر دینی هم سطح باشند.
- ۲- همتایی و هماهنگی فرهنگی و فکری: یعنی سطح فکری آنها برابر و یا تقریباً برابر باشد و از لحاظ فرهنگی هماهنگ باشند.
- ۳- همتایی اخلاقی
- ۴- تناسب در تحصیلات علمی
- ۵- همتایی جسمی و جنسی
- ۶- تناسب در زیبایی
- ۷- تناسب سنی
- ۸- تناسب مالی
- ۹- تناسب خانوادگی
- ۱۰- تناسب سیاسی
- ۱۱- تناسب اجتماعی

۱۲- هماهنگی روحی و روانی^۱

۱-۱. داشتن سلامتی تن و روان همسر آینده

در هنگام انتخاب همسر باید از سلامت روحی و جسمی او آگاه باشیم. عروس و داماد اگر از سلامت تن و روان برخوردار نباشند، در سختی‌ها و نابسامانی‌های زندگی موجبات ناراحتی و سلب آسایش همسر خویش را فراهم می‌کنند و سلامت آنان ضامن سعادت خانواده است.

برای روابط سالم در خانواده:

جمع مال، تحصیل کامیابی، کسب دانش، شهوت، هیچ‌کدام با تندرستی برابری نمی‌کند. برای حفظ تندرستی باید از هر چیز گذشت.^۲

۲. روابط سالم در زندگی با همسر

۲-۱. حسن خلق داشتن در زندگی

یکی از ویژگی‌های همسر ایده آل و الگو و نمونه دوری از رضیلت‌های اخلاقی و دارا بودن خصلت‌های اخلاقی است.

همسر خوش اخلاق در هر شرایطی عصبانی نشده و همیشه خوش برخورد است. وی آداب معاشرت را به خوبی رعایت می‌کند. و اکثر اوقات تبسمی دلنشین بر لب داشته و خوش مشرب است، و شوهر خویش را از صمیم قلب دوست می‌دارد.

حضرت محمد ﷺ می‌فرماید:

«نیک‌خویی، نیک‌بختی انسان است و بدخویی، بدبختی او است.»^۳

۱. محمدرضا رجائی، کتاب راز خوشبختی دختران و پسران، ص ۱۲۴ و ۱۲۵

۲. قاسم احسانی، چراغ راه زندگی ص ۴۳۶

۳. محمد امین شریعتی، نهج الفصاحه ص ۴۱، حدیث ۲۲۲.

امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود:

«گرامی ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست.»^۱

بدین جهت: اخلاق خوب مانند آب جاری است که موجب حاصل خیزی کشتزارها می شود.^۲

۲-۲. کمک کردن به همسر در زندگی

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد خانه ی حضرت فاطمه علیها السلام شد و دید که علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام با هم عدس پاک می کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را تشویق کرد و فرمود:

«مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ عِبَادَةٌ سَنَةٍ، صِيَامُ نَهَارِهَا، وَصِيَامُ لَيْلِهَا؛ هیچ مردی زنش را در کار خانه کمک نمی کند مگر آنکه خداوند به تعداد موهای بدن او عبادت یک سال، که روزها روزه گرفته، و شبها شب زنده داری کرده باشد ثواب به شوهر می دهد.»^۳

رسول الله صلی الله علیه و آله به مردان می فرمود:

«خدمت شما به همسرانتان صدقه به شمار می آید.»^۴

ایشان در کلامی به حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«ای علی! از من بشنو و من جز آنچه خدایم فرمان داده است، نمی گویم. هر مردی که همسرش را در (کار) خانه کمک کند، به تعداد موهای اندامش، یک سال عبادت برایش به شمار می آورند؛ سالی که روزهایش روزه بوده و شب هایش را به پا خاسته باشد. ای علی! کسی که در خدمت خانواده اش در خانه

۱. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، حکمت ۳۸ ص ۴۵۰.

۲. غلامحسین ذوالفقاری، رهنمون ص ۳۴.

۳. مهدی نراقی، جامع السعادات ج ۲ ص ۱۴۰.

۴. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۰۸.

باشد و خودخواهی نوزد، آفریدگار، نامش را در دیوان شهیدان می‌نگارد و برای هر قدمش، یک حج و یک عمره پاداش می‌دهد.

ای علی! ساعتی را در خدمت همسر بودن، برتر از هزار سال پرستش و هزار حج و هزار عمره و آزاد کردن هزار برده و شرکت در هزار جهاد و عیادت هزار بیمار و حضور در هزار نماز جمعه و شرکت در هزار تشییع جنازه و سیر کردن هزار گرسنه و آزاد کردن هزار اسیر است. چنین کسی چشم از جهان فرو نخواهد بست، جز آنکه جایگاهش را در بهشت خواهد دید. ای علی! خدمت به همسر، کفاره گناهان بزرگ است و خشم پروردگار را فرو می‌نشاند.^۱

در سیره رسول اکرم ﷺ، کار مرد در خانه با ارزش تلقی شده است و خود ایشان در خانه به همسرانش کمک می‌کرد.^۲

پیامبر اکرم ﷺ در خانه، لباس خود را می‌دوخت، در را باز می‌کرد و گوسفند و شتر را می‌دوشید. هرگاه خدمت کارش خسته می‌شد، گندم یا جو دستاس می‌کرد. گوشت را قطعه قطعه می‌کرد و در گرفتاری‌های خانواده‌اش به آنان یاری می‌رساند. به هنگام خواب، آب وضوی خود را آماده می‌ساخت.^۳

پیامبر اسلام درباره احترام به زنان می‌فرمود:

«أَلَا خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ (لِأَهْلِيهِ) وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي لِأَهْلِي؛ آگاه باشید که بهترین شما کسانی هستند که با زن‌های خود مهربان‌تر باشند و من از این نظر بهترین شمایم.»^۴

در ایجاد زمینه‌ی ازدواج موفق موارد زیادی هست که باید به آن توجه کرد. زیرا شکل‌گیری یک تربیت مناسب در محیط و فضای خانواده است و اگر محیط نامناسب باشد، نهال زیبای انسانیت در درون فرزند به نحو دلخواه نخواهد بود.

۱. محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲.

۲. سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۴، ص ۱۸۳۱.

۳. محمد حسین طباطبائی، سنن النبی، ص ۷۳.

۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

یکی از زمینه های ازدواج موفق انتخاب همسر می باشد؛ که اشاره شده است که همسر دارای صفات شایسته باشد که این صفات عبارتند از:

- ۱- اختیار کردن همسر دیندار.
 - ۲- اختیار کردن همسری دارای خانواده با اصالت.
 - ۳- اختیار کردن همسری با عقل و شعور مناسب.
 - ۴- انتخاب همسر آگاه و فهمیده.
 - ۵- ازدواج با همسر با حیا، هم کفو و یا هم تایی دختر و پسر.
 - ۶- داشتن سلامتی تن و روان همسر آینده.
- و همچنین یکی از عوامل ازدواج موفق روابط سالم در زندگی با همسر است که شامل:
- ۱- حسن خلق داشتن در زندگی.
 - ۲- کمک کردن به همسر در زندگی.
 - ۳- احترام به یکدیگر در زندگی.
 - ۴- عفو و گذشت خطاهای یکدیگر در زندگی.
- می باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به تحقیق انجام شده ما به این نتیجه می‌رسیم که اگر افراد جامعه، به ویژه جوانان، به دنبال ازدواج موفق هستند، باید برای ایجاد زمینه‌های آن تلاش کنند و از راه درست به آن دست یابند.

و این که باید دانست که بزرگترین نعمت زندگی در کنار سلامتی، دستیابی به آرامش هست؛ که هر انسانی به آن نیاز دارد. یکی از راه‌های دستیابی به آرامش که قرآن آن را از نشانه‌های قدرت خداوند برشمرده ازدواج و همسرگزینی هست که البته، آرامش تنها یکی از نعمت‌هایی هست که در سایه ازدواج به انسان داده می‌شود.

در ایجاد زمینه‌ی ازدواج موفق، موارد زیادی هست که باید به آن توجه کرد. اما اولین و مهم‌ترین گزینه انتخاب همسر بوده که باید جوانان نسبت به این شاخصه دقت کافی داشته باشند. متأسفانه بعضی از جوانان در مقطع ازدواج تنها به احساسات خود توجه می‌کنند و واضح است که این احساسات نمی‌تواند برای یک ازدواج و زندگی موفق کافی باشد.

از نظر اسلام ازدواج موفق در زندگی آدمی فواید و ثمرات فراوانی دارد. مانند افزایش ایمان، افزایش روزی، کامل شدن افراد در زندگی و تکمیل دین و...، اما باید به این نکته توجه کنیم که رسیدن به نعمت‌های ذکر شده، در سایه ازدواج موفق به دست می‌آید. مخصوصاً نعمت آرامش، مشروط به ازدواجی است که از نوع موفق و حساب شده باشد، اگر ازدواج، حساب شده و موفقیت‌آمیز نباشد، نه تنها فرد به آرامش و سایر نعمات دست نمی‌یابد، بلکه گره‌های جدیدی نیز در زندگی او ایجاد خواهد شد.

از دیگر نتایج تحقیق حاضر این که برای ازدواج موفق باید زمینه‌های آن ایجاد شود و فرد تلاش کند که همسر خود را با توجه به الگوهای اخلاقی انتخاب کند. این الگوها در موارد متعددی یافت می‌شوند. برای مثال اگر مردی می‌خواهد همسری اختیار کند، می‌تواند به الگوهای قرآن در گزینش همسر مراجعه کند. الگوهایی همچون حضرت مریم، آسیه همسر فرعون، همسر موسی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و... از نمونه زنانی هستند که یک جوان می‌تواند با جستجوی صفات نیکوی آنان در درون دختران مورد نظر، به گزینش انتخاب همسر برای خود کمک بگیرد. و این که یک همسر شایسته از نظر اسلام باید دارای شرایطی باشد که زمینه‌ی ازدواج موفق را ایجاد کند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قاهره، ۱۳۴۳ ه. ق.
۳. احسانی کناری، قاسم، چراغ راه زندگی، ناشر: نشر علمی، تهران، سال چاپ: ۱۳۹۵ ه. ش.
۴. اصفهانی، راغب، المفردات فی القرآن، مشخصات نشر: دمشق: دارالقلم، بیروت: الدارالشامیه، ۱۴۱۶ ق.
۵. افتخاری، احمد علی، زن از دیدگاه ملتها و ادیان، ناشر: نشر مهشاد، تهران، سال چاپ: ۱۳۷۵ ه. ش.
۶. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ه. ش.
۷. امینیان، مختار، مبانی اخلاق اسلامی، نشر: بوستان قم، ۱۳۶۸ ه. ش.
۸. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، مشخصات نشر: نشر ام ابیها، قم، ۱۳۸۰ ه. ش.
۹. آمدی، ابوالفتح، غررالحکم و دررالکلم، ناشر: دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ه. ق.
۱۰. بیستونی، محمد، لغت شناسی مفاهیم قرآن، ناشر: بیان جوان، سال چاپ: ۱۳۹۱ ه. ش.
۱۱. داودی نژاد، مسلم، سین جین های خواستگاری، نشر پیوند با امام، سال چاپ: ۱۳۹۰ ه. ش.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات تهران، چاپ افشن گلشن، سال ۱۳۴۱ ه. ش.
۱۳. دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، ناشر: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، معارف، سال چاپ: ۱۳۹۶ ه. ش.
۱۴. ذوالفقاری، غلامحسین، کتاب رهنمون، ناشر: اوسان، سال چاپ: ۱۳۸۷ ه. ش.
۱۵. رجائی، محمدرضا، راز خوشبختی دختران و پسران، ناشر: یاقوت سپاه، سال چاپ: ۱۳۹۵ ه. ش.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، روابط دختر و پسر، مشخصات نشر: قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۰ ه. ش.
۱۷. ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، ناشر دارالحديث، تاریخ نشر: ۱۳۸۴ ه. ش.

۱۸. شاه‌رودی، سید محمود بن علی حسینی، کتاب الحج، ناشر: مؤسسه انصاریان تاریخ نشر: ۱۳۸۱ ه. ق.
۱۹. شریعتی، محمد امین، نهج‌الفصاحه، ناشر: سازمان انتشارات جاویدان، تاریخ نشر: ۱۳۲۴ ه. ش.
۲۰. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، النهایه، ناشر: دارالکتاب العربی محل نشر: بیروت نوبت چاپ: دوم تاریخ انتشار: ۱۴۰۰ ق.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، مکان نشر: قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه. ش.
۲۳. طبرسی، رضی الدین، مکارم اخلاق، ترجمه راشدی، انتشارات صبح پیروزی، ۱۳۹۶ ه. ش.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، سال چاپ: ۱۳۸۷ ه. ش.
۲۵. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم ۱۳۷۱ ه. ش.
۲۷. فیض کاشانی، ملا محمد، الوافی، ناشر: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۳۶۸ ه. ش.
۲۸. قائمی، علی، کتاب تشکیل خانواده در اسلام، ناشر: نشر امیری، تهران، سال چاپ: ۱۳۷۸ ه. ش.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب اصول الکافی، ترجمه، محمد باقرکوه کمره‌ای، نشر اسوه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ه. ش.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
۳۱. محمد علی رضایی اصفهانی، کتاب روابط دختر و پسر، انتشارات انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، سال ۱۳۹۰ ه. ش.
۳۲. مرحوم کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ناشر دارالحديث، قم، ۱۴۳۰ ه. ق.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، مکان نشر: قم، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۸ ه. ش.
۳۴. ملک محمودی، امیر، راهنمای ازدواج، ناشر: شهاب الدین، تاریخ نشر: ۱۳۸۸ ه. ش.
۳۵. مهدی دانشمند، کلبه عشق، ناشر: انتشارات خادم الرضا، مشهد، ۱۳۸۳ ه. ش.
۳۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، نشر آل البيت، ۱۳۲۰ ه. ق.
۳۷. نیلی پور، مهدی، کتاب راه‌های رسیدن به موفقیت و خوشبختی، ناشر: اقیانوس معرفت، سال چاپ: ۱۳۸۸ ه. ش.
۳۸. نیلی پور، مهدی، مدیریت خانواده (ازدواج)، نشر: سلسبیل، سال چاپ: ۱۳۸۷ ه. ش.
۳۹. نیلی پور، مهدی، مدیریت خانواده، ناشر: سلسبیل، سال چاپ: ۱۳۸۷ ه. ش.



کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین (علیهم السلام): راهی به سوی رزق حلال

سید علی خدیو^۱

چکیده

کار و کارآفرینی چنان مهم است که خداوند، به عنوان خالق بشر، برای رفع نیاز وی، برترین مخلوقاتش را فرستاد تا راه را نشان داده و اهمیت آن را تبیین کنند. از این رو هادیان الهی در کنار رشد معنوی، علمی و اجتماعی، فرد را تشویق به رشد در امور اقتصادی نیز می‌کردند، تا انسان در پرتو رازقیت خدای خود، رزقی کسب کند، تا خود و عیالش را از دست درازی در جلوی مردم مصون بدارد.

در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) کار به عنوان یک عبادت و از زمره جهاد قرار داده شده است تا مؤمنین دریابند که خداوند، بیتوته در مسجد به قصد عبادت و از طرفی محتاج کردن خود و خانواده به دست دیگری را نه تنها مذموم دانسته، بلکه آن شخص را ملعون و از یاران شیطان دانسته‌اند. و برای این که انسان وادار به تلاش شده و از تنبلی دوری گزینند، در قول و فعل معصوم به آن پرداخته شده است تا اهمیت جایگاه کار در نزد ایشان روشن گردد. تا هر گونه تنبلی را از وی بگیرد و چنان چه گفت برای قرب خدا گوشه نشین کرده است و برای فرار، از توجیه غلط استفاده کند، در جواب وی کسب حلال را، به عنوان بالاترین عبادات معرفی گردد. و اگر گفت: دنبال جهادم و نمی‌رسم که کار کنم، باز در جواب داشته باشیم که کار خود یک جهاد است.

۱. طلبه پایه نهم حوزه علمیه حجت بن الحسن (علیه السلام)

از طرفی متکی به خود بودن و دوری جستن از غیر را ناپسند دانسته‌اند که می‌تواند انسان را تشویق کند به سمت کارآفرینی و تولید کار، کما این که هادیان الهی داریم که هر کدام کارآفرین حرفه‌ای بوده و نیروهای دایسته‌اند جهت همکاری و پیشبرد اهداف عالیه خود.

کار و کارآفرینی از آنجا که بنی آدم را از دیگران بی نیاز می‌کند، خانواده و فقرا را نیز تحت پوشش خود قرار می‌دهد تا رضایت خداوند را با این قرض الحسنه برای خود به دست آورد کما این که نوشته شد: امیرالمؤمنین علیه السلام زمین آباد می‌کرد، و فوراً آن را وقف نیازمندان می‌کرد و اگر هم باغ و مزرعه‌ای برای خود نگه می‌داشت، باز از آن فقرا را سیر می‌کرد و این عمل را انجام نمی‌داد مگر برای جلب رضایت ربوبی.

البته لازم به ذکر است علاوه بر نیروی جسمی و قوای عاقله در کار و کارآفرینی، باز هم این انسان کامل، رزقش را بی نیاز از خداوند نمی‌دانسته و دائماً با ذکر، نماز و ادعیه مأثوره از خدای رازق طلب رزق حلال می‌کرده است. تا بدانیم کار، تلاش و یاد حق، یاوران کسب حلال ما هستند.

کلید واژه: کار، کارآفرینی، رزق حلال، سیره معصومین علیهم السلام، خلاقیت.

مقدمه

کار آن چیزی است که بواسطه آن، انسان کسب رزق می‌کند، و می‌توان گفت زمانی ثمره کار در زندگی انسان مشخص می‌شود که از رزقش نفعی حاصلش شود وگرنه آن فعل و کار ثمره‌ای برای او نداشته است، فلذا در مکاسب کار را تقسیم به واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام کرده‌اند. تا انسان از حدود خارج نشود، تا رزقی که برایش نفع و فایده دارد استفاده کند.

فایده کار به چند قسم تقسیم می‌شود: اول این که به صورت مستقیم از ثمره و فایده‌اش، عایدی کسب کند، یعنی با روزی که به واسطه کار حاصل می‌کند، خوراک، پوشاک، مسکن و مرکبی جهت رفاه نسبی حال خودش، فراهم آورد. دوم آن که به صورت غیر مستقیم از ثمره‌اش

• کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین: راهی به سوی رزق حلال

استفاده کند، به این معنا که با استفاده دیگری، باز هم روزی نصیب خودش شود، روزی ای که علاوه بر رفع نیازهای شخصی فرد، نیاز روحی و روانی وی نیز تأمین کند. به عبارت دیگر به واسطه رزق و روزی هم می شود دنیای آباد برای خود درست کرد و هم آخرتی آباد.

کسب روزی دسته دوم که به واسطه کار و کارآفرینی به دست می آید، که البته در کلام الله و کلام ائمه علیهم السلام مشهود است، تأمین نیاز عائله تحت تکفل و فقرای امت هست که همان قرض دادن به خدایی است که خود رازق بشر است و اوست که روزی می دهد دنیا و آخرت آباد. فلذا انسان می کوشد تا پیرو منویات اولیاء الله با تلاش کسب کند آن چه نیازش است و دوری کند آن چه از آن عایدی ندارد و یا او را به شیب سقوط نزدیک می کند.

کار و کارآفرینی در سیره ائمه اطهار علیهم السلام با این بیان است که این عمل پسندیده هست و یا دارای آفات و اگر پسندیده است تا چه حد ممدوح شمرده شده است، این که فعلی مورد توجه انسان کامل باشد، به تبع دنبال کنندگان سیره عملی این ابر مردان برای روهروان آنان می تواند خیری به فرد و اجتماع پیرامون بدهد و انسان را از آشفتگی نجات داد. تا بداند کارش در چه حد راه گشای جامعه اسلامی خواهد بود و اگر غیر از آن عمل شود چه عواملی جامعه را تهدید می کند.

انگیزه برای بقاء و بهشتی جاودان، یک مسلمان را وادار می دارد تا لبیک به ندای منادیان امت داده و راه سعادت را پی بگیرد، که کار و کارآفرینی اگر مورد پسند این هادیان باشد، خود راه سعادت است و اگر مورد مذمت باشد، راه عین شقاوت است و انسان را نابود می کند. از این رو کوشیده شد تا در این تحقیق بهاین سؤال پاسخ داده شود، تا سعادت و شقاوت بودن کار، برای کارآفرین روشن گردد تا با راه درست خود و جامعه را به سمت راه سعادت راهنمایی کند.

و در مسأله دیگر باید دانست، علاوه بر تلاش، تفکر و حرکت برای پیشرفت که در قالب کار و کارآفرینی گنجانده می شود، آیا در سیره ائمه اطهار علیهم السلام راهی کمکی برای کسب روزی حلال وجود دارد یا خیر؟ و اگر راهی مثل دعا هست، آیا آن به تنهایی کافی است و یا همراه با جهد و کوشش که بر پایه فکر سالم است، باید باشد؟

۱. عوامل مؤثر در کار و کارآفرینی

آموزه‌های تربیتی درباره عوامل گشایش یا تنگی رزق و روزی، بیانگر حقایق ارزشمندی است که در پرتو آنها می‌توان از زندگی دنیا توشه‌ای مناسب برای آخرت ذخیره کرد.

خداوند متعال ریشه خیر و برکت است و رحمت و مهربانی او سراسر عالم را فرا گرفته است، بنابراین هر کس متصل به این منبع شود و انرژی خود را از آن جا بگیرد، او نیز سر رشته خیر و برکت شده و به دیگران خیر و خوبی خواهد رساند. چنین کسی با در نظر داشتن این موضوع که همواره کسی هست که او را یاری رسانده و از او غافل نیست و همه عالم را به خاطر او آفریده، دارای روحی آرام، امیدوار و با نشاط است. چنین فردی همواره در زندگی موفق است. کسی که روح سالم و آرامی داشته باشد جسم او نیز سالم خواهد ماند. تحقیقات نشان داده بیشتر مشکل‌های جسمی ناشی از ناراحتی‌های روحی و تنش‌های روانی است، در این دنیای آشفته و پر رزق و برق، توجه به خدا و انجام کار نیک برای پرورش عواطف انسانی، رفع نگرانی‌ها و دلهره‌ها و احساس خوشبختی، بهترین وسیله است.

نیایش و دعا انسان‌ها را آن چنان رشد می‌دهد که جامه‌ای که وراثت و محیط به قامتشان دوخته است؛ برایشان کوتاه می‌گردد. ملاقات پروردگار ایشان را از صلح و آرامش درون لبریز می‌سازد به گونه‌ای که امواج پرتو این صلح از چهره آنان نمودار است و به هر جا که بروند آن را با خود می‌برند. نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که نیایش آثار شگفت‌آوری دارد. بیمارانی بوده‌اند که به طور ناگهانی از بیماری‌هایی همچون خوره، سرطان، عفونت کلیه و..... شفا یافته‌اند. نحوه این شفا یافتن نیز در اکثر آنان یکسان است. یک درد بسیار شدید در یک دوره‌ی زمانی نسبتاً طولانی همراه با ناامیدی و یأس و به یک باره شفا یافتن در چند دقیقه و حداکثر چند ساعت که در آن آثار بیماری به کلی محو می‌گردد. این معجزه با چنان سرعتی سلامت را به بیمار باز می‌گرداند که هرگز جراحان در طول تجربیاتشان مشاهده نکرده‌اند.^۱ عوامل گشایش روزی را می‌توان در دو بعد اعتقادی و اقتصادی دسته بندی کرد و مورد بررسی قرار داد.

۱-۱. عوامل اعتقادی

۱-۱-۱. توکل بر خداوند

توکل از ماده و کالت به معنی سپردن کارها به خدا و اعتماد بر لطف اوست، نه به این معنی که دست از تلاش و کوشش بردارد. بلکه تا آن جا که در توان دارد تلاش کند و منزلگاه‌ها را یکی بعد از دیگری با تمام توان بپیماید. اما آن چه از توان او بیرون است به خدا واگذارد و از الطاف خفیه او مدد طلبد.^۱ در قرآن کریم آمده است وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.^۲ هر که بر خدا توکل کند خدا او را بس است، همانا خدا کار خود را رساننده است به آن جا که خواهد، به راستی که خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای نهاده است. انسان باید با تمام نیرو از هر وسیله‌ای برای چیره شدن بر مشکلات بهره گرفته و در راه به دست آوردن روزی دست از تلاش برندارد. با این وجود متکی به لطف بی نهایت پروردگار باشد. طبرسی در ذیل این آیه نوشته است: یعنی کسی که امر و کار خود را به خدا واگذارد و به تدبیر و تقدیر نیکوی خدا اعتماد کند، خدا امور دنیایی او را کفایت می‌کند و ثواب بهشت به او می‌دهد. به طوری که به کسی محتاج نشود. علامه طباطبایی^۳ می‌نویسد: خدای سبحان که ولی و سرپرست بنده متوکل خویش است، او را از پرتگاه هلاکت بیرون می‌کشد و از راهی که پیش‌بینی نمی‌کند روزی می‌دهد.^۴ چنین بنده‌ای به خاطر این که بر خدای تعالی توکل کرده و همه امور خود را به او واگذار نموده هیچ چیز از کمال و نعمت‌هایی را که قدرت به دست آوردن آن را در خود می‌بیند از دست نمی‌دهد و آن چه را که امیدوار بود به وسیله سعی و کوشش خود به دست آورد خدای تعالی برایش فراهم می‌کند. زیرا او به وی توکل کرده و کسی که بر خدا توکل کند، خدا همه کاره او می‌شود. چنین مقامی تنها نصیب صالحین از اولیاء این امت می‌شود.

۱. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۲۵۶.

۲. الطلاق، آیه ۳.

۳. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۵۲۲.

پیامبر اکرم ﷺ از جبرئیل پرسیدند: توکل بر خداوند بزرگ چیست؟ عرض کرد: حقیقت توکل، دانش و آگاهی به این است که بنده نمی تواند زیانی برساند و نه سودی و نه چیزی ببخشد و نه از او باز دارد و یأس و ناامیدی از خلق است. سپس فرمود: هنگامی که بنده خدا چنین باشد جز برای خدا کاری انجام نمی دهد و امید و ترسی جز به خدا ندارد و به هیچ کس جز خدا دل نمی بندد این حقیقت توکل است.^۱

امام صادق ﷺ فرمودند: مَنْ أُعْطِيَ التَّوَكُّلَ أُعْطِيَ الْكِفَايَةَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَقُولُ فِي الْكِتَابِ: وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ^۲؛ هر کس خداوند به وی توکل عطا کند از بی نیازی بر خوردار می شود. خداوند عزوجل در قرآن می فرماید و هر که بر خدا توکل کند خدا او را بس است. و همچنین فرمودند: إِنَّ الْغَنَى وَالْعَزَّ يُجَوِّلَانِ فَإِذَا ظَفَرًا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَنَاهُ؛ توانگری و عزت پیوسته در حرکتند و هنگامی که به محل توکل برسند آن جا را وطن خود انتخاب می کنند.

شکوه و عظمت این فضیلت بزرگ یعنی توکل بر خدا در این احادیث به اندازه ای آشکار است که ما را از هر گونه توضیح بیشتری بی نیاز می سازد. به عکس توکل نکردن بر خدا و دل بستگی به اسبابی غیر از خدا انسان را از اوج عزت و قدرت پایین کشیده و او را به فردی ناتوان که توانایی انجام هیچ کاری ندارد مبدل می کند.

۱-۲. توبه و استغفار

بسیاری از گناهان مانع نزول روزی است از این رو استغفار و طلب بخشش از خداوند آمرزنده سبب گشایش درهای لطف و رحمت الهی می شود. ربیع بن صبیح می گوید: مردی نزد امام حسن ﷺ آمد و از خشک سالی گله کرد. امام حسن ﷺ فرمود: استغفار کن. مردی دیگر آمد و گفت: دعا کنید خدا پسری به من بدهد. امام فرمود: استغفار کن. عرض کردیم افرادی با نیازهای گوناگون نزد شما آمدند شما همه آنها را سفارش به استغفار کردید؟ حضرت فرمود: من این را از خود نگفتم بلکه در نتیجه تأمل در گفته خدا به دست آوردم، خدا از حضرت

۱. محمد باقر مجلسی، بحار النوار، ج ۶۸، ص ۱۳۸.

۲. محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۰۹.

• کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین: راهی به سوی رزق حلال

نوح علیه السلام حکایت می‌کند که به قوم خود فرمود: فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُدْخِلُكُمْ بُأُمُومًا وَيَبْنِي وَبَنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا! باز گفتم ای مردم از خدای خود آمرزش بخواهید که او بسیار خداوند آمرزنده‌ای است تا باران آسمان را بر شما فراوان نازل کند و شما را به مال و پسران بسیار مدد فرماید و باغ‌های خرم و نه‌رهای جاری بر شما بخشد.

حضرت علی علیه السلام در مراسم نماز باران در کوفه فرمودند: و قد جعل الله الإستغفار سبباً لدرور الرزق و جعل رحمه الخلق؛^۱ و همانا خداوند آمرزش خواستن را وسیله همیشگی فرو ریختن روزی و موجب رحمت آفریدگان قرار داد.

در جایی دیگر فرمودند: آمرزش خواهی روزی را افزایش می‌دهد، انسان با توجه به درگاه خدا پشیمانی خود را اثبات می‌کند و نشان می‌دهد نسبت به خداوند حسن نیت داشته و به آمرزش خدا امیدوار است. بدین ترتیب توجه خداوند را به خود جلب کرده و رحمت خدا را به سوی خود سرازیر می‌کند.

۳-۱-۱. سپاس‌گزاری

شکر، عامل بسیاری از افزایش نعمت‌های الهی است. خداوند متعال با صراحت اشاره فرموده است: لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛^۲ اگر سپاس نعمت به جای آورید بر نعمت شما می‌افزایم. از سخنان گهربار حضرت علی علیه السلام که می‌فرماید: مَنْ أَعْطَى أَرْبَعًا لَمْ يُحَرِّمْ أَرْبَعًا مَنْ أَعْطَى الدُّعَاءَ لَمْ يُحَرِّمْ إِيْجَابُهُ وَمَنْ أَعْطَى التَّوْبَةَ لَمْ يُحَرِّمْ الْقَبُولَ وَمَنْ أَعْطَى الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحَرِّمْ الْمَغْفِرَةَ وَمَنْ أَعْطَى الشُّكْرَ لَمْ يُحَرِّمْ الزِّيَادَةَ؛^۳ کسی را که چهار چیز دارد، از چهار چیز محروم نباشد. با دعا از اجابت کردن با توبه از پذیرفته شدن با استغفار از آمرزش گناه و با شکر گذاری از فزونی نعمت‌ها. از امام

۱. النوح، آیات ۱۰-۱۲.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳.

۳. الابرار، آیه ۷.

۴. محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۰۲.

صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ مِنْ نِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمَدَ اللَّهَ ظَاهِرًا بِلِسَانِهِ فَتَمَّ كَلَامُهُ حَتَّى يُؤْمَرَ لَهُ بِالْمَزِيدِ^۱ خدا نعمتی به بنده ای نداد که از ته دل آن را بشناسد و در آشکار و با زبان خدا را ستایش کند و سخنش تمام شود جز آن که برایش به فزونی امر شود. در جایی دیگر فرمودند: در تورات نوشته شده کسی را که به شما نعمت می دهد سپاس گوی و هر که از تو سپاس گزاری می کند، بخشش کن زیرا با سپاس گزاری نعمت ها از بین نمی روند و اگر ناسپاسی کنی باقی نمی مانند. سپاس گزاری مایه افزودنی نعمت ها و ایمن ماندن از پیش آمدهای روزگار است، هنگامی که انسان قدردان منعم باشد و از او سپاس گزاری کند رحمت آفریدگار را به خود جلب کرده و در نتیجه از رحمت خدا بر خوردار می شود.

۴-۱-۱. دعا کردن

یکی دیگر از اسباب فراوانی روزی، دعا کردن است. خداوند دوست دارد، بندگان در همه حال با او ارتباط داشته و از فضل و کرمش درخواست کنند. این آیه شریفه: وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ^۲ به همین معنا اشاره دارد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّيْكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدِيرُ أَرْزَاقَكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ. یعنی آیا شما را راهنمایی نکنم بر سلاحی که شما را از دشمنانتان رهایی بخشیده و روزی تان فراوان می سازد؟ گفتند: بلی. فرمود: پروردگارتان را شب و روز بخوانید؛ زیرا دعا سلاح مؤمن است.^۳ حضرت علی علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: وَ سَأَلْتُهُ مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِهِ مَا لَا يَقْدُرُ عَلَى اعْطَائِهِ غَيْرُهُ مِنْ زِيَادَةِ الْأَعْمَالِ وَ صَحَةِ الْأَبْدَانِ وَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ. ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَدْنَى لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَةٍ فَتَنِي شَيْءٌ اسْتَفْتَحْتُ بِالْدُّعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ وَاسْتَمْطَرْتُ شَائِبَ رَحْمَتِهِ^۴ از گنجینه های رحمت او چیزهایی را درخواست کن که جز او کسی نمی تواند عطا کند. مانند: عمر بیشتر،

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۵.

۲. النساء، آیه ۳۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، جلد ۲، صفحه ۴۶۸.

۴. سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

- کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین (ع): راهی به سوی رزق حلال

تن درستی بدن و گشایش روزی، سپس خداوند کلید گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داده که به تو اجازه‌ی دعا کردن داد. پس هرگاه اراده کردی می‌توانی با دعا درهای نعمت خدا را بگشایی تا باران رحمت الهی بر تو ببارد.

۵-۱-۱. خواندن نماز شب

امام صادق (ع) در این مورد می‌فرماید: صَلَاةُ اللَّيْلِ تَحْلِبُ الرِّزْقَ؛ 'نماز شب روزی را جلب می‌کند. از سخنان گهربار امام رضا (ع) است که می‌فرمودند: همیشه نماز شب بخوانید زیرا مایه‌ی احترام به پروردگار است، روزی را سرازیر و روی را زیبا می‌کند و سبب تضمین روزی است.^۲ نماز شب موجب جلب عنایات خداوند و آرامش روانی شده و انسان را نزد مردم محبوب می‌کند. همین محبوبیت و داشتن آرامش موجب به دست آوردن روزی بیشتر و جلب حمایت دیگران می‌شود. نماز شب دارای آثاری فراوان است، یکی از آنها توسعه در روزی است. امام صادق (ع) فرمود: نماز شب انسان را نورانی می‌کند، بوی انسان را خوش و روزی جذب می‌نماید.^۳ و در سخنی دیگر فرمود: دروغ می‌گوید کسی که نماز شب می‌خواند حال آن که گرسنه است، زیرا نماز شب روزی روز را تضمین می‌کند، إِنَّ صَلَاةَ اللَّيْلِ تَضْمِنُ رِزْقَ النَّهَارِ.^۴ هنگامی که بنده‌ای برای نماز شب بر می‌خیزد از راست و چپ خواب به سراغش می‌آید و گاهی در اثر خواب چانه‌اش به سینه‌اش می‌چسبد، خداوند فرمان می‌دهد: درهای آسمان گشوده شود سپس به فرشتگان خود دستور می‌دهد بنگرید به این بنده‌ام که برای تقرب جستن به من چه می‌کند. او از من سه چیز را انتظار دارد، گناهانش را بیامرزم، توبه‌اش را بپذیرم و روزیش را زیاد کنم. ای فرشتگان من شاهد باشید که هر سه را به او دادم.^۵

۱. محمد حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۲۷۱.

۲. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۳۱.

۳. محمد بن علی صدوق، ثواب الاعمال، ص ۴۱.

۴. محمد حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۱۵۸.

۵. محمد بن علی صدوق، ثواب الاعمال، ص ۴۲.

۱-۶. خوش اخلاقی

ابراهیم بن ابی رجاء روایت کرده است از امام صادق علیه السلام که فرمودند: خوش اخلاقی روزی را زیاد می‌کند.^۱ از سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام است: در سایه‌ی خوش اخلاقی روزی فراوان می‌شود، اخلاق نیکو، روزی را زیاد می‌کند و مایه‌ی انس با دوستان می‌گردد؛ بخشنده و خوش اخلاق باشید زیرا بخشنده‌گی و خوش اخلاقی مایه‌ی افزایش روزی هستند و باعث دوستی و محبت می‌گردند. گنج روزی در زیر گستردگی اخلاق و خوش اخلاقی پنهان است.^۲

انسان خوش اخلاق می‌تواند همه را به خود جذب کرده، رابطه‌اش را محکم و استوار گرداند، در نتیجه از حمایت آنان برخوردار می‌شود به دلیل محبوبیت و اعتباری که دارد. در همه امور به ویژه امور بازرگانی با آن‌ها همکاری کرده و از وسعت روزی برخوردار می‌گردد. انسان خوش اخلاق نسبت به همه‌ی آن چه خداوند به او داده خشنود و سپاس گذار بوده و احساس بی نیازی می‌کند. همین خشنودی سبب ریزش برکت‌های الهی می‌شود.

۱-۲. عوامل اقتصادی

۱-۲-۱. صدقه دادن

صدقه دادن و کمک به نیازمندان تأثیر بسیاری در جلب روزی دارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ؛^۳ روزی را با صدقه دادن فرود آورید. همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: بیماران خود را با صدقه دادن درمان کنید و بلا را با دعا دور کنید، روزی را با صدقه فرود آورید زیرا صدقه دادن ضربه‌ای به چانه‌ی هفت صد شیطان است و دوفک آن‌ها را از هم جدا می‌کند چیزی برای شیطان سنگین‌تر از صدقه دادن به مؤمن نیست.

صدقه پیش از رسیدن به دست بنده به دست پروردگار می‌رسد، صدقه دادن نوعی کمک

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶.

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم، صص ۲۵۵-۳۷۸.

۳. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۳۷.

• کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین (ع): راهی به سوی رزق حلال

به نیازمندان است که موجب جلب توجه خداوند می شود. همچنین با این کار انسان به یاد محرومان افتاده و می کوشد در مخارج زندگی راه میانه روی را در پیش گیرد. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: إِذَا أَمَلَقْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ؛ یعنی هرگاه تهی دست شدید به وسیله صدقه با خدا معامله کنید. در مورد دستگیری از نیازمندان باید توجه داشت که حق اولویت با خویشاوندان است. حضرت امیر (ع) فرمودند: صدقه ی نیکو، دین انسان را قضا کرده و از خود برکت بر جای می گذارد. صدقه ی نیکو، صدقه ای است که منت دنبال آن نباشد، کریمانه پرداخت گردد و سبب ذلت و خواری گیرنده آن نشود و به صورت سری پرداخت گردد. صدقه نه تنها باعث نقص در اموال نمی گردد بلکه سبب برکت و افزایش مال می شود.

۲-۲-۱. قرض دادن

یکی از اسباب فرود آمدن رحمت خدا قرض دادن به افراد نیازمند است، این کار پسندیده موجب خشنودی خداوند می شود. در واقع خداوند وام دادن به افراد نیازمند را قرض دادن به خودش دانسته و می فرماید: مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^۱ یعنی کیست که به خدا قرض الحسنه ای بدهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید و خداست که محدود یا گسترده می کند و به سوی او باز گردانده می شوید. قرض دادن به افراد نیازمند افزون بر پاداش اخروی موجب افزایش روزی نیز می شود. خداوند در این آیه یاد آوری می کند که تنگی و گشایش روزی به اوست.

انسان با این کار پسندیده قرض الحسنه می تواند اسباب گشایش روزی را برای خود فراهم سازد، قرض دادن نوعی پس انداز سرمایه است. از سوی دیگر هنگامی که انسان برای حل مشکل های دیگران گام بر می دارد و گره از کار فرو بسته ای باز می کند، خداوند درهای رحمت خود را به روی وی باز می کند. همچنین موجب می شود در هنگام نیازمندی مردم به یاری از او شتافته و از حمایت مالی آنان برخوردار گردد.

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲. البقره، آیه ۲۴۵.

۱-۲-۳. پرداختن زکات و حقوق واجب مالی

امام باقر^{علیه السلام} می فرماید: الزکاه تزید فی الرزق^۱؛ دادن زکات، روزی را می افزاید. همچنین امام کاظم^{علیه السلام} نیز فرمودند: همانا خداوند زکات را غذای نیازمندان و مایه ی فراوانی دارایی شما قرار داده است.^۲ انسان با پرداخت حقوق واجب مالی، افزون بر به دست آوردن خشنودی خداوند و دعای نیازمندان، نوعی مدیریت اقتصادی را در زندگی به کار می بندد. متوجه می شود که مالش را در چه راهی و چگونه مصرف کند، در نتیجه همین سرمایه گذاری و درست مصرف کردن دارایی موجب گسترش و برکت روزی می شود.

۱-۲-۴. قناعت

امیر المؤمنین علی^{علیه السلام} چه زیبا می فرمایند: أَنْعُمَ النَّاسُ عَیْشًا مَنْ مَنَحَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْقَنَاعَةَ وَ أَصْلَحَ لَهُ زَوْجَهُ؛ خوش ترین زندگی را کسی دارد که خداوند سبحان قناعت ارزانی اش دارد و همسری پاک و شایسته نصیبش گرداند.^۳ و نیز امام صادق^{علیه السلام} می فرماید: هر که خواهان روزی کم باشد همان سبب جلب روزی بسیار می گردد.^۴

قانع بودن به آن چه زندگی انسان را کفایت می کند موجب ایجاد احساس بی نیازی و آرامش است، همچنین کسی که در زندگی اش قناعت می ورزد، روش درست مصرف کردن را پیاده می کند. نعمت های خدا را هدر نداده و در بهره برداری از آن ها صرفه جویی می کند. همین صرفه جویی موجب ذخیره شدن دارایی و استفاده از آن در هنگام نیاز می شود.

۱-۲-۵. مشارکت و دوستی با کسانی که روزی فراوان دارند

حدیثی از رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله} نقل شده که فرمودند: تَلْتَمِسُوا الرِّزْقَ مِمَّنْ اكْتَسَبَهُ مِنَ السَّنَةِ الْمُتَوَازِينَ وَ

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۸.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۳۲۹۵.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۱۱.

- کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین (ع): راهی به سوی رزق حلال

رئوس المكائيل ولكن عند من فتحت عَلَيْهِ الدُّنْيَا یعنی روزی خود را در دست کسانی بجوید که خودشان روزی خود را از زبانه‌های ترازو به دست می‌آورند، بلکه روزی خود را نزد آنانی بجوید که دنیا به آنها رو کرده است.

از حضرت علی (ع) روایت شده که فرمودند: شاركوا الذی قد أقبل عَلَيْهِ الرِّزْقُ فَإِنَّهُ أَخْلَقَ لِلْغِنَى وأَجْدَرَ بِاقْبَالِ الْحِظِّ^۱، با کسی که روزی فراوان به او رو کرده است همکاری کنید. چنین مشارکتی به بی نیازی بیشتر سازگار است و سزاوارتر است به بهره‌ی فراوان بردن. هنگامی که انسان با افراد پر روزی نشست و برخاست می‌کند به نوعی می‌خواهد خود را مانند آنان کند در نتیجه برای این خواسته، تلاش بیشتری می‌کند تا از امکانات فراوان تری برخوردار گردد. همچنین در اثر مشارکت با این افراد با روش‌های به دست آوردن روزی بیشتر و راه کارهای موفقیت‌آمیز آشنا شده و تلاش می‌کند از تجربه آنان استفاده کند.

۶-۲-۱. برنامه‌ریزی

همچنان که تدبیر و برنامه‌ریزی در زندگی، نشان کمال شخصیت آدمی و از اسباب فزونی روزی است، در نقطه مقابل آن، بی تدبیری و بی برنامه‌گی در زندگی، باعث تهیدستی می‌شود. امام علی (ع) همین نکته را از جمله عوامل فقر آور دانسته‌اند. وَتَوَكَّلْ التَّقْدِيرَ فِي الْمُعِيشَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ^۲؛ برنامه‌ریزی نکردن و عدم اندازه‌گیری در معاش، موجب فقر می‌شود.

همچنین آن امام همام می‌فرماید: حُسْنُ التَّذْوِيرِ يَنْمِي قَلِيلَ الْمَالِ وَسُوءُ التَّذْوِيرِ يَفْنِي كَثِيرَهُ^۳؛ برنامه‌ریزی نیکو در امور اقتصادی، مال اندک را افزایش می‌دهد و برنامه‌ریزی بد، مال فراوان را نابود می‌کند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۸۶.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۳۰.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، جلد ۶۸، صفحه ۳۴۷.

۴. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۱، صفحه ۳۴۵.

۳-۱. عوامل وسعت رزق و روزی

رزق و روزی بخشش‌هایی است که خداوند به انسان در دنیا و آخرت می‌دهد تا بدان نیازهای مادی و معنوی خود را پاسخ دهد، البته واژه رزق بیشتر در امور مادی به کار می‌رود و از همین روست که برخی‌ها رزق را تنها به معنای غذا، طعام، خوراکی‌ها، نوشیدنی‌ها و قوت روزانه می‌دانند، که وارد شکم می‌شود و به نیازهای جسمی انسان پاسخ می‌دهد. اما مفهوم رزق و روزی فراتر از این مقولات است و همه ضروریات زندگی را شامل می‌شود. زندگی انسان در دنیا و آخرت برپایه رزق ساماندهی می‌شود، از همین رو مهم‌ترین و اصلی‌ترین دغدغه انسان را تشکیل می‌دهد.

از آن جایی که رزق و روزی از سوی خداوند تعیین و مشخص می‌شود، هر کسی بر آن است تا بداند چگونه می‌تواند از کاهش آن رهایی یابد و شیوه‌های افزایش آن را به دست آورد. از این رو، بر اساس آموزه‌های وحیانی اسلام پاسخ اسلام را درباره علل و عوامل افزایش رزق و روزی به صورت مختصر تبیین خواهد شد.

رزق، واژه عربی است که در فارسی به روزی، ترجمه می‌شود. رزق در فرهنگ قرآن همه عطایای جاری دنیا و آخرتی است که از سوی خداوند به انسان و یا هر موجودی بخشیده می‌شود. البته برخی آن را تنها در دایره محدود، غذا، طعام، خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و قوت روزانه یعنی هر آنچه که وارد شکم می‌شود، معنی می‌کنند.^۱ به نظر می‌رسد که روزی همه آن چیزی است که موجود زنده به عنوان ضروریات زندگی به آن نیاز دارد.^۲

بر اساس آموزه‌های وحیانی قرآن، خداوند می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ،^۳ روزی و رزق تنها در دست خداوند است و خداوند است که روزی هر کسی را در اختیارش قرار می‌دهد، در هستی جز خداوند روزی دهنده نیست و خداوند روزی انسان را از آسمان و زمین تامین می‌کند؛ خداوند به حکم الوهیت خود، خالقیت خود و ربوبیت خود، روزی موجودات

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۳۵۱.

۲. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۰۸۹۴.

۳. الذاریات، آیه ۵۸.

• کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین: راهی به سوی رزق حلال

از جمله انسان را تامین می‌کند.^۱ و در سوره بقره آیات ۲۱ و ۲۲ و همچنین ی سوره سبأ آیات ۳۶ و ۳۹ خداوند روزی را بر اساس قدرت و علم تقسیم می‌کند و با همین میزان، روزی را بسط و قبض می‌دهد. بنابراین تفاوت روزی انسان‌ها بر اساس حکمت و علم و آگاهی خداوند به احوال بندگان و مشیت و تدبیر الهی در حق بندگان است، که قرآن کریم این امر را در آیات رعد آیه ۲۶، اسراء آیه ۳۰ و عنکبوت آیه ۶۲؛ روم، آیه ۳۷ مورد اشاره قرار داده است. ولی باید به این نکته توجه داشت که هرگز این تفاوت در رزق به معنای تفاوت در شرافت نیست، از همین رو لازم است تا علی‌رغم تفاوت‌ها در ثروت و فقر مساوات در میان انسان‌ها مراعات شود.^۲

هر بهره‌ای که بندگان به عنوان روزی استفاده می‌کنند، همگی از خدا و بر اساس تدبیر و مشیت الهی است، با این حال چه عواملی را می‌توان مؤثر در افزایش روزی دانست؟ عواملی را می‌توان ذکر کرد که همراه با عمل مؤثر در کسب و افزایش روزی باشند مثل سحرخیزی که پیامبر ﷺ این باره می‌فرماید: باکروا طلب الرزق والحوائج فان الغدو برکه و نجاح؛^۳ در پی روزی و نیازها سحرخیز باشید؛ چرا که حرکت در آغاز روز و سحرخیزی مایه برکت و موفقیت است. همچنین می‌توان اموری مثل کفر را مانع کسب روزی دانست. از همین رو خداوند در آیه ۳۲ سوره اعراف می‌فرماید: که در قیامت کافران از رزق پاک محروم خواهند شد؛ چرا که کفر یکی از عوامل محرومیت از رزق پاک در آخرت خواهد بود. تعبیر طیبات و رزق پاک، خود گواهی بر مساله کیفیت رزق در بیان علل و عوامل است. پس بهره‌مندی و برکت یافتن همان چیزی است که ما از آن به عوامل افزایش یا کاهش یاد می‌کنیم. برای جواب سؤال، عوامل مؤثر در کسب و افزایش روزی، به اختصار توضیح داده خواهد شد:

۱. الفاطر، آیه ۳.

۲. النحل، آیه ۷۱.

۳. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۷، ص ۱۹۴، حدیث ۷۲۵۰.

۱-۳-۱. عدالت

عدالت از اصول مذهب تشیع است و بنا بر اعتقاد متکلمین و علمای دین و مذهب، این عالم بر اساس عدالت بنا شده است که می توان گفت: هر فعلی که بشر انجام دهد و خارج از عدالت باشد، به دلیل منظم بودن هستی، باعث برون رفت از نظام احسن الهی می شود. چون آن چه خارج از عدالت باشد وارد در محدوده ظلم شده، پس کج راهی و ظلم، گریبان خود فرد و جامعه اطرافش را خواهد گرفت. شاید بر این اساس است که امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی نیاز می شوند و به اذن خداوند متعال، آسمان روزی خود را فرو می فرستد و زمین برکت خویش را بیرون می ریزد.^۱ از این رو باید تمام افراد جامعه خود را مسئول دانسته و در جهت جامعه ای منظم و پراز عدالت حرکت کرده و از ظلم دوری گزینند.

۱-۳-۲. خوش خویی

از دیگر لوازم افزایش رزق را، می توان خوش رویی نامید. چنان که مولا علی علیه السلام در این باره می فرماید: فی سعه الاخلاق كنوز الارزاق؛^۲ گنج های روزی در وسعت اخلاق نهفته است. که در اینجا می توان به دو جنبه خوش رویی در جامعه و خانواده نام برد. از این جهت که حتی اگر در خانواده، انسان خوشرو باشد خداوند برکاتش را نازل می کند و موجب افزایش روزی اش می گردد. برای این مورد نیز می توان به حدیثی از صادق آل محمد علیه السلام اشاره کرد که فرمودند: مَنْ حَسَنَ بِرُّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ زَيْدٌ فِي رِزْقِهِ،^۳ کسی که به خانواده اش خوب احسان کند، روزی اش زیاد می شود.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۶۸.

۲. همان، ج ۸، ۲۳.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۰.

۱-۳-۳. نیت خوب

نیت نیکو و خوب داشتن که برآمده از فکری سالم و از نشانه‌ها ایمان و اخلاص می‌باشد نیز می‌تواند یکی از لازمه‌های فزونی نعمت و رزق الهی باشد. نیت خوبی که مکمل خوشرویی برای مؤمن است در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام به آن چنین اشاره شده است: انسان با نیت خوب و اخلاق خوب به تمام آنچه در جستجوی آن است، از زندگی خوش و امنیت محیط و روزی زیاد دست می‌یابد.^۱ یعنی علاوه بر رزق زیاد که مورد بحث است، امنیت محیط و هر آنچه در جستجویش است نصیبش می‌شود. و چه نیکوست انسان طالب همه نیکی‌ها باشد. در کلامی دیگر امام باقر علیه السلام هست که می‌فرماید: من حسنت نیته زید فی رزقه،^۲ هر که خوش نیت باشد، روزی‌اش افزایش می‌یابد. با این حال در می‌یابیم که هم حال خوب و هم وسعت رزق در گرو نیت خوب است.

۱-۳-۴. صله رحم

یکی دیگر از عوامل افزایش رزق و روزی را می‌توان صله رحم دانست. برای این ادعا می‌توان تمسک کرد به کلام امام صادق علیه السلام که فرمودند: صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسْمِعُ الْكَفَّ وَ تُطِيبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنَسِّي فِي الْأَجَلِ، صله رحم انسان را خوش اخلاق، با سخاوت و پاکیزه جان می‌نماید و روزی را زیاد کند و مرگ را به تأخیر می‌اندازد^۳، از این رو می‌توان دریافت که یکی از مزیت‌های اصلی صله رحم، افزایش روزی می‌باشد. شاید از عوامل آن این باشد که با صله رحم و هم فکری اقوام و دوستان گرهی از کاری باز شده و موجبات ایجاد شغلی فراهم شود.

۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم، ح ۱۰۷۰۷.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار النوار، ج ۷۵، ص ۱۷۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۶.

۵-۳-۱. زیارت قبر سید الشهداء^{علیه السلام}

زیارت قبر امام حسین^{علیه السلام} از با برکت ترین عوامل رشد بنی آدم در دنیا و آخرت است. چنان که روایات زیادی به آن اشاره کرده اند. اما در مورد رزق که مورد بررسی است نیز می توان به این زیارت جامع تمسک بسته و دریچه ای برای فرار از تنگی معاش جست. برای اثبات کلام می توان به سخن امام صادق^{علیه السلام} اشاره کرد که می فرماید: زیارت امام حسین^{علیه السلام} را رها نکن و دوستان خود را هم به آن سفارش کن، که در این صورت خداوند عمرت را طولانی و روزی ات را زیاد می کند و زندگی ات را همراه با سعادت می کند و نام تو را در شمار سعادتمندان ثبت می کند.^۱ با این کلام نورانی می توان دریافت که تمام عیش دنیا از طول عمر و سعادت گرفته تا افزایش روزی را می توان با این زیارت کسب کرد. برای این که بدانیم دلیل این شگفتی چه چیزی است می توان به فرمایش امام باقر^{علیه السلام} تمسک کرد که چنین فرمودند: حسین، بزرگ مرد کربلا، مظلوم و رنجیده خاطر و لب تشنه و مصیب زده به شهادت رسید، پس خداوند به ذات خود قسم یاد کرد که، هیچ مصیبت زده و رنجیده خاطر و گنه کار و اندوه ناک و تشنه ای و هیچ بلا دیده ای به خدا روی نمی آورد و نزد قبر حسین^{علیه السلام} دعا نمی کند و آن حضرت را به درگاه خدا شفیع نمی سازد، مگر این که خداوند اندوهش را بر طرف و حاجاتش را برآورده می کند و گناهش را می بخشد و عمرش را طولانی و روزی اش را گسترده می سازد، پس ای اهل بینش، درس بگیرید.^۲ با این حال نیکو است هم زیارت با معرفت انجام بگیرد و هم جهت رشد مادی و معنوی از آن استفاده کرد.

۶-۳-۱. صداقت در گفتار و انصاف در رفتار

علاوه بر موارد ذکر شده، با صداقت در گفتار و انصاف در رفتار نیز می توان موجبات افزایش روزی را فراهم کرد. برای این ادعا نیز به روایت پیامبر^{صلی الله علیه و آله} می توان اشاره کرد که می فرماید: هر کس راستگویی در گفتار، انصاف در رفتار، نیکی به والدین و صله رحم نماید، اجلش

۱. محمد ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۲۸۶.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۶۴.

- کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین: راهی به سوی رزق حلال

به تاخیر می‌افتد، روزی‌اش زیاد می‌گردد، از عقلش بهره‌مند می‌شود و هنگام سؤال ماموران الهی، پاسخ لازم به او تلقین می‌گردد.^۱

۷-۳-۱. تقوای الهی

بنابر قول خدای تعالی که فرمود: **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ** ان الله با امره قد جعل الله لكل شيئاً قدراً و شأن نزول این آیه برای برون رفت از مشکل اقتصادی و دیگر گرفتاری‌ها شفاresh به تقوای الهی شده است. که انسان باید از بدی‌ها فرار کند و توکل به خدا داشته باشد تا گشایش برایش می‌سد و رزقش حاصل آید اما باید توجه داشت که این پرهیزکاری باید همراه شود با عمل، چنان چه در حدیثی به نقل از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: **جمعی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی آیه **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ** نازل شد، درها را به روی خود بستند، و رو به عبادت آوردند و گفتند: خداوند روزی ما را عهده دار شده، این جریان به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، کسی را نزد آنها فرستاد که چرا چنین کرده‌اید؟ گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چون خداوند روزی ما را تکفل کرده و ما مشغول عبادت شدیم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **انه من فعل ذلك لم يستجب له، عليكم بالطلب** هر کس چنین کند دعایش مستجاب نمی‌شود، بر شما باد که تلاش و طلب کنید.^۲ همچنین درباره اثر افزایش روزی در تقوا و صله رحم در حدیث دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که فرمود: **مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبَسِّطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَجَلِهِ فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ،** هر کس دوست دارد که عمرش طولانی و روزی‌اش زیاد شود، تقوای الهی پیشه کند و صله رحم نماید.**

۸-۳-۱. نماز

نماز به عنوان یک وظیفه شرعی و از طرفی نشانه یک مسلمان در تمام جوانب زندگی فرد

۱. حسن بن محمد دیلمی، اعلام الدین، ص ۲۶۵.

۲. الطلاق، آیات ۲-۳.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۳۶.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار النوار، ج ۴۷، ص ۱۰۲.

می تواند مؤثر باشد. که از جمله آثار آن می توان به برکت در روزی اشاره کرد، برای این موضوع حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است که می فرماید: **الصَّلاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَفِيهَا مَرَضَةُ الرَّبِّ عَزَّوَجَلَّ وَهِيَ مِنْهَا جُأُ النَّبِيَاءِ وَلِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَهُدًى وَإِيمَانٌ وَنُورُ الْمَعْرِفَةِ وَبَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ؛** نماز آیین های دین است و رضای پروردگار در آن است و آن راه پیامبران است. برای نمازگزار محبت فرشتگان، هدایت، ایمان، نور، معرفت و برکت در روزی است. با این حال بر عاقل است که اهتمام به نماز داشته باشد هم به عنوان یک فریضه و هم به عنوان تشکر از نعمات الهی و هم این که نماز موجب برکت در روزی است.

۹-۳-۱. امانت داری

در بازار یکی از اموری که زیاد به آن زیاد توجه می شود این است که آنکس که امانت دار خوبی باشد شخصیت صادقی نزد بازاریان دارد و البته این سرمایه امانت داری باعث جلب شریک در کسبش می شود و رزقش رو به رونق می رود. و البته خلاف آن یعنی خیانت در امانت نیز آورنده فقر است. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: امانت داری روزی می آورد و خیانت در امانت فقر می آورد.^۱ و همچنین در کلام دیگر از امام موسی کاظم علیه السلام نیز در این باره هست که می فرماید: ادای امانت و راست گویی، روزی را زیاد می کند و خیانت و دروغ گویی باعث فقر و نفاق می شود.^۲ این مورد چنان دارای ارزش است که خداوند در آیات سوره مؤمنون از نشان های مؤمن امانت داری می داند.

۱۰-۳-۱. ظاهر آراسته و نظافت

همان طور که خداوند رزاق است و زیبایی را دوست دارد، او دوست دارد که شکرگزاری بنده اش بابت کسب روزی نیز ببیند و آن در او نمایان باشد. به قول معروف: شکر نعمت

۱. ابراهیم بن علی کفعمی، الخصال، ص ۵۲۲، ح ۱۱.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار النوار، ج ۷۸، ص ۶۰.

۳. همان، ص ۳۷۲.

- کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین (ع): راهی به سوی رزق حلال

نعمت افزون کند، کفر، نعمت از کفّت بیرون کند.^۱ که در تفسیر کلام پروردگار آورده است که فرمود: **وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ**^۲ با این تفسیر که ظاهر آراسته یک نوع شکر نعمت است و شکر نعمت هم موجب افزایش رزق می‌گردد. و نیز در روایتی از امام صادق (ع) به روشنی بیان شده است که می‌فرماید: خداوند زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و از فقر و تظاهر به فقر بیزار است، هرگاه خداوند به بنده‌ای نعمتی بدهد، دوست دارد اثر آن را در او ببیند، عرض شد چگونه؟ فرمودند: لباس تمیز بپوشد، خود را خوشبو کند، خانه‌اش را گچ کاری کند، جلوی در حیاط خود را جارو کند، حتی روشن کردن چراغ قبل از غروب خورشید فقر را می‌برد و روزی را زیاد می‌کند.^۳ پیامبر اسلام (ص) خشنودی و رضایت مندی را از عوامل برکت بخشی به روزی دانسته و می‌فرماید: هرکس روزی‌ای دارد، که حتماً به او خواهد رسید. پس هرکس به آن راضی شود، برایش پر برکت خواهد شد و او را بس خواهد بود و هرکس به آن راضی نباشد، نه برکت خواهد یافت و نه او را بس خواهد بود. روزی در پی انسان است آن گونه که اجلش در پی اوست.^۴

نظافت و بهداشت هم مانند ظاهر آراسته می‌تواند در افزایش روزی مؤثر باشد. برای این مقوله به کلام امام صادق (ع) اشاره می‌شود که فرمود: شستن ظروف و جارو زدن جلو در منزل، باعث جلب روزی می‌شود^۵، جالب است که اسلام توجه به چنین نقاط ریزی کرده تا انسان را هم از جهت روحی و هم جسمی پاک کرده و خوراک مادی و معنوی به او بنوشاند چنان که گفته شد این امور چطور در کسب روزی مؤثرند.

۱۱-۳-۱. سفر و هجرت

همان طور که برای کسب علم، به سفر کردن اشاره شده، برای کسب روزی حلال نیز به

۱. جلال الدین محمد بلخی، معنوی مثنوی، بخش ۴۷.

۲. الابراریم، آیه ۷.

۳. محمد بن علی طوسی، امالی طوسی، ص ۲۷۵.

۴. حسن بن محمد دیلمی، اعلام الدین، ص ۳۴۲.

۵. محمد بن قولویه صدوق، الخصال، ص ۴۵.

هجرت اشاره شده است و آن چنان که بر می آید روزی برخی از انسان ها در گرو مهاجرت و کار در محل دیگر است. چنان که دیده می شود در جامعه کنونی میلیون ها نفر از جمعیت ایران در شهرهای دیگر مشغول به ارتزاقند. برای این مورد لازم است که از کلام امام علی علیه السلام بهره برده که فرموده است: برای کسب بلند مرتبگی، از وطن خود دور شو و سفر کن، که در مسافرت پنج فایده است: برطرف شدن اندوه، بدست آوردن روزی و دانش و آداب زندگی و همنشینی با بزرگواران.^۱

۱۲-۳-۱. نومیدی از غیر خدا

خداوندی که خود مالک وجود است، خود نیز مالک و صاحب روزی است و اوست که به هر کس بخواهد روزی می دهد، با توجه به این کلام نومیدی از غیر خدا یعنی امید به توکل خاصه خداست و اینجاست که اسباب کسب و افزایش روزی فراهم می آید. همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: هر کس از غیر خدا ببرد، خداوند هزینه زندگی او را تأمین می کند و از جایی که انتظار ندارد، روزی اش می دهد؛ اما هر کس چشم امیدش به دنیا باشد، خداوند او را به دنیا وا می گذارد.^۲ که در ذیل آیات سوره طلاق که در بحث تقوای الهی آمد به آن نیز اشاره شده است.

۱۳-۳-۱. استغفار و توبه

در مباحث گذشته عواملی ذکر شد که در افزایش و کاهش روزی دخیل بود: از جمله عدالت و دوری از ظلم، تقوا و دوری از گناه و نیت خوب و... که اگر بیشتر توجه داشته باشیم با نیرویی خاص می توان علل کاهش روزی را با نیرو محرکه ای به نام استغفار و توبه عقب راند و عوامل افزایش روزی را مؤثرتر کرد. استغفار و توبه چون اول از ذهن انسان سرچشمه می گیرد و آن را در نیت و سپس در عمل نمودار می کند به راحتی باعث رشد مادی و معنوی انسان می تواند

۱. حسین بن محمد تقی محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۱۵.

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، حدیث ۳۰۰۴.

- کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین: راهی به سوی رزق حلال

باشد. چنان چه در آیات و روایات متعدد استغفار و توبه را از عوامل دفع بلا و افزایش روزی دانسته‌اند. بنا بر روایتی که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که فرمودند: الاستغفار یزید فی الرزق؛ استغفار روزی را زیاد می‌کند، پیدا است که جهت افزایش رزق علاوه بر عوامل دیگر آمادگی روحی که شامل استغفار و توبه است باید در انسان تقویت شود.

۴-۱. اذکار و ادعیه جهت افزایش روزی

هم‌چنان که انسان برای کسب روزی صبح‌گاهان از منزل بیرون می‌رود تا خدا آن چه روزی اش کرده نصیبش شود، لازم است به موارد معنوی هم مختصراً اشاره کرده و چند مورد از اذکار و ادعیه جهت افزایش روزی خدمت خوانندگان این پژوهش تقدیم گردد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ای علی «یس» را بخوان که در آن ده اثر است: هر که آن را قرائت کند: اگر گرسنه باشد سیرگردد، اگر تشنه باشد، سیراب گردد؛ اگر عریان باشد، پوشانیده گردد؛ اگر عزب باشد، ازدواج کند؛ اگر ترسان باشد، امنیت یابد؛ اگر مریض باشد، عافیت یابد؛ اگر زندانی باشد، نجات یابد؛ اگر مسافر باشد، در سفرش یاری شود؛ نزد میت خوانده نمی‌شود مگر اینکه خدا بر او آسان گیرد؛ اگر گمشده داشته باشد، گمشده‌اش را پیدا کند.^۲

هر که تا ۴۰ روز سوره‌های واقعه، مزمل، لیل و انشراح را روزی یک بار به همین ترتیب به جهت ادای دین و وسعت رزق بخواند، مجرب است و بعد از خواندن چهار سوره در هر روز این دعا را بخواند: یا رازق السائلین، یا راحم المساکین، یا ولی المؤمنین، یا غیاث المستغیثین، یا ارحم الراحمین، صل علی محمد و آل محمد، واکفنی بجلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عن سواک یا له العالمین وصل علی محمد و آله اجمعی.

روایت شده هر که خواهد روزی بر او فراخ گردد و حاجت او روا شود، شنبه یا شب جمعه و یا روز جمعه رو به قبله کند، اول سوره فاتحه را بخواند و بعد شروع به خواندن سوره انعام

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۱.

۲. ابراهیم بن علی کفعمی، المصباح، ص ۱۸۲.

کند، تا آیه ۱۲۴ یعنی: مثل ما اوقی رسل الله، سپس بلافاصله برخیزد و دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ۷ مرتبه سوره حمد + ۷ مرتبه آیه الکرسی + ۷ مرتبه کوثر بخواند و بعد سر به سجده نهاده و ۷۰ بار لا اله الا الله بگوید، آن گاه حاجت خود را بخواهد، که ان شاء الله به قدرت خداوند بر آورده شود. برای امر معیشت و وسعت در مال و منال و پر رزق بودن، من حیث لا یحتسب، به طوری که عقول و افکار از کیفیت آن عاجز باشند. مداومت به این ۴ سوره: الذاریات، طلاق، مزمل، الم نشرح، به طور مستمر در هر روز مجرب است و اگر یک روز فوت شود، شب قضا نماید، این عمل تجربه شده است و از مجربات می باشد.

روایت شده است هر کس در وقت صبح قبل از تکلم، ۳ بار آیه اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تكون لنا عیداً اولینا و آخرنا و آیه منک و ازرقنا و انت خیر الرازقین را بخواند، روزی او از جایی که گمان نبرد برسد.

منقول است که هر کس پیش از صبح برخیزد و عنبر بخورد و هزار و یک بار این آیه را بخواند: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ^۱ و تا یک هفته به این صورت عمل کند، مقصودش به عمل می آید، مخصوصاً اگر خواسته او وسعت رزق و تحصیل مال حلال باشد. ذکر لا اله الا الله، سبحان الله، لا حول ولا قوه الا بالله موجب افزایش روزی می شود. ذکر شریف صلوات موجب افزایش روزی است.

هر کس سبحان الله الملك الحی الذی لا یموت را هزار مرتبه بگوید، موجب وسعت رزق خواهد شد.

هر کس به شدت یا نکبت یا تنگی روزی گرفتار شده باشد، اگر هزار مرتبه بگوید: استغفر الله ربی و اتوب إليه رفع شود، مجرب است.

۱. المائدة، آیه ۱۱۴.

نتیجه‌گیری

کار که تعبیر به فعل، فعالیت، حرفه، کوشش و یا شغلی که به واسطه آن انسان در طلب رزق و روزی خود بر می‌آید، در این پایان نامه کار همراه با واژه کارآفرینی به کار رفته تا برترین نوع کار به رشته تحریر در آید و مشخص می‌شود که کارآفرینی، برخاسته از ارزش دادن به ایده‌های خلاقانه است در فضایی واقعی، جهت رفع نیازهای فرد و بشر.

آن چه از سیره، به عبارت دیگر در قول، فعل، روش و سبک زندگی ائمه اطهار (ع) در مورد کار و کارآفرینی به دست می‌آید، دلالت می‌کند بر کسی که برای کسب روزی خود، در جهت رفع نیازهای فردی‌اش از اولین آهنگ سپیده در مشرق زمین خود را به کار دارد و جسم و ذهنش را متحمل تلاش نماید تا رزقی کسب کند و معاشی به هم سازد. همان طور که انسان به واسطه نماز خواندن و یا روزه گرفتن و امثال این قبیل افعال، خود را به خدا نزدیک می‌کند، با کار کردن نیز می‌تواند، خدای خویش را اطاعت کند و بنابر قول هادیان امت با کار کردن برای رضای خدا و در جهت کسب روزی حلال برای رفع نیازهای خود، خانواده و فقرا، عبادت خدا را انجام داده و راه سعادت را بییماید.

معصومین (ع) همان طور که با سخنان مردم را به کار تشویق می‌کرده‌اند، همان اندازه در سیره عملی زندگیشان اهتمام به کار داشته‌اند. تا روشن شود که کار کردن چقدر محبوب نزد خداست از به راه و رسم خدایی جلو رود.

نکته حائز اهمیت در این مقاله این بود که علاوه بر تشویق برای کسب روزی حلال، وعده اجر از طرف خدا هم به انسان داده است، و وی را متنعم از موهبت‌های مادی و معنوی کرده تا راه سعادت را دریابد. و آن کاری را دارای ارزش دانسته‌اند که اول با نیت خالص و نیکو در جهت کسب روزی حلال باشد، برای رفع نیازهای خود و عائله‌اش باشد و قسمتی را برای دین خدا در راه خدا انفاق کنند تا هم بنیه دین مستحکم بشود و هم ریشه فقر در جامعه اسلامی بخشکد. دومین عامل در با ارزش کردن این مهم، تخصص و تفکر در کار است، به این معنا که فردی که مشغول به کاری می‌شود باید متخصص در آن رشته باشد تا کارش

دارای چارچوب، قوام و بازده بیشتر باشد. و در آخر انسانی که با نیت خیر، تخصص و فکر می‌خواهد کاری را شروع کند باید دارای روحیه جهادی باشد و سنگ‌های جلوی راهش را با قدرت از راه بردارد تا کارش را موفقیت‌آمیز به پایان برساند.

با استفاده از رهنمودهای دینی، می‌توان راهکارهای کلی در جهت عملی شدن شعار کارآفرینی در جامعه اسلامی تبیین کرد. و آنچه از آیات و روایات در مورد اهمیت کسب و کار و تجابرت حلال بیان شده و از کارهایی که موجب صدمه خوردن به شخص یا خانواده، یا جامعه می‌شود، نهی شده و حتی وعده عذاب نسبت به برخی از آنها داده شده است. همه این امور نشانگر جامع بودن دین و تعالیم دینی و نگاه خاص آن به زندگی فردی و اجتماعی است. یعنی اگرچه دین، مردم را به معاد و زندگی اخروی سوق می‌دهد و دنیا را گذرا و فانی می‌داند، ولی دنیا را مزرعه آخرت می‌داند، یعنی انسان با تلاش و کوشش باید توشه‌ای در این دنیا فراهم آورد تا در سرای دیگر توشه‌اش پربار و عاقبتش ختم به خیر بشود.

بنابراین انسان خداشناس و دین‌شناس از پیشوایانش که ائمه معصومین علیهم‌السلام است آموخته‌ا که همان‌طور که با دید اخروی دنیا را گذرا و فانی می‌داند، دوراندیشی و عاقبت‌اندیشی حکم می‌کند که پیوسته در تلاش و کوشش برای جمع‌آوری توشه آخرت باشد، که یکی از بهترین توشه‌ها کسب روزی حلال است. چون هم زندگی دنیوی و مادی‌اش را تأمین می‌کند و هم زندگی اخروی و بار معنویش را پربار می‌کند. که به این واسطه به انسان عزت نفس و روحیه خدمت می‌بخشد تا بتواند به دیگر مخلوقات امید و آرامش ببخشد.

دست‌آورد مهم این تحقیق را می‌توان در ترغیب به کسب روزی حلال از طرف پیشوایان دینی به مردم دانست، که دین‌گوشه نشینی را منع کرده و با الفاظی مثل جهاد، اجر اخروی، خشنودی خدا و معصومین علیهم‌السلام از شخصی که در پی درآمد حلال است، و جوب کسب مایحتاج عائله برای مکلف و از طرفی به وسیله اذکار و اعمال خاص انسان را در پی کار و کارآفرینی روانه ساخته تا علاوه بر اینکه نیازهای خود را برطرف کند با فضا سازی

- کار و کارآفرینی در سیره ائمه معصومین (ع): راهی به سوی رزق حلال

شغل برای دیگران، افراد دیگر را از این نعمت بهره‌مند ساخته و لوازم تقویت جامعه اسلامی فراهم آورد.

با توجه به کلام و منش پیشوایان دین، به خوبی می‌توان دریافت که کارآفرینی نیز مانند کار دارای ارزش است، چنان که افراد را قبل از شروع به کار توصیه به نیت، تخصص و تفکر در کار می‌نمودند تا کاری احسن انجام بگیرد و باین امور ترقی کرده و فکر کارآفرینانه در فرد متولد شود تا شاهد شکوفایی انسان در حرفه‌اش باشد. چون ذهن انسان متخصص و متفکر آبستن خلاقیت است، و خلاقیت در کار علاوه بر رشد خود فرد باعث پیشرفت حرفه‌اش نیز می‌شود و عالم دیگر می‌گشاید، عالمی که در جهت خدمت به مردم باشد. پس کار و کارآفرینی در جهت حلال ممدوح و نکوهیده شده است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، أسد الغابة، ج ۲، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹.ق.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند ابن حنبل، جلد ۸، الرساله، بیروت، ۱۳۱۶.ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، آل علی، قم، ۱۳۸۲.ش.
۴. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵.ق.
۵. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد کامل الزیارات، مطبعه مبارکه مرتضویه، نجف اشرف، بیتا.
۶. احسان بخش، صادق، نقش دین در خانواده، مؤلف، تهران، ۱۳۷۴.ش.
۷. انوری، حسن، فرهنگ فشرده فارسی، سخن، تهران، ۱۳۸۲.ش.
۸. آمدی، عبدالله بن محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، مکتب الإعلام الاسلامی، قم، ۱۳۶۶.ش.
۹. بانکی پور فرد، امیرحسین، عیش و معاش، چ ۴، حدیث راه عشق، اصفهان، ۱۳۹۹.ش.
۱۰. برقعی قمی، سیدعلی اکبر، جلوه‌ی حق در سیرت مولای متقیان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، تهران، انتشارات حافظ، (بی تا)، ص ۵۵.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انصاریان، قم، ۱۳۸۳.ش.
۱۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰.ق.
۱۳. جرداق، جرج، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، ج ۱، چ ۳، ترجمه سیدهادی خسرو شاهی، نشر خرم، قم، ۱۳۷۶.ش.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۴.ق.
۱۵. حکیم طباطبائی، سید محمد تقی، الأصول العامة، مؤسسه اهل البيت، قم، ۱۴۱۸.ق.
۱۶. حلی، احمد بن محمد، عده الداعی و نجاح الساعی، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷.ق.

۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۸. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، ۱۳۷۱ ه.ش.
۱۹. دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین، آل البيت، بیروت، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، فرهنگ قرآنی راغب، آراس، پیرانشهر، ۱۳۹۶ ه.ش.
۲۱. شرفی، محمدرضا، مهارت‌های زندگی در سیره رضوی، قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۱ ه.ش.
۲۲. شریف تهرانی، محمد بن حسین، تنبیه الغافلین وتذکره العارفين، پیام حق، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش.
۲۳. شعیری، تاج الدین محمد، جامع الاخبار، مطبعة حیدریة، نجف، بیتا.
۲۴. شیخ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ترجمه رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش.
۲۵. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، دار الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲۶. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۲۷. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، الخصال، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ه.ش.
۲۸. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۹، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ه.ش.
۲۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، ج ۷، مکتب المعارف، ریاض، ۱۴۰۵ ه.ق.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، امالی طوسی، اندیشه هادی، قم، ۱۳۸۸ ه.ش.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، جلد ۶، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ ه.ش.
۳۲. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۱، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ ه.ش.
۳۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، امیرکبیر، ۱۳۸۱ ه.ش.
۳۴. قائمی امیری، علی، خانواده از دیدگاه امام امیرالمومنین، انجمن اولیا و مربیان، بیجا، ۱۳۹۰ ه.ش.

۳۵. قرضاوی، یوسف، قرضاوی، ترجمه داریوش سعادت‌لیلان، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۱ ه.ش.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن تفسیر قرطبی، دار الکتب المصریه، قاهره، ۱۹۶۴ م.
۳۷. قریشی، شریف، کار و حقوق کارگر، ترجمه ادیب لاری و محصل یزدی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶ ه.ش.
۳۸. قلی‌زاده، احمد، واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه، بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نورالاصفیاء، تهران، ۱۳۷۹ ه.ش.
۳۹. کشادی، طاهره، اقتصاد در خانواده، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۶ ه.ش.
۴۰. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، نعمان، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. متقی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال، جلد ۱۶، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۴۳. محدث نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۸ ه.ق.
۴۴. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، سخن، تهران، ۱۳۸۱ ه.ش.
۴۵. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۹ ه.ش.
۴۶. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.
۴۷. مظفر، محمدرضا، اصول فقه مظفر، ج ۲، نشر اسلامی، قم، ۱۴۳۰ ق.
۴۸. مغربی، قاضی نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۳۸۵ ه.ش.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۲، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، قم، ۱۳۷۷ ه.ش.
۵۰. مکی، شهید اول محمد بن محمد، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۴، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۳۷۷ ه.ش.

۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۷، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶. ش.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴. ش.
۵۳. ملا محمدی، مجید، داستان‌هایی از زندگی پیامبر (ص)، جمکران، قم، ۱۳۹۶. ش.
۵۴. مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۴، مؤسسه اهل البيت، قم، ۱۴۲۶. ق.
۵۵. نظامی گنجوی، جمال الدین، کتب خمسہ، اسکندر نامہ، شرف نامہ، قطره، تهران، ۱۳۸۱. ش.
۵۶. وحیدی، محمد، درآمد‌های حلال و حرام، سنابل، قم، ۱۳۸۷. ش.

مقالات

۱. تشکینی، مصطفی، عوامل و موانع وسعت رزق از دیدگاه قرآن و روایات، حوزه دارالمبلغین فلسفی، تهران، ۱۳۹۸. ش.
۲. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، بیتا.
۳. سازمان امور اداری و استخدامی کشور، پیام‌های اداری از نهج البلاغه، چ ۱، تهران، ۱۳۷۵. ش.
۴. عباسی، محمد مهدی، اقتصاد مقاومتی و نقش آن در زندگی اسلامی، حوزه دارالمبلغین فلسفی، تهران، ۱۳۹۴. ش.
۵. عندلیب، رسول، الگوی کارآفرینی از منظر ائمه اطهار (ع)، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۹۲. ش.
۶. مجله اندیشه، ۱۳۷۰. ش.
۷. مقاله کارآفرینی چگونه است، اعظم نجاتی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ۱۳۹۹. ش.
۸. مقاله واحد توسعه کارآفرینی و تعاون، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، بیتا.



سایت

1. www.abadis.ir
2. www.dehkhoda.ut.ac.ir
3. www.idu.khuisf.ac.ir
4. www.islahnet.com
5. www.khamenei.ir
6. www.modireforosh.ir
7. www.motamem.org
8. www.sammotlagh.com
9. www.uma.ac.ir
10. www.vajehyab.com



بررسی مسئله‌ی شفاعت در ادیان الهی و آسمانی

علیرضا بادرستانی^۱

چکیده

جایگاه شفاعت در ادیان الهی موضوع تحقیق حال حاضر می‌باشد و هدف از انجام این تحقیق بررسی معانی و مفاهیم حقیقی و کامل مسئله شفاعت، بررسی مسئله شفاعت از دیدگاه کلامی و غیر کلامی در اسلام و آشنایی با معانی و عملکرد دیگر ادیان الهی و آسمانی در مسئله شفاعت می‌باشد تا به این مساله پی ببریم که نظرات و دیدگاه‌های ادیان الهی در مسئله شفاعت چیست؟، شبهات وارد شده در مورد مسئله شفاعت چیست؟، جایگاه شفاعت در آیات و روایات چگونه است؟ و برای آشنایی با شفاعت چه راهکارهایی می‌توان ارائه کرد؟ و روش تحقیق در اینجا به صورت کتاب‌خانه‌ای می‌باشد.

ثمره‌ی پرداختن به این موضوع این است که بدانیم هرگاه انسان درباره امور دنیایی یا اخروی برای جلب منفعت یا دفع ضرری به کسی متوسل شود و از او درخواست وساطت نزد خدا را داشته باشد می‌توان عمل او را شفاعت خواهی و آن واسطه را شفیع نامید. شفاعت دارای دو نوع مختلف تشریعی و تکوینی است. برخی از انواع شفاعت مانند توبه، عمل صالح و ایمان تشریعی در دنیا موثر است و می‌تواند موجب آمرزش گردد و قسم دیگر آن در قیامت واقع می‌شود. البته بخشش الهی از طریق شفاعت هرگز پدیده‌ای استثنایی در خلقت نیست

۱. استاد حوزه علمیه حجت بن الحسن

و همچون سایر عوامل تطهیر در پی پاکسازی دل و روان بندگان خداست. شفیع در واقع با شفاعت خود و با مأموریتی از جانب خدا قابلیت های موجود در شخص برای بخشوده شدن تکمیل می کند.

کلید واژه: شفاعت، اسلام، یهودیت، مسیحیت، ادیان.

مقدمه

خداوند در قرآن کریم واسطه پیشرفت و شناسایی مقصد و چگونگی رسیدن به آن را به ما می شناساند و هم در راستای مقام شفاعت به پیامبر خویش آموزش می دهد که برای گناهکاران استغفار کند تا آنان را مشمول رحمت خود گرداند.

این جریان توسل و شفاعت برای تکامل در مسیر حق و نیل به پاداش پرشکوه، در عالم هستی است.

ما معتقدیم، که کار شفاعت را باید به کاردان این امر سپرد که او خود می داند چگونه دل صاحب دل را به دست آورد.

یکی از اعتقادات عموم مسلمانان و معتقدان به ادیان، مسئله شفاعت است؛ یعنی روز قیامت اولیای الهی، در حق گروهی از گناهکاران شفاعت کرده و آنان را از عقاب جهنم نجات می دهند یا بنابر تفسیر برخی از شفاعت، اولیای الهی با شفاعتشان از شخصی سبب ترفیع درجه او می شوند. لیکن در اندازه و ویژگی های آن اختلاف است؛ یهود برای اولیای خود بدون هیچ قید و شرطی حق شفاعت قائل است که قرآن به طور آشکار آن را باطل می داند. در میان مسلمانان، وهابیان معتقدند که تنها می توان از خدا طلب شفاعت کرد و اگر کسی از خود شافعان، طلب شفاعت کند مشرک است، ولی عموم مسلمانان قائلند این حقی را که خداوند برای شافعان قرار داده، می توان از آنان طلب نمود.

حقیقت شفاعت آن است که رحمت گسترده الهی و مغفرت و آمرزش او از طریق افرادی

که به عنوان حاملان فیض به شمار می آیند، به گناهکارانی که واجد شرایطی خاص هستند

برسد. البته قیامت ظرف وقوع شفاعت است ولی انسان در دنیا مقدمات بهره‌مندی خود از شفاعت را مهیا می‌کند؛ چنانچه نعمت‌های اخروی نیز بر اساس تلاش قبلی انسان در دنیا به او اعطا می‌شود. لذا می‌توان گفت این لیاقت و شایستگی درباره شفاعت نیز در دنیا تحصیل می‌شود. انسانی که در حیات دنیوی خود زمینه را فراهم کرده است در قیامت مشمول شفاعت گروهی از اولیاء الهی می‌شود.

ما در این تحقیق به موضوع شفاعت در ادیان الهی خواهیم پرداخت تا نسبت به این مساله از دیدگاه‌های مختلف آگاهی کامل پیدا کنیم و این آگاهی را له دیگران انتقال دهیم.

۱. معانی شفاعت در یهود

مسأله‌ی شفاعت در امت‌های پیشین و ادیان سابقه‌ی تاریخی دارد و در مذاهب خاموش که آغشته از افسانه‌های عجیب است تا افسانه‌های خدایان یونان و مذاهب قدیم مصر و آئین یهود و بت پرستان حجاز و بابل؛ در تمام مذاهب در موضوع و مسئله‌ی شفاعت ریشه‌ی عمیقی داشته است و با این وجود این مساله با اینکه ریشه در ادبیات توحیدی و الهی ادیان دارد و تعبیر و تعاریف گوناگونی را در طول تاریخ به خود اختصاص داده که این امر مهم و اساسی گویای باورمندی پیروان ادیان و اهتمام آنان به مساله شفاعت نیز می‌باشد و هر یک از ادیان و مکاتب به نوعی به نظریه تأثیر شفاعت و نقش شفیعان پرداخته و به حکایت نقش تعاملی پیروان خویش با این مساله پرداخته‌اند.

در تلمود آمده است که حضرت ابراهیم، برای رهایی ارواحی که محکوم به عقوبت کشیدن در جهنم شده‌اند کوشش می‌کند و با وساطت خویش، آن‌ها را از جهنم خارج می‌کند. البته طبق نقل تلمود، این شفاعت شامل دو گروه از یهودیان نمی‌گردد؛ اول: یهودیانی که با زنان غیر یهودی، هم‌بستر شده باشند. دوم: یهودیانی که پوست ختنه‌گاه خود را کشیده‌اند تا ختنه نشده به نظر آیند و شناخته نشوند که یهودی هستند.^۱

البته آن چه ذکر شد، مربوط به پذیرش مفهوم شفاعت در جهان آخرت بود اما شفاعت در دنیا مفهومی کاملاً پذیرفته شده است زیرا در عهد عتیق به آن تصریح شده است.

اهل کتاب، به خصوص یهود به شفاعت مطلق و بی قید در مورد شفاعت شونندگان اعتقاد داشتند و می گفتند در قیامت، مطیع و گنهکار، به شفاعت پیامبران و اولیا به بهشت می روند و این عقیده به خاطر باورهای نادرستی بود که میانشان رایج بود که اولاً خود را ملت برگزیده می دانستند، آنگونه که قرآن از قول آنان نقل می کند: وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ؛ یهود و نصاری می گفتند: ما فرزندان خدا و دوستان اویم.^۱ ثانیاً معتقد بودند تنها چند روز محدود عذاب خواهند شد: وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّاماً مَعْدُودَةً؛ ما را آتش لمس نمی کند، مگر روزهایی چند.^۲

معانی دیگری که زمینه اعتقاد به شفاعت آزاد بی قید و شرط شده بود، بویژه نسبت به شفاعت شونندگان، با اینکه قرآن شفاعت در حق کسی را که ارتباط ایمانی با خدا ندارد و به او یا به یکتایی خدا یا به قیامت عقیده ندارد و در زمین فساد می کند و به بندگان خدا ظلم می نماید، یا ارتباط معنوی با شفیعان را گسسته است، نفی می کند و چنین کسانی هیچ بهره ای از شفاعت نمی برند. خداوند می فرماید: تَسْأَلُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ؛ خدا را فراموش کردند، خدا هم آنان را از یاد خودشان برد.^۳

در برخی آیات به بعضی از آنان که اذن شفاعت دارند اشاره شده است که تنها یک آیه می آوریم: وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى؛ چه بسا فرشتگانی در آسمان ها که شفاعت آنان به هیچ کاری نمی آید، مگر پس از آنکه خداوند به هرکس بخواهد و بپسندد، اجازه دهد.^۴

۱. - مائده (۵)، آیه ۱۸.

۲. - بقره (۲)، آیه ۸۰.

۳. - حشر (۱۰۱)، آیه ۱۹.

۴. - نجم (۲۳)، آیه ۲۶.

با بررسی روایات شیعه و اهل سنت درباره شفاعت، روشن می‌شود که یکی از مفاهیم اصیل در قرآن و روایات، شفاعت محدود و مأذون است.^۱

شفاعت عقوبت، در اولین کتاب مرجع یهودیان در این جهان و به صورت اثباتی مطرح شده است و بدین معناست که تورات، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام و ارمیای نبی علیه السلام را به عنوان شافعین مؤثر در اراده الهی در این دنیا معرفی کرده است و همچنین در کتاب اشعیا آمده است که: خدمتگزار عادل من بارگناهان بسیاری از مردم را به دوش خواهد گرفت و من به خاطر او آنها را خواهم بخشید؛ زیرا، او خود را فدا کرد.^۲

در دومین کتاب مرجع یهودیان فریسی (تلمود) شفاعت حضرت ابراهیم علیه السلام در آخرت، به گونه‌ای نوشته شده است که با عدالت خداوند سازگار نیست، چرا که در کتاب تورات آمده است: وقتی ابراهیم علیه السلام از قصد خداوند آگاه گردید که اگر در شهر سدوم پنجاه نفر درستکار می‌بود خدا آن شهر را نابود نمی‌کرد، با خداوند وارد مذاکره شده، طی درخواست‌های مکرر این عدد را ابتدا به ۴۵، بعد به چهل، سپس به سی، و بعد به بیست، و سرانجام به ده نفر تقلیل داد و خداوند نیز، ضمن پذیرش نظر ابراهیم از عذاب صرف نظر نمود.^۳

۲. معانی شفاعت در مسیحیت

مفهوم شفاعت از جمله مفاهیمی است که تمامی مسیحیان در مورد آن اتفاق نظر دارند و با استناد به کتاب مقدس، این آموزه را پذیرا شده‌اند. با این وجود در مورد این که چه شخص یا اشخاصی حق شفاعت را دارند میان فرقه‌های مسیحی اختلاف نظر وجود دارد. اصلی‌ترین و مهم‌ترین دیدگاه که عده‌ای از مسیحیت قبول دارند بحث اعتقادی تفدیه عیسی علیه السلام که به معنی فدا شدن برای رهایی گناهکاران است و با اعتقاد به اینکه آن حضرت از شفیعان روز جزا است فرق دارد.

۱. - سیحانی تبریزی، جعفر، سیمای عقاید شیعه، ص ۹۵.

۲. - اشعیا بن آموص، اشعیا، باب ۵۳، فقه ۱۲.

۳. - سفر پیدایش، باب ۱۸، فقرات ۳۲-۲۳.

عیسی علیه السلام از شفیعان است لیکن شفاعت کردن آن جناب مسال‌های است و اعتقاد مسیحیان به مساله فدیه است و قرآن کریم تفدیه را برای عیسی ثابت نکرده و چنین قدرت و اختیاری به آن جناب نداده است و تفدیه‌ای که مسیحیان بدان معتقدند، این است که عیسی علیه السلام با اینکه خدای پسر بود و دارای قدرت خدائی بود و می‌توانست دشمنان خود را در یک چشم بر هم زدن نابود کند، لیکن برای اینکه کيفری را که گنه‌کاران در قیامت دارند باطل سازد، خود را فدای گنه‌کاران نمود و حاضر شد به این منظور به بالای دار برود و قرآن این معنا را برای ایشان نه تنها اثبات نکرده بلکه آن را نفی نموده و عقل هم نمی‌تواند آن را بپذیرد.

شفاعت طبق: وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

شرکائی که مشرکین می‌پرستند و می‌خوانند مالک شفاعت نیستند.^۱

در آیه شریفه هیچ تعرضی به آن نشده و از این جهت ساکت است، نه اثبات کرده و نه نفی نموده، چون اگر آیه شریفه در مقام اثبات شفاعت بود جا داشت بفرماید: و ان تغفر لهم فانك انت الغفور الرحيم؛ و اگر ایشان را بیامرزی بسیار بجا است، چون تو آمرزنده مهربان هستی. و اگر در صدد نفی شفاعت بود و می‌خواست بفرماید عیسی از شفیعان روز جزا نیست دیگر جا نداشت مسأله شهادت بر اعمال مردم را به میان بیاورد.

بنابراین خداوند فرمود: و ان تغفر لهم فانك انت العزيز الحكيم؛ و اما آنچه مردم در باره عیسی علیه السلام گفته‌اند؟ هر چند مردم بعد از آن جناب به مذاهب مختلف و مسلک‌های گوناگونی معتقد شده و متشتت گردیده‌اند.^۲

اگر کلیات و جزئیات مذاهب و نظرشان در نظر گرفته شود، از این مقدار هم تجاوز کند و لیکن قرآن کریم تنها به نقل سخنانی از مسیحیان اهتمام ورزیده که درباره عیسی و مادرش گفته‌اند و چون همین سخنان است که با مساله توحید برخورد دارد و مسال‌های که قرآن کریم و اصولاً دین فطری به آن دعوت می‌کند و اما بعضی از جزئیات از قبیل مساله تحریف و تفدیه را همان طور که باید مورد اهتمام است قرار نداده است.

۱. - زخرف (۴۳)، آیه ۸۶.

۲. - مائده (۵) آیه ۱۱۸.

معنی دیگری که در این مذهب نام برده شده است در کتاب دایرةالمعارف کتاب مقدس، شفاعت این‌گونه تعریف شده است: شفاعت را می‌توان به صورت دعایی پاک، با ایمان و مصرانه تعریف کرد که در آن، شخصی نزد خدا برای فرد یا افرادی که شدیداً نیاز به مداخله‌ی خدا دارند طلب کمک کند.^۱

همچنین با توجه به اعتقاد مسیحیان مبنی بر مصون بودن کتاب مقدس از خطا^۲ و وجود آموزه فیض الهی، موضوع شفاعت عقوبت، در بین مسیحیان گسترش بسیاری یافته است و بدین معنا که ظهور حضرت عیسی علیه السلام در دنیا و قربانی شدن او برای نجات و رستگاری انسان از ارتکاب گناه اولیه است، از این رو اساس کار و نقش عیسی مسیح در هستی و نقش یک منجی و واسطه مستقل بین انسان و خداست زیرا: هرچه هست، به وسیله او آفریده شده و چیزی نیست که آن را نیافریده باشد.^۳ اناجیل نمونه‌های زیادی از معانی شفاعت حضرت عیسی علیه السلام یا دعای شفاعتی آن حضرت درباره نجات و رستگاری، ایمان، شفای انواع بیماری، امراض، زنده کردن، برکت دادن به غذا و برکت به اموال و فرزندان بیان شده است که برخی از آنها که بیانگر نقش مستقل عیسی در شفاعت‌اند که عبارت‌اند از: من برای مردم دنیا دعا نمی‌کنم، بلکه برای این شاگردان دعا می‌کنم که به دست من سپرده‌ای، چون از آن تو هستند، زیرا هرچه از آن من است متعلق به توست و هرچه از آن توست متعلق به من نیز است.^۴ دعایی دیگر: عیسی مسیح می‌تواند همه آنانی را که به حضور خدا می‌برد کاملاً نجات دهد و چون همیشه زنده است، پیوسته در حضور خدا برای ما وساطت کرده، این حقیقت را که با خون خود تاوان گناهان ما را پرداخته است یادآوری می‌کند.^۵

همچنین در دعایی دیگر: ای شمعون، شیطان می‌خواست همگی شما را بیازماید و

۱. - دایرةالمعارف کتاب مقدس، ص ۴۱۱.

۲. - دوم تیموتائوس، باب ۳، فقرات ۱۷-۱۵.

۳. - یوحنا، باب ۱، فقره ۳.

۴. - یوحنا، باب ۱۷، فقرات ۹ و ۱۰.

۵. - عبرانیان، باب ۷، فقره ۲۵.

همانند گندم غربال کند اما من برای تو دعا کردم تا ایمانت از بین نرود، پس وقتی توبه کردی و به سوی من بازگشتی و ایمان برادرانت را تقویت و استوار کن.^۱

دعایی دیگر: خدا فرزند خود را برای محکوم کردن مردم نفرستاده است، بلکه او را برای نجاتشان فرستاد و هیچ محکومیت و هلاکتی در انتظار کسانی که به او ایمان بیاورند نیست ولی کسانی که به او ایمان نیاورند از هم اکنون محکوم اند.^۲

۳. شفاعت از نظر متکلمان اسلامی

۳-۱. دیدگاه شیعه پیرامون مسئله‌ی شفاعت

آن چه که از مجموع آیات و روایات، استفاده شد، این بود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام - صدیقین - ملائکه مقربین و صالح مؤمنین - از گناه کاران امت شفاعت می‌کند و از بسیاری از روایات چنین برمی آید که سایر پیامبران نیز شفاعت مقبوله دارند و پروردگار متعال به لطف و عنایتش از بسیاری از خطاکاران در می‌گذرد و به برکت درخواست مقربان درگاهش کردار بد آنان را عفو می‌فرماید - و این مسئله یکی از مسائل ضروری دین و از جمله معتقدات مذهب شیعه حقّه - جعفریّه اثنی عشریّه به شمار می‌آید. متکلمین، علما و بزرگان شیعه در کتب خود به این حقیقت اشاره نموده که نمونه‌هایی ذکر شد و نمونه‌هایی هم در این جا متذکر می‌شویم:

۱- مرحوم شیخ مفید علیه الرحمه که از علمای بزرگ شیعه می‌باشد می‌فرماید: امامیه اتفاق نظر دارند که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام - در روز رستاخیز - گناهکاران را شفاعت می‌کنند.^۳

۲- مرحوم علامه‌ی حلی رحمته الله در کتاب «شرح تجرید» - در المسئله العاشره فی الشفاعه می‌فرماید:

۱- لوقا، باب ۲۲، فقره ۳۱.

۲- یوحنا، باب ۳، فقره ۱۷ و ۱۸؛ غلاطیان، باب ۳، فقره ۱۳.

۳- اوائل المقالات: شیخ مفید، ص ۵۳.

عموم دانش‌مندان اسلام- شفاعت را برای پیغمبر اکرم ﷺ می‌دانند. سپس به آیه‌ی شریفه: عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا- آیه‌ی ۷۹ سوره‌ی اسراء. به تمسک نموده و می‌گوید: گفته شده است که مقصود از مقام محمود، شفاعت است.^۱

۳- مرحوم مجلسی رحمه الله در کتاب بحارالانوار خود- در مواضع متعدّد- شفاعت را نسبت به گنه‌کاران امت ثابت می‌داند. و کفار و مشرکین را مشمول شفاعت نمی‌داند.^۲

۴- مرحوم سید عبدالله بشر در کتاب مصابیح الانوار فی حلّ مشکلات الاخبار پس از نقل روایات شفاعت، مسئله را از مسلمات شمرده و فقط گنه‌کاران امت را مشمول ادله‌ی شفاعت می‌داند و کفار را موضوعاً خارج از مسئله‌ی شفاعت نموده است.^۳

۵- مرحوم سید مرتضی رحمه الله در کتاب امالی خود- شفاعت را برای انبیاء و اولیاء ﷺ و ملائکه و مؤمنین صالح مسلم می‌داند.^۴

۶- مرحوم سید محسن امین رحمه الله در کتاب: کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب- به استناد آیات و روایات- مسئله‌ی شفاعت را ثابت نموده و آن را مخصوص گنه‌کاران امت می‌داند و کفار را از موضوع ادله‌ی باب خارج می‌داند.^۵

خلاصه‌ی کلام این که عموم دانش‌مندان شیعه از مجتهدین، متکلمین، مفسرین و... بدون استثناء، شفاعت را مخصوص گنه‌کاران امت دانسته، و اولیاء و ملائکه‌ی مقربین و صالح مؤمنین را شایسته این مقام رفیع و ملکوتی می‌داند. و بالاتفاق، کافران را مشمول ادله‌ی شفاعت نمی‌دانند. اما گنه‌کارانی که از گناه خود توبه نموده و خداوند توبه‌ی ایشان را پذیرفته باشد، نیازی به شفاعت ندارند.

۱- حلی، شرح تجدید، ص ۵۹۶

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۵۹.

۳- مصابیح الانوار، سید عبدالله بشر، ص ۱۵۵، ح ۵۱.

۴- امالی، سید مرتضی، ص ۳۶۸.

۵- کشف الارتیاب، سید محسن امین، فصل اوّل، باب سوم، ص ۲۳۸-۲۶۶.

۲-۳. دیدگاه تسنن پیرامون مسئله‌ی شفاعت

فخر رازی، که از متعصبین علماء عامه و سنی است، در تفسیر خود، ذیل آیه‌ی شریفه، **يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ** - آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی انبیاء... می‌نویسد.

و اعلم ان هذه الآية من اقوى الدلائل النافى اثبات الشفاعة لأهل الكبائر- بدان که این آیه نزد ما از قوی‌ترین دلائل در باب اثبات شفاعت برای آنانکه گناه کبیره کرده‌اند- می‌باشد.^۱

هم چنین در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی: **رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ... آیه‌ی ۱۹۳ سوره‌ی آل عمران**. می‌نویسد: احتج أصحابنا بهذه الآية على شفاعته محمد ﷺ في حق أصحاب الكبائر مقبولة يوم القيامة وذلك لأن هذا الآية- دلت على أن هؤلاء المؤمنين طلبوا من الله غفران الذنوب مطلقاً من غير أن قيدوا ذلك بالتوبه فاجاب الله قولهم و اعطاهم مطلوبهم:

اصحاب ما (سنی‌ها) به این آیه- استدلال کرده‌اند که شفاعت حضرت محمد ﷺ- در روز قیامت نسبت به کسانی که گناه کبیره کرده‌اند، پذیرفته می‌شود. زیرا که آیه‌ی شریفه دلالت دارد که این گروه از مؤمنین، مطلقاً از خداوند درخواست آمرزش از گناهان نموده‌اند، بدون این که به توبه مقید شده باشند و خداوند متعال وعده فرموده که: خواسته‌ی ایشان را اجابت نماید.

«نوی» در شرح صحیح مسلم، می‌نویسد: «قاضی عیاض» می‌گوید: مذهب اهل سنت این است که شفاعت برحسب عقد، ممکن و برحسب شرع، به صریح آیات و به خبر صادق، مسلم بودن آن محرز است. و روایاتی که در صحت شفاعت در قیامت وارد گردیده به سر حدّ تواتر رسیده است که فقط در مورد مؤمنین گناه کار است و همه‌ی علماء صالح گذشته اهل سنت و حال، بر این هم عقیده می‌باشند. ولی «خوارخ» و بعضی از «معتزله» مسئله‌ی شفاعت را انکار نموده‌اند.^۲

«ابو منصور ما تریدی سمرقندی» بعد از نقل آیه‌ی شریفه‌ی **وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى** - آیه‌ی

۱- رازی، تفسیر فخر رازی، ج ۶، ص ۱۴۳.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۰۷.

۲۸ سوره‌ی انبیاء. می‌گوید: اگرچه آیه‌ی اوّل شفاعت را در ظاهر نفی می‌کند ولی آیه‌ی دوم اشاره دارد که شفاعت در اسلام وجود دارد.^۱

«در شرح عقاید نسفی» نیز درباره‌ی شفاعت آمده است: «الشفاعة ثابتة للرسول والأخيار في حق أهل الكبائر بالمستفيض من الأخيار» شفاعت رسول خدا ﷺ و نیکان درباره‌ی صاحبان گناهان کبیره با استفاده از روایات فراوانی ثابت شده است. خلاصه اینکه عموم علمای عامه مذهب (سَنّی) نیز مسئله‌ی شفاعت را مخصوص گنه کاران می‌دانند و تنها کافران را بی بهره‌ی از آن می‌دانند.^۲

۳-۳. دیدگاه وهابیت پیرامون مسئله‌ی شفاعت

مسئله‌ی شفاعت حتّی مورد پذیرش وهابیت قرار گرفته و پیروان «ابن تیمیه ملعون» و محمد بن عبدالوّهّاب (ملعون) که در این گونه مسائل سخت گیری و تعصّب و لجاجت خاصی دارند. در عین حال به تواتر روایات مربوط به شفاعت، اعتراف نموده‌اند.

«شیخ عبدالرحمان بن حسن» در کتاب «فتح المجید» که از معروف‌ترین کتب وهابیه می‌باشد و هم اکنون در بسیاری از مدارس دینی [به عقیده‌ی وهّابیان] حجاز به عنوان یک کتاب درسی شناخته می‌شود. از «ابن قیم» چنین نقل شده است: در احادیث در زمینه‌ی شفاعت مجرمان از پیامبر اکرم ﷺ متواتر است و صحابه‌ی او و اهل تسنّن عموماً اجماع در این موضوع دارند و منکر آن را بدعت گزار می‌دانند و به او اعتقاد می‌کنند و او را گمراه می‌شمارند.^۳

۱- تفسیر ماتریدی، معروف به تأویلات اهل سنت، ص ۱۴۸.

۲- ویسی، فیض الله، کتاب شفاعت، ص ۷۲۱.

۳- فتح المجید عبدالرحمن بن حسن، ص ۲۱۱.

۴. شبهات وارد شده در مورد شفاعت

۴-۱. شبهات وارد شده از طرف وهابیت

وهابیان اصل شفاعت را قبول دارند ولی درخواست شفاعت از اولیا در عالم برزخ را نمی پذیرند، اما کسانی هستند که اصل شفاعت را قبول ندارند. کسانی که منکر اصل شفاعتند نیز به ادله ای به شرح زیر تمسک کرده اند.

۴-۱-۱. شفاعت محرک معصیت است!

در نظر عده ای، اعتقاد به شفاعت موجب جرأت بر گناه در افراد شده و روح سرکشی را در گناه کاران و مجرمان زنده می کند؛ لذا اعتقاد به آن، با روح شریعت اسلامی و سایر شرایع سازگاری ندارد!

پاسخ: اولاً اگر چنین باشد، «توبه» که بخشایش گناهان را در پی دارد نیز مایه تشویق به انجام دوباره گناه خواهد بود. در حالی که توبه یکی از باورهای اصیل اسلامی و مورد اتفاق مسلمانان است. ثانیاً وعده شفاعت در صورتی مستلزم تمرد و عصیان گری است که شامل همه مجرمان با تمام صفات و ویژگی ها شود و نسبت به تمام انواع عقاب و تمام اوقات آن جاری باشد... ولی اگر این امور مبهم و نامعین شد که وعده شفاعت در مورد چه گناهایی و کدام گناه کار و در چه وقتی از قیامت است، هیچ کس نمی داند که آیا مشمول شفاعت می شود یا خیر؟ ولذا موجب تشویق بر انجام معاصی نخواهد شد.^۱ ثالثاً با اندکی اندیشه در آیات قرآن و گفتار پیشوایان معصوم روشن می شود که خداوند شرایط ویژه ای برای شفاعت قرار داده است. خداوند می فرماید: *يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا* در آن روز [قیامت] شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است.^۲

۱- طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲- طه (۴۰) آیه ۱۰۹.

۲-۱-۴. شفاعت واسطه‌گری است!

پاسخ: شفاعت، کمک اولیای الهی به افرادی است که در عین گناه کار بودن، پیوند ایمانی و معنوی خویش را با خداوند و اولیای الهی نگسسته‌اند. شفاعت واقعی برای کسانی است که نیروی جهش به سوی کمال و پاکی در روح و روان آنان باشد و نورانیت شافعان، وجود تاریک کسانی را که از هیچ‌گونه ویژگی مثبتی برخوردار نیستند، روشن نخواهد کرد. بنابراین، شفاعت‌های رایج میان مردم (پارتی بازی) با شفاعت در منطق اسلام، تفاوت‌های زیاد دارد؛ از آن جمله:

۳- رضوانی، علی اصغر، وهابیت و شفاعت، ص ۱۰۱.

۱. در واسطه‌گری‌های دنیوی، فرد گنه کار، شفیع را برمی‌انگیزاند تا با سرپرست فلان بخش تماس بگیرد و به دلیل نفوذی که در دستگاه او دارد، وی را وادار کند از تقصیر گنه کار درگذرد و از اجرای قانون در حق او چشم‌پوشد. در شفاعت اسلامی، کار دست خدا است و اوست که شفیع را برمی‌انگیزاند. خداوند به دلیل کمال و جایگاه شفیع، به او حق شفاعت می‌بخشد و رحمت و بخشایش خود را از گذرگاه وی، شامل حال بندگان می‌سازد.

۲. در شفاعت، شفیع از مقام ربوبی تأثیر می‌پذیرد، ولی در واسطه‌گری‌های باطل، قدرت برتر سخنان شفیع است و اوست که به خواسته‌های خلاف کار، تن در می‌دهد. به دیگر سخن، در شفاعت‌های عرفی و دنیوی، شفاعت کننده، مولا و حاکم را برخلاف اراده، به انجام کاری وادار می‌کند، ولی در شفاعت الهی، در علم و اراده خداوند هیچ‌گونه دگرگونی پدید نمی‌آید، بلکه تنها مراد و خواسته دگرگون می‌شود.^۱

۳. شفاعت شونده باید دارای شرایطی باشد؛ از آن جمله:

(الف) خدا از او راضی باشد: وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُم مِّنْ خَشْيَتِهِ مَشْفُوعُونَ^۲

(ب) نزد خدا، پیمانی داشته باشد؛ مثلاً به خدا ایمان داشته باشد، به یگانگی او اقرار کند، نبوت و ولایت را تصدیق کند و دارای کردار شایسته باشد: لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا^۳

(ج) ستمکار نباشد: مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَیْمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ^۴

(د) نماز را سبک نشمارد. امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخَفًّا بِالصَّلَاةِ».^۵

ماهیت شفاعت، نه تشویق به گناه است و نه چراغ سبز برای گناه‌کار. همچنین عامل عقب‌افتادگی و یا واسطه‌گری نیست، بلکه مسئله مهم تربیتی است که پی‌آمدهای سازنده‌ای دارد.

۱- طباطبایی، تفسیر المیزان ج ۱، ص ۱۶۴.

۲- انبیاء (۲۱) آیه ۲۸.

۳- مریم (۱۹)، آیه ۸۷.

۴- غافر (۴۰)، ۱۸.

۵- مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳۵.

۳-۱-۴. چه نیازی به شفیع داریم؟

گاهی سؤال می‌شود که چرا خداوند به طور مستقیم، گناهان بندگان را نمی‌بخشد و چه نیازی به وجود واسطه و شفیع است؟

پاسخ: اولاً خداوند متعال، جهان آفرینش را به بهترین وجه آفریده است: الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ؛ «او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید».^۱ جهان بر اساس نظام علت و معلولی و اسباب و مسببات، برای هدایت و رشد و تکامل انسان‌ها آفریده شده است و نیازمندی‌های طبیعی بشر به وسیله عوامل و اسباب عادی، برآورده می‌گردد.

فیوضات معنوی خداوند همانند هدایت، مغفرت و آمرزش نیز بر اساس نظامی خاص بر انسان‌ها نازل می‌شود، و اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته است که این امور به وسیله اسباب و علت‌های معین به انسان‌ها برسد. بنابراین، همان‌گونه که در عالم ماده نمی‌توان پرسید: چرا خداوند متعال زمین را به وسیله خورشید نورانی کرده و خود بی‌واسطه به چنین کاری دست نزده است، در عالم معنا نیز نمی‌توان گفت: چرا خداوند به واسطه اولیای الهی، مغفرت خویش را شامل حال بندگان نموده است؟ شهید مطهری می‌فرماید: «فعل خدا، دارای نظام است. اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش، اعتنا نداشته باشد، گمراه است. به همین جهت است که خدای متعال، گناهکاران را ارشاد فرموده است که در خانه رسول اکرم ﷺ بروند و علاوه بر اینکه خود طلب مغفرت کنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان، طلب مغفرت کند».^۲

قرآن کریم می‌فرماید: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ «و اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند».^۳

۱- سجده (۳۲) آیه ۷.

۲- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳- نساء (۴) آیه ۶۴.

۴-۱-۴. شفاعت عامل دگرگونی در علم و اراده الهی

وهابیون می‌گویند حکم پروردگار عین عدل است و بر اساس مصلحت الهی شکل گرفته است. از طرفی، شفاعت در عرف مردم به این معناست که شفیع و واسطه، مانع اجرای حکم واقعی در مورد متخلف و مجرم می‌شود. اگر حکم دوم که در سایه شفاعت واسطه به دست آمده، مطابق عدل است و حکم نخست مخالف آن، پس دو حالت پیش می‌آید:

۱. باید خدا را غیر عادل دانست، که قطعاً باطل است.
 ۲. بگوییم خداوند عادل است، ولی علم و آگاهی‌اش نارسا بوده است، که اینک از رهگذر یادآور شدن شفیع، تغییر پیدا کرده است. در نتیجه حکم جدید عادلانه است. این فرض نیز باطل است؛ زیرا علم خدا عین ذات اوست و تغییر و دگرگونی در او راه ندارد.
- فرض می‌کنیم حکم نخست، عین عدل بوده است و حکم دوم بر خلاف آن و خداوند تنها به دلیل علاقه به شفیع، حاضر شده است عدل را زیر پا نهد و حکم جدید صادر کند. این فرض نیز با عدالت الهی ناسازگار است. پس پذیرش شفاعت با چالش‌های فراوان روبه‌روست و استدلال عقلی، مخالف آن است.^۱

پاسخ: این اشکال از آنجا پدید می‌آید که نویسنده میان تغییر در علم و اراده الهی و دگرگونی و تحول در موضوع و معلوم و مراد را در هم آمیخته است. باید دانست آنچه دگرگون شده، وضعیت مجرم و گنه کار است؛ یعنی به گونه‌ای شده که سزاوار رحمت الهی گشته است؛ در حالی که پیشتر چنین نبود. پس در علم و اراده خداوند، هیچ‌گونه دگرگونی پدید نیامده است. بنابراین، دو اراده وجود دارد و خداوند می‌داند که این شخص دگرگون خواهد شد و در پرتو اراده دوم پروردگار قرار خواهد گرفت. پس علم و اراده الهی دگرگون نشده است، بلکه دو علم و اراده گوناگون نسبت به دو موضوع متفاوت وجود دارد که هیچ یک ناقض دیگری نیست، بلکه هر دو عین عدل الهی است. بدین ترتیب، علم و اراده خدا دگرگون نمی‌شود، بلکه علم و اراده جدیدی به موضوع نوینی تعلق می‌گیرد.

درباره شفاعت می‌گوییم: «خداوند از ازل می‌دانست که فلان انسان، حالت‌های گوناگونی خواهد داشت و بر اساس آن شرایط، اراده ویژه‌ای درباره او شکل می‌گیرد. از این رو، بر اساس تعدّد حالت‌ها و تغییر موضوع، اراده‌های متفاوتی نیز تعلّق گرفته است. پس در علم الهی و اراده او، خطا و تغییری پدید نیامده است، بلکه هر علمی نسبت به موضوع خود درست است و هر اراده نسبت به موضوع خود، حکیمانه و بر اساس مصلحت است»^۱.

۴-۱-۵. تغییرناپذیری سنت‌های الهی

بعضی می‌گویند سنت و قانون الهی بر پایه محکم استوار است و هیچ‌گاه در معرض اختلاف و تخلف قرار نمی‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید:

فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ هرگز برای سنت خدا بدل نخواهی یافت و هرگز برای سنت او دگرگونی نخواهی یافت.^۲ افزون بر این با حکمت خدا هم همخوانی ندارد. پاسخ: صراط خدا مستقیم و سنت او تخلف ناپذیر است، ولی سنت خدا بر پایه یک صفت از اوصاف او استوار نشده و خداوند دارای یک سنت مشخص نیست، بلکه سنت‌های فراوانی دارد که هر کدام در جای خود کامل، تام، جامع و فراگیر است. بنابراین، سنت الهی فقط بر یک صفت استوار نیست تا هیچ حکمی از موردش، و هیچ جزا و پاداشی از محلّش تخلف نکند، بلکه رحمت گسترده و عفو و مغفرت او با شرایط ویژه شامل حال گناهکاران می‌شود؛ چنان که حق تعالی در جای خود و با شرایط خاص، منتقم و قهار است؛ یعنی در بررسی جامع باید هر صفت از صفات الهی را با توجه به سایر صفات وی ملاحظه و ارزیابی کرد. در نتیجه، اگر شفاعتی واقع می‌شود و عذاب را از کسی برمی‌دارد، هیچ اختلاف و اختلالی در سنت و روش کلی و جامع او پدید نمی‌آید.^۳

۱- رضوانی، علی اصغر، وهابیت و شفاعت، ص ۱۰۸.

۲- فاطر (۳۵) آیه ۴۳.

۳- رضوانی، علی اصغر، وهابیت و شفاعت، ص ۱۱۰.

۴-۲. معتزله و شفاعت

معتزله که شفاعت را حق مخصوص توبه کنندگان مؤمن می دانند و شامل گناه کاران نمی دانند به ادله ای تمسک کرده اند، اینک آنها را نقل کرده و پاسخ می دهیم:

۴-۲-۱. دلیل اول: آیات وعید الهی

آنان می گویند آیاتی که در آنها وعده عذاب بر گناه کاران داده شده عموم و اطلاق داشته و از آن رفع عذاب یا بیرون آمدن معصیت کار از دوزخ استفاده نمی شود. قاضی عبدالجبار معتزلی می گوید:

دَلَّتِ الدَّلَالَةُ عَلَى أَنَّ الْعُقُوبَةَ تَسْتَحِقُّ عَلَى طَرِيقِ الدَّوَامِ، فَكَيْفَ يَخْرُجُ الْفَاسِقُ مِنَ النَّارِ بِشَفَاعَةِ النَّبِيِّ ﷺ. ^۱ دلیل دلالت دارد بر اینکه گناه کار مستحق عقوبت به طور دائم است، حال چگونه ممکن است که شخص فاسق با شفاعت پیامبر ﷺ از دوزخ خارج شود.

او بر ادعای خود به آیاتی از قرآن استدلال کرده است از قبیل این که خداوند متعال می فرماید:

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ؛ آیا تو می توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده رهایی بخشی؟! آیا تو می توانی کسی را که در درون آتش است برگیری و نجات دهی؟! ^۲

و می فرماید: رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ؛ پروردگارا! هر که را تو (به خاطر اعمالش،) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته ای! و برای افراد ستمگر، هیچ یاورى نیست! ^۳ و می فرماید:

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَأَوتَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا؛ و اما کسانی که فاسق شدند (و از اطاعت خدا سرباز زدند)، جایگاه همیشگی آنها آتش

۱- عبد الجبار، شرح الاصول الخمسه، ص ۶۸۹.

۲- زمر (۳۹) آیه ۱۹.

۳- آل عمران (۳) آیه ۱۹۲.

است؛ هر زمان بخواهند از آن خارج شوند، آنها را به آن باز می‌گردانند.^۱ و می‌فرماید: **يَوْمُ الْمُجْرِمِ لَوْ يُفْتَدَى مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَيْنِيهِ؛** (ولی هر کس گرفتار کار خویشتن است)، چنان است که گنه‌کار دوست می‌دارد فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند.^۲ و می‌فرماید:

وَ أَنْيَبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ^۳؛ و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید!

قاضی عبدالجبار از این آیات استفاده کرده که گناه‌کار بعد از آنکه وارد جهنم شد هیچ یآوری برای او نخواهد بود.^۴

پاسخ: اولاً از روایات استفاده می‌شود که روز قیامت خداوند متعال عده‌ای را به شفاعت رسول خدا ﷺ و دیگر اولیا از آتش دوزخ نجات خواهد داد. و این روایات می‌تواند به نوبه خود مخصّص آن آیات باشد. ثانیاً آیاتی که معتزله به آنها در مقصود خود استدلال کرده‌اند عموماً مربوط به کفار است. ابوبکر آجری می‌گوید:

انّ المكذّب بالشفاعة اخطأ في تأويله خطأ فاحشاً، خرج به عن الكتاب والسنه؛ وذلك أنّه عمد إلى آيات من القرآن نزلت في اهل الكفر، اخبر الله عزّ وجلّ أنّهم إذا ادخلوا النار فهم غير خارجين منها، فجعلها المكذّب بالشفاعة في الموحدين، ولم يلتفت إلى اخبار رسول الله ﷺ في اثبات الشفاعه: أنّها إنّما لأهل الكبائر، و القرآن يدلّ على هذا؛^۵

همانا تکذیب کننده شفاعت در تأویلش خطای آشکاری داشته و با این انکار از کتاب و سنت خارج شده است؛ زیرا به آیاتی از قرآن تمسک کرده که درباره اهل کفر نازل شده است که خداوند عزّ وجلّ در مورد آنان می‌فرماید: هرگاه آنان داخل دوزخ شوند از آن خارج نمی‌شوند. آنان که شفاعت را

۱- سجده (۳۲) آیه ۲۰.

۲- معارج (۷۰) آیه ۱۱.

۳- زمر (۳۹) آیه ۵۴.

۴- عبد الجبار، شرح الاصول الخمسه، ص ۶۸۹.

۵- آجری، الشریعه، ص ۳۳۴ و ۳۳۵.

تکذیب می‌کنند این آیات را در شأن موحدان می‌دانند و به روایات رسول خدا ﷺ در اثبات شفاعت (و اینکه آن در حق مرتکبین از گناهان کبیره است)، التفات نکرده‌اند، و قرآن بر این مطلب دلالت دارد.^۱

۲-۲-۴. دلیل دوم: آیات خلود

آنان نیز به آیاتی تمسک کرده‌اند که دلالت دارد بر اینکه هرکس داخل جهنم شد در آن خالد بوده و هرگز از آن نجات نمی‌یابد. خداوند متعال می‌فرماید: وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا؛ و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می‌ماند؛ و خداوند بر او غضب می‌کند؛ و او را از رحمتش دور می‌سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.^۲

آنان نیز به روایاتی تمسک کرده‌اند که دلالت دارد بر اینکه شخص گناه‌کار در جهنم خالد بوده و وارد بهشت نمی‌شود، گرچه موحد باشد. ابوهیریه از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِحَدِيدَةٍ فَحَدِيدَتُهُ فِي يَدِهِ، يَتَوَجَّأُ بِهَا فِي بَطْنِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا؛ هر کس خودش را با آهن بکشد آن آهن در دستانش خواهد بود و در آتش دوزخ که در آن خالد و دائمی است بر شکم خود خواهد زد.^۳ جبیر بن مطعم از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَجِمَ؛ کسی که قطع رحم کند وارد بهشت نمی‌شود.^۴ حذیفه از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَّامٌ؛ سخن چین داخل بهشت نمی‌شود.^۵

پاسخ: اولاً برخی این ادله را حمل بر کسانی کرده‌اند که این نوع از گناهان را حلال شمرده‌اند، ولی کسانی که معتقد به حرمت آنها هستند و در عین حال انجام می‌دهند شامل

۱- رضوانی، علی اصغر، کتاب وهابیت و شفاعت، ص ۱۱۸.

۲- نساء (۴) آیه ۹۳.

۳- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۷، ص ۳۲.

۴- همان، ج ۷، ص ۶۸.

۵- همان، ج ۷، ص ۶۴.

حکم این روایات نمی‌شوند. ثانیاً ممکن است که حکم این افراد خلود و عدم دخول در بهشت باشد، ولی خداوند متعال در حق موحدان لطف و کرم کرده و آنان را از جهنم نجات خواهد داد. ثالثاً ممکن است که مقصود از این روایات عدم استحقاق بهشت باشد ولی منافات ندارد که گنهکار بعد از مقداری از عذاب مشمول عفو الهی از طریق شفاعت گردد. رابعاً بین خلف وعده با خلف وعید فرق است؛ به این معنا که خلف وعید به عذاب نه‌تنها اشکال ندارد بلکه برای خداوند مدح به حساب می‌آید. خامساً این ادله دلالت بر وجود مقتضی حکم خلود و عذاب دارد و از وجود مقتضی حکم، وجود حکم لازم نمی‌آید.^۱

۳-۲-۴. دلیل سوم: استدلال به آیات نافی شفاعت

معتزله در ادعای خود به آیاتی تمسک کرده‌اند که شفاعت را نفی کرده است. آنان می‌گویند: این آیات دلالت بر عدم نفع شفاعت نسبت به گناه‌کاران دارد و دلالت بر ترفیع درجات اهل بهشت ندارد. آنان در این مدعا به آیاتی تمسک کرده‌اند.

خداوند متعال می‌فرماید: *فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ*؛ از این رو شفاعتِ شفاعت‌کنندگان به حال آنها سودی نمی‌بخشد.^۲

و نیز می‌فرماید: *مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ*؛ برای ستمکاران دوستی وجود ندارد، و نه شفاعت‌کننده‌ای که شفاعتش پذیرفته شود.^۳ و هم چنین می‌فرماید: *وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ*؛ و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی‌پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می‌شود؛ و نه غرامت از او قبول خواهد شد؛ و نه یاری می‌شوند.^۴ زمخشری می‌گوید: *لو شفع لهم الشافعون جميعاً من الملائكة و النبيين و غيرهم لم تنفعهم شفاعتهم؛ لأن الشفاعة لمن ارتضاه الله، و هم مسخوط عليهم.* و فیه دلیل علی

۱- رضوانی، علی اصغر، کتاب وهابیت و شفاعت، ص ۱۱۹.

۲- مدثر (۷۴) آیه ۴۸.

۳- غافر (۴۰) آیه ۱۸.

۴- بقره (۲)، آیه ۴۸.

انّ الشفاعة تنفع يومئذ؛ لانّها في درجات المرتضين؛ اگر تمام شفاعت کنندگان از ملائکه و پیامبران و دیگران برای آنان شفاعت کنند، شفاعتشان نفع نمی دهد؛ زیرا شفاعت مخصوص کسانی است که خدا از آنان راضی باشد در حالی که آنان مورد غضب خدایند.^۱ و این آیه دلیل است بر اینکه در آن روز شفاعت تنها در زیاد شدن درجات افراد مورد رضایت خداوند نفع می دهد.

پاسخ: این آیه ای که به آنها استدلال شده مربوط به کفار است و شامل گناه کاران از موحدان امت اسلام نمی شود، همان گونه که از ادله دیگر چنین استفاده می شود. ابن حزم می گوید: قد صحت الشفاعة بنص القرآن الذی لایأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه، فصحّ یقیناً انّ الشفاعة التي ابطالها الله عزوجل هي غير الشفاعة التي اثبتها عزوجل، واذ لا شك في ذلك فالشفاعة التي ابطال عزوجل هي الشفاعة للكفار الذين هم مخلدون في النار... فاذا لا شك فيه فقد صحّ یقیناً انّ الشفاعة التي اوجب الله عزوجل لمن اذن له و اتخذ عنده عهداً و رضی قوله فانما هي لمذنبی اهل الاسلام، و هكذا جاء الخبر الثابت؛^۲ به تصریح قرآنی که در آن از هیچ جهت باطل راه ندارد شفاعت صحیح است. و به طور یقین شفاعتی را که خدای عزوجل ابطال کرده غیر از شفاعتی است که آن را اثبات نموده است؛ بنابراین شفاعتی را که ابطال نموده شفاعت برای کفاری است که در دوزخ مغلّدند... به طور یقین ثابت شده شفاعتی که خداوند عزوجل برای افرادی اذن داده و دارای عهدهی نزد او هستند و مورد رضایت می باشند مربوط به گناه کاران اهل اسلام است. و این مطلبی است که در خبر ثابت آمده است.^۳

۱- زمخشری، جارالله، تفسیر الکشاف، ج ۴، ص ۶۵۵.

۲- امینی، عبدالحسین، الفصل فی الملل و الاھواء و النحل، ج ۴، ص ۶۴.

۳- رضوانی، علی اصغر، کتاب وھابیت و شفاعت، ص ۱۱۹.

نتیجه‌گیری

با توجه به تحقیق انجام شده ما به این نتیجه می‌رسیم که مسئله‌ی شفاعت در امت‌های پیشین و ادیان سابقه‌ی تاریخی دارد و در مذاهب خاموش که آغشته از افسانه‌های عجیب است تا افسانه‌های خدایان یونان و مذاهب قدیم مصر و آئین یهود و بت پرستان حجاز و بابل؛ در تمام مذاهب در موضوع و مسئله‌ی شفاعت ریشه‌ی عمیقی داشته است. و یکی از اعتقادات عموم مسلمانان و معتقدان به ادیان، مسئله شفاعت است؛ یعنی روز قیامت اولیای الهی، در حق گروهی از گناهکاران شفاعت کرده و آنان را از عقاب جهنم نجات می‌دهند یا بنابر تفسیر برخی از شفاعت، اولیای الهی با شفاعتشان از شخصی سبب ترفیع درجه او می‌شوند. لیکن در اندازه و ویژگی‌های آن اختلاف است؛ یهود برای اولیای خود بدون هیچ قید و شرطی حق شفاعت قائل است که قرآن به‌طور آشکار آن را باطل می‌داند. در میان مسلمانان، وهابیان معتقدند که تنها می‌توان از خدا طلب شفاعت کرد و اگر کسی از خود شافعان، طلب شفاعت کند مشرک است، ولی عموم مسلمانان قائلند این حقی را که خداوند برای شافعان قرار داده، می‌توان از آنان طلب نمود.

پس آن چه که از مجموع آیات و روایات، استفاده شد، این بود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام، صدیقین، ملائکه مقربین و صالح مؤمنین از گناه کاران امت شفاعت می‌کند و از بسیاری از روایات چنین برمی‌آید که سایر پیامبران نیز شفاعت مقبوله دارند و پروردگار متعال به لطف و عنایتش از بسیاری از خطاکاران در می‌گذرد و به برکت درخواست مقربان درگاهش کردار بد آنان را عفو می‌فرماید و این مسئله یکی از مسائل ضروری دین و از جمله معتقادات مذهب شیعه حقه جعفریه اثنی عشریه به شمار می‌آید. و این که کسی که به شفاعت هدایت اهل بیت علیهم السلام تمسک کند، یعنی تقوا پیشه کند، به نماز اهمیت دهد، به واجبات و محرمات پای بند باشد، به کسی ظلم نکند، اهل کینه نباشد و نسبت به دیگران خوش بین باشد و به کسی با دیده‌ی تحقیر ننگرد، این شخص

روز قیامت به دنبال آن بزرگواران به سوی بهشت می رود. مهم آن است که خود را ملتزم به هدایت آنان بدانند و مراقب شیطان باشد که در کمین گاه نشسته است. گناه هر کسی به حسب شغل، سنّ و علاقه مندی هایش متفاوت است و شیطان هر کسی را با دامی متناسب با او وسوسه می کند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. آجری، محمد بن حسین، کتاب الشریعه، مؤسسة قرطبة، بی جا، ۱۴۱۷ ه ق.
۳. آبراهام کهن، گنجینه‌ای از تلمود؛ ترجمه امیر فریدون گرگانی، ناشر: نشر اساطیر، تهران، ۱۳۹۰ ه ش.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مشخصات نشر: بیروت: دارصادر: داریبیروت، ۱۳۷۵ ه ش.
۵. امینی، عبدالحسین، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، ناشر: نشر معشر، تهران، بی تا.
۶. ابو عبد الله أحمد بن محمد، مسند احمد، الناشر: دار الحديث - القاهرة، ۱۴۱۶ ه ق.
۷. ابن فارس، المقاییس فی اللغة، مشخصات نشر: بیروت، الناشر: دار الفکر، ۱۳۹۹ ه ق
۸. اصفهانی، راغب، المفردات، مشخصات نشر: دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدارالشامیه، ۱۴۱۶ ق.
۹. ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، الناشر: دار إحياء الكتب العربية، لبنان، ۱۹۹۸ ه ق.
۱۰. امین، سید محسن، کتاب کشف الارتیاب، ناشر: دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۳۸۶ ه ش.
۱۱. انتشارات دورلینگ کیندرزلی، دایرة المعارف کتاب مقدس، مترجم: الهام شوشتری زاده، ناشر: نشر سایان، ۱۳۸۲ ه ش.
۱۲. انصاری، سید مرتضی، رسائل، مشخصات نشر: قم: دارالقرآن الکریم: مدرسه آیه العظمی الکلیایگانی، ۱۴۲۱ ه ق.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ناشر: دارالکتب الإسلامیة، مکان چاپ: قم، سال چاپ: ۱۳۷۱ ه ق.
۱۴. بهبهانی، عبد الکریم، شفاعت، مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۳۵ ق.

۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، مترجم: عبدالعلی نوراحراری، ناشر: شیخ الاسلام احمد جام (مکتبه البشری)، بی جا، ۱۳۹۱ ه ش.
۱۶. جوادی آملی، مبانی تعلیم و تربیت، انتشارات حکمت اسراء، ۱۳۹۴ ه ش
۱۷. حلی، حسن بن یوسف، شرح تجرید، مؤسسة النشر الاسلامی، قم ۱۴۰۷ ه ق
۱۸. حویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نورالثقلین، ناشر: اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ه ق.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ناشران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، روزنه، سال چاپ: ۱۳۷۷ ه ش.
۲۰. دستغیب، عبد الحسین، کتاب معاد، مشخصات نشر: تهران: بنیاد بعثت، واحد کودکان و نوجوانان، - ۱۳۶۵ ه ش.
۲۱. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، مشخصات نشر: قم: شریف الرضی، ۱۴۰۹ ق. ۱۳۶۸ ه ش.
۲۲. دن براون، کتاب سفر پیدایش، مترجم: مهرداد وثوقی ناشر: انتشارات کتاب کوله پشتی، سال ۲۰۱۴ م
۲۳. ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی، مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۰ ه ش.
۲۴. زبیدی واسطی، مرتضی، تاج العروس، مشخصات نشر: بیروت: دارالهدایه
۲۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت - لبنان، ۱۴۲۶ ه ق.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، مشخصات نشر: بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات (الطبعة الاولى)؛ ۱۴۰۸ ق
۲۷. طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، مکان نشر: قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه ش
۲۸. ماتریدی، محمد بن محمد، تفسیر ماتریدی، معروف به تأویلات اهل سنت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۲۶ ق.

۲۹. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران، معارف قرآن، مشخصات نشر: سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ ه. ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، مکان نشر: قم، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۸ ه. ش
۳۱. محمد عبده، المنار، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۳۲۸ ه. ش.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی چاپ دوم ۱۴۰۳ قمری
۳۳. مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۸ ه. ش
۳۴. مطهری، مرتضی، کتاب چند گفتار، ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۸۰ ه. ش
۳۵. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ه. ش.
۳۶. مطهری، مرتضی، کتاب عدل الهی، انتشارات: صدرا، تهران، ۱۳۷۱ ه. ش.
۳۷. صادقزاده قمصری، فاطمه، مقاله‌ی شفاعت ضابطه مند از نظر صدرائیان، شماره نشریه: ۲۳، سال: ۱۳۸۲ ه. ش
۳۸. قمی، شیخ عباس، منازل الآخرة، مشخصات نشر: قم مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران، ۱۳۸۲ ه. ش).
۳۹. کتلین تسارو، کتاب اشعیا، مترجم: نشاط رحمانی نژاد، ناشر: انتشارات کتاب کوله پستی، سال ۲۰۱۶ م
۴۰. سبحانی تبریزی، جعفر، سیمای عقاید شیعه، مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۹ ه. ش.
۴۱. سید مرتضی، امالی، مترجم حسین صابری، ناشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۶ ه. ش.
۴۲. شیخ مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، مشخصات نشر: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ ق
۴۳. شبر، سید عبدالله، مصابیح الانوار، ناشر: موسسه فرهنگی دارالحديث، قم، ۱۳۹۳ ه. ش

۴۴. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر فخر رازی، ناشر: موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، ۱۳۸۹ ه ش
۴۵. رضوانی، علی اصغر، وهابیت و شفاعت، مشخصات نشر: نشر مشعر، تهران، ۱۳۹۱ ه ش.
۴۶. زمخشری، جارالله، تفسیر الکشاف، مترجم: مسعود انصاری خوشابر، ناشر: نشر ققنوس، تهران، ۱۳۹۱ ه ش
۴۷. صدوق، محمد بن علی، خصال، ناشر: جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ه ش.
۴۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷ ه ش.
۴۹. صدوق، محمد بن علی، فضائل الشیعه، مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸ ه ش.
۵۰. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، مشخصات نشر: تهران: انتشارات علمیه اسلامی، بی تا
۵۱. صدوق، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ناشر دارالشریف، قم، ۱۴۰۶ ه ق.
۵۲. صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق، مترجم: کمره ای، محمد باقر، ناشر: نشر کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ه ش.
۵۳. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۵۴. عبد الجبار، احمد بن حسین، شرح الاصول الخمسه، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۲۲ ق
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم محمد باقر کمره ای، مشخصات نشر: انتشارات مکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ ه ش.
۵۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ناشر: دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ه ق
۵۷. خمینی، روح الله، امامت و انسان کامل، ناشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم، سال نشر: ۱۳۸۵ ه ش.

- بررسی مسئله‌ی شفاعت در ادیان الهی و آسمانی

۵۸. ویسی، فیض الله، کتاب شفاعت، مشخصات نشر: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۹ ه ش

۵۹. نور مفیدی، سیدمجتبی، شفاعت اهل بیت علیهم السلام حقیقت و قلمرو، مشخصات نشر: تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۹۷ ه ش.